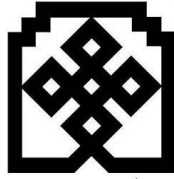


بسم الله الرحمن الرحيم



دانشگاه حکیم سنواری

دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی

پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی الهیات و معارف اسلامی

گرایش علوم قرآن و حدیث

نقش دخالت‌های دیگران در تحکیم و فروپاشی زندگی زوجین و مدیریت آن با تأکید بر آموزه‌های اسلامی

استاد راهنما:

دکتر محمد مصطفائی

استاد مشاور:

دکتر حسین شاره

پژوهشگر:

عاطفه رضائی کلاته بالی

بهمن ۹۵



دانشگاه حکیم سبزواری

فرم ۱۰۵

بسمه تعالی

فرم ارزشیابی و صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد *

جلسه دفاع از پایان نامه خانم عاطفه رضائی کلاته بالی دانشجوی رشته ی الهیات گرایش علوم قرآن وحدیث به شماره دانشجویی ۹۳۱۳۲۲۰۰۹۷ با عنوان «نقش دخالت های دیگران در تحکیم و فروپاشی زندگی زوجین ومدیریت آن باتاکید برآموزه های اسلامی»

در روزشنبه ساعت ۱۲/۳۰ به تاریخ ۹۵/۱۱/۳۰ درسالن اجتماعات دانشکده ی الهیات ومعارف اسلامی برگزار و توسط هیات داوران مورد ارزشیابی قرار گرفت و نمره.....۱۹..... برابر درجه...کلی... برای آن تعیین گردید. به این ترتیب از این تاریخ نامبرده به عنوان کارشناس ارشد در رشته مذکور شناخته می شود.

نمره کسب شده	حداکثر نمره	موارد	موارد ارزشیابی
۴	۴	رعایت اصول نگارش انسجام در تنظیم بخشهای مختلف، کیفیت تصاویر، جداول و اشکال، تنظیم فهرست ها، منابع و ماخذ	۱- کیفیت نگارش
۹/۱۵	۱۰	بررسی تاریخچه و سلفه تجربی و نظری موضوع انسجام منطقی در بخش های مختلف پایان نامه اینکار و نوآوری، اهمیت و ارزش علمی پایان نامه، استفاده از منابع معتبر و جدید، کیفیت تجزیه و تحلیل یافته ها و نتیجه گیری، روشن بودن روش کار، هدف ها و فرضیه های تحقیق، جدید بودن روش تحقیق	۲- کیفیت علمی
۴	۴	تسلط بر موضوع و بیان واضح و تفهیم آن، توانایی در پاسخگویی به سوالات مطرح شده در جلسه، رعایت زمان ارائه، روشن ارائه	۳- کیفیت ارائه در جلسه دفاع
۱	۱	گزارش های دوره ای پیشرفت کار(حداقل ۴ مورد)	۴- ارزشیابی گزارشات
۷/۵	۱	مقاله مستخرج از پایان نامه؛ این نمره به صورت زیر اختصاص می یابد ۱) یکجکده کنفرانسی هر مورد ۲۵/نمره نا سقف ۵/نمره ۲) مقاله کامل در مجموع مقالات همایشهای معتبر یا مقاله در مجلات علمی-تربیتی معتبر پذیرفته شده یا چاپ شده هر مورد ۲۵/نمره نا سقف ۱۰نمره ۳) مقاله پذیرفته شده یا چاپ شده در مجلات علمی پژوهشی معتبر ۱ نمره ۴) مقاله ارسال شده به مجلات علمی پژوهشی، معتبر هر مورد ۲۵/نمره نا سقف ۵/نمره ۵) دستگاه ساخته شده دارای گواهی نت اختراع یا به سفارش سازمان ها نا سقف ۱ نمره ۶) دستگاه ساخته شده کاربردی که به نایب رئیس دانشکده رسیده باشد نا سقف ۲۵/نمره	۵- خروجی پایان نامه
۱۹		جمع	

درجه معادل کسب شده: (از ۲۰ تا ۱۹ عالی) □ از ۱۸ تا ۱۸/۹۹ بسیار خوب □ از ۱۶ تا ۱۷/۹۹ خوب □ از ۱۴ تا ۱۵/۹۹ قابل قبول □ کمتر از ۱۴ غیر قابل قبول □

مشخصات هیات دوران

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبۀ علمی	محل کار	امضاء
۱	دکتر محمد مصطفایی	استاد راهنما	استادیار	دانشگاه حکیم سبزواری	
۲	دکتر حسین شاره	استاد مشاور	استادیار	دانشگاه حکیم سبزواری	
۳	دکتر احمد ربانی خواه	استاد داور	مریی	دانشگاه حکیم سبزواری	
۴	دکتر موسی زرقی	نایبده تحصیلات تکمیلی	استادیار	دانشگاه حکیم سبزواری	

امضاء
رئیس دانشکده

* این فرم الزاماً باید به صورت تایپ شده تهیه، ارسال و در پایان نامه درج شود

امضاء
مدیر گروه



دانشگاه حکیم سبزواری

سوگندنامه دانش آموختگان دانشگاه حکیم سبزواری

کزین برتر اندیشه بر نگذرد

- به نام خداوند جان و خرد

اینک که به خواست آفریدگار پاک، کوشش خویش و بهره‌گیری از دانش استادان و سرمایه‌های مادی و معنوی این مرز و بوم، توشه‌ای از دانش و خرد گردآورده‌ام، در پیشگاه خداوند بزرگ سوگند یاد می‌کنم که در به کارگیری دانش خویش، همواره بر راه راست و درست گام بردارم. خداوند بزرگ، شما شاهدان، دانشجویان و دیگر حاضران را به عنوان داورانی امین گواه می‌گیرم که از همه‌ی دانش و توان خود برای گسترش مرزهای دانش بهره‌گیرم و از هیچ کوششی برای تبدیل جهان به جایی بهتر برای زیستن، دریغ نورزم. پیمان می‌بندم که همواره کرامت انسانی را در نظر داشته باشم و هم‌نوعان خود را در هر زمان و مکان تا سر حد امکان یاری دهم. سوگند می‌خورم که در به کارگیری دانش خویش به کاری که با راه و رسم انسانی، آیین پرهیزگاری، شرافت و اصول اخلاقی برخاسته از ادیان بزرگ الهی، به ویژه دین مبین اسلام، مبیانت دارد دست نیازم. همچنین در سایه‌ی اصول جهان شمول انسانی و اسلامی، پیمان می‌بندم از هیچ کوششی برای آبادانی و سرافرازی میهن و هم‌میهنم فروگذاری نکنم و خداوند بزرگ را به یاری طلبم تا همواره در پیشگاه او و در برابر وجدان بیدار خویش و ملت سرافراز، بر این پیمان تا ابد استوار بمانم.

نام و نام خانوادگی و امضای دانشجو

تاییدیه‌ی صحت و اصالت نتایج

بسمه تعالی

اینجانب عاطفه-رضائی کلاته بالی به شماره دانشجویی ۹۳۱۴۲۲۰۰۹۷ رشته‌ی علوم قرآن و حدیث مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد تأیید می‌نمایم که کلیه‌ی نتایج این پایان‌نامه حاصل کار اینجانب و بدون هر گونه دخل و تصرف و موارد نسخه برداری شده از آثار دیگران را با ذکر کامل مشخصات منبع ذکر کرده‌ام. در صورت اثبات خلاف مندرجات فوق به تشخیص دانشگاه مطابق با ضوابط و مقررات حاکم (قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی ضوابط و مقررات آموزشی پژوهشی و انضباطی.) با اینجانب رفتار خواهد شد و حق هرگونه اعتراض در خصوص احقاق حقوق مکسب و تشخیص و تعیین تخلف و مجازات را از خویش سلب می‌نمایم. در ضمن مسئولیت هرگونه پاسنگویی به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و مراجع ذی صلاح (اعم از اداری و قضایی) به عهده اینجانب خواهد بود و دانشگاه هیچ‌گونه مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت.

نام و نام خانوادگی: عاطفه رضائی کلاته بالی

تاریخ و امضاء:



حمد و سپاس خدای را که هر چه دارم از وجود بی مثال اوست. خداوندی که نعمت علم خواهی و علم جویی را به بنده‌ی حقیر ارزانی داشت و لطف بی‌پایانش همواره ره‌گشای زندگی‌ام است.

تقدیم به:

دو زوج خوشبخت عالم، پرچمداران علم و تقوا، چراغ‌های تاریکی‌های امت و راهنمایان طریق رضا، علی (علیه السلام) پدر پاکی‌ها و زهرا (سلام الله علیها) مادر مهربانی‌ها؛ که از وجود پاک و مهربان‌شان سروران اهل بهشت آفریده شدند. خانواده‌ای که کانون خوبان عالم‌اند و پیروی آنها سلوک راه رضوان و انکار ولایت‌شان خشم و غضب خدای رحمان است.

سپاس بیحد از او که واژه‌هایم بی‌اختیار در مقابل نامش سرخم می‌کنند؛ کسی که معنای واقعی پاک زیستن و پاک ماندن را به من آموخت؛ پدرم!

علی (علیه السلام) یار و یاورت باد!
سپاس بیحد از او که خورشید در مقابل مهربانی‌اش بی‌فروغ است؛ کسی که الفبای محبت و ایثار را به من آموخت؛ مادرم!

زهرا (سلام الله علیها) یار و یاورت باد!
بی‌نهایت سپاسگزارم از خواهران و برادران فداکار و مهربان و باپشتکار؛ همان کسانی که ارزش علم را به من آموختند.

سروران اهل بهشت تا ابد نگهدارتان باد!
با نهایت سپاس و قدردانی از استاد راهنمای بزرگوار؛ جناب آقای دکتر محمد مصطفائی که نه تنها اندیشه‌ها را بلکه اندیشیدن صحیح را به من آموخت و دریچه‌ی زیبای علم را به رویم گشود تا به سوی روشنی گام بردارم.

بهترین معلم جهان؛ پیامبر خوبی‌ها (صلی الله علیه و آله) یار و یاورتان باد!

با سپاس از استاد محترم، جناب آقای دکتر حسین شاره که مشاوره‌ی این پایان‌نامه را عهده‌دار بودند.

از استاد داور فرهیخته جناب آقای دکتر ربانی‌خواه که قبول زحمت نموده و با رهنمودهای خود بنده را مستفیض نمودند، بی‌نهایت سپاسگزارم.

در انتها از دوستان گران‌قدرم که در نهایت همکاری و با یاری خود حق دوستی را ادا نمودند، بی‌نهایت تقدیر و تشکر می‌نمایم.

و من الله التوفیق

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۲	۱-۱. طرح تحقیق
۲	۱-۱-۱. مقدمه و بیان مسئله
۳	۱-۱-۲. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق
۳	۱-۱-۳. ادبیات و سوابق تحقیق
۵	۱-۱-۴. روش تحقیق
۵	۱-۱-۵. هدف کلی تحقیق
۵	۱-۱-۶. سؤالات تحقیق
۶	۱-۱-۷. پاسخ‌های اجمالی
۶	۱-۱-۸. نام بهره‌وران
۷	۱-۱-۹. ساختار پایان‌نامه
۷	۱-۲. مفهوم‌شناسی کلمات کلیدی
۷	۱-۲-۱. مفهوم «دخالت»
۸	۱-۲-۲. مفهوم «دیگران»
۹	۱-۲-۳. تعریف مفهومی «دخالت دیگران در زندگی زوجین»
۹	۱-۲-۴. مفهوم «مدیریت»
۹	۱-۲-۵. مفهوم «مدیریت دخالت دیگران در زندگی زوجین»
۱۰	۱-۳. تبیین مرز دخالت و مفاهیم مرتبط با آن
۱۰	۱-۳-۱. دخالت و حمایت
۱۱	۱-۳-۲. دخالت و احترام
۱۲	۱-۳-۳. دخالت و دلسوزی
۱۳	۱-۳-۴. دخالت و راهنمایی
۱۳	جمع‌بندی فصل
۱۴	فصل دوم: قلمروها و انواع دخالت دیگران در زندگی زوجین از منظر قرآن و حدیث
۱۴	۱-۲. قلمروهای دخالت دیگران در زندگی زوجین
۱۵	۲-۲. انواع دخالت در زندگی زوجین
۱۶	۱-۲-۲. انواع دخالت مثبت در آموزه‌های اسلامی

۱۶ ۱-۲-۲. وساطت در ازدواج
۱۷ ۲-۱-۲. مشورت دادن
۱۷ ۳-۱-۲. نصیحت و تذکر
۱۹ ۴-۱-۲. امر به معروف و نهی از منکر
۲۰ ۵-۱-۲. میانجی‌گری در اختلافات زوجین در صورت بیم از دشمنی و جدایی آنها
۲۲ ۲-۲-۲. انواع دخالت منفی در آموزه‌های اسلامی
۲۳ ۱-۲-۲. ازدواج تحمیلی
۲۳ ۲-۲-۲. تجسس
۲۴ ۳-۲-۲. جدایی انداختن بین زوجین با سحر و جادو
۲۵ ۴-۲-۲. جدایی انداختن بین زوجین با درخواست مهریه
۲۶ ۵-۲-۲. میانجی‌گری نابهنگام و نابه‌جا در اختلافات زوجین
۲۶ ۳-۲-۲. دخالت مستقیم
۲۷ ۴-۲-۲. دخالت غیر مستقیم
۲۷ ۱-۴-۲. تأثیر رسانه‌ها
۲۹ ۲-۴-۲. تأثیر غیر ارادی خویشاوندان
۲۹ ۳-۴-۲. تأثیر غیر ارادی دوستان
۳۰ جمع‌بندی فصل
	فصل سوم: علل و زمینه‌های دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین و راه‌کارهای جلوگیری از آن با
۳۱ تأکید بر آموزه‌های اسلامی
۳۱ ۱-۳. علل و زمینه‌های دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین
۳۲ ۱-۱-۳. عدم رشد و بلوغ شخصیتی زوجین
۳۳ ۲-۱-۳. سوء مدیریت زوجین
۳۴ ۳-۱-۳. وابستگی
۳۶ ۴-۱-۳. عدم رازداری زوجین
۳۷ ۵-۱-۳. آشکارسازی معایب همسر
۳۸ ۶-۱-۳. خودخواهی و توقعات بیجای دیگران
۳۹ ۷-۱-۳. حسادت
۴۰ ۸-۱-۳. سخن‌چینی
۴۱ ۹-۱-۳. سوءظن

۴۱ ۱۰-۱-۳. عدم مسئولیت پذیری زوجین
۴۲ ۱۱-۱-۳. صله رحم
۴۳ ۱۲-۱-۳. عدم رشد باورهای دینی و اعتقادات مذهبی
۴۴ ۱۳-۱-۳. عدم کنترل نگاه‌ها
۴۵ ۱۴-۱-۳. زینت زن برای غیر شوهر
۴۶ ۱۵-۱-۳. چشم‌وهم‌چشمی
۴۷ ۲-۳. راه‌کارهای جلوگیری از دخالت منفی دیگران با تأکید بر آموزه‌های اسلامی
۴۷ ۱-۲-۳. رشد و بلوغ شخصیتی زوجین
۴۸ ۲-۲-۳. مدیریت صحیح
۵۰ ۳-۲-۳. استقلال زوجین
۵۱ ۴-۲-۳. حفظ اسرار
۵۲ ۵-۲-۳. پوشاندن عیوب همسر
۵۳ ۶-۲-۳. درک متقابل
۵۳ ۷-۲-۳. احترام به بستگان همسر
۵۴ ۸-۲-۳. عدم هم‌نشینی با سخن‌چین
۵۴ ۹-۲-۳. خوش‌بینی
۵۵ ۱۰-۲-۳. تقویت اعتماد به نفس
۵۶ ۱۱-۲-۳. رعایت حدود صله رحم
۵۷ ۱۲-۲-۳. ارتباط عقیقانه در شبکه‌های سایبری
۵۷ ۱۳-۲-۳. تقوا
۵۸ ۱۴-۲-۳. صمیمیت و ابراز محبت به همسر
۵۹ ۱۵-۲-۳. درمان چشم‌وهم‌چشمی
۶۰ جمع‌بندی فصل
	فصل چهارم: آثار دخالت‌های دیگران در زندگی زوجین و راه‌کارهای قرآن و حدیث برای مواجهه با
۶۱ اثرات منفی دخالت
۶۱ ۱-۴. آثار دخالت‌های دیگران در زندگی زوجین
۶۱ ۱-۱-۴. آثار دخالت‌های مثبت
۶۱ ۱-۱-۱-۴. تحکیم بنیان خانواده در اثر وساطت در ازدواج
۶۳ ۲-۱-۱-۴. آثار مشورت

۶۳۱-۲-۱-۱-۴ بهره‌مندی از عقل دیگران
۶۳۲-۲-۱-۱-۴ بهره‌مندی از علم و تجربه‌ی دیگران
۶۴۳-۲-۱-۱-۴ پیشرفت و موفقیت
۶۴۳-۱-۱-۴ آثار امر به معروف و نهی از منکر
۶۵۴-۱-۱-۴ صلح و آشتی
۶۵۲-۱-۱-۴ آثار دخالت‌های منفی
۶۵۱-۲-۱-۴ ازدواج تحمیلی و اختلالات روحی ناشی از آن
۶۶۲-۲-۱-۴ سوء ظن
۶۷۳-۲-۱-۴ جدایی زوجین در اثر سحر و جادو
۶۸۴-۱-۱-۴ آثار دخالت‌های غیر مستقیم
۶۸۱-۴-۱-۴ اشاعه و ترویج فحشا
۶۹۲-۴-۱-۴ تجمل‌گرایی
۷۰۲-۴ راه‌کارهای قرآن و حدیث برای مواجهه با اثرات منفی دخالت
۷۰۱-۲-۴ درمان سوء ظن
۷۱۲-۲-۴ راه‌کارهای بطلان سحر و جادو
۷۳۳-۲-۴ تحمل، مدارا و سازگاری
۷۵۵-۲-۴ تغافل
۷۷جمع‌بندی فصل
۷۸جمع‌بندی
۸۰منابع



دانشگاه حکیم سبزواری

فرم چکیده‌ی پایان‌نامه‌ی دوره‌ی تحصیلات تکمیلی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

نام خانوادگی دانشجو: رضائی کلاته بالی	نام: عاطفه	ش دانشجویی: ۹۳۱۳۲۲۰۰۹۷
استاد راهنما: دکتر محمد مصطفائی	استاد مشاور: دکتر حسین شاره	
دانشکده: الهیات و معارف اسلامی	رشته: الهیات و معارف اسلامی	گرایش: علوم قرآن و حدیث
مقطع: کارشناسی ارشد	تاریخ دفاع: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰	تعداد صفحات: ۸۷
عنوان پایان‌نامه: نقش دخالت‌های دیگران در تحکیم و فروپاشی زندگی زوجین و مدیریت آن با تأکید بر آموزه‌های اسلامی		
کلیدواژه‌ها: دخالت دیگران، زندگی زوجین، مدیریت روابط، خانواده، عوامل طلاق، اسلام.		

چکیده

بنیان خانواده از محبوب‌ترین بنیان‌ها نزد خداوند و اساسی‌ترین نهادها در جامعه است؛ لذا شناخت عوامل تحکیم و فروپاشی زندگی زوجین اهمیت می‌یابد. پژوهش‌ها، دخالت دیگران در زندگی زوجین را از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز طلاق معرفی می‌کنند. با توجه به تأکید اسلام بر حفظ بنیان خانواده، این پژوهش با شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی و برداشت مستقیم و غیر مستقیم از متون دینی، به بررسی نقش دخالت‌های دیگران در تحکیم و فروپاشی زندگی زوجین و مدیریت این دخالت‌ها با تکیه بر آموزه‌های اسلامی می‌پردازد. دخالت ممکن است با مفاهیمی چون حمایت، دلسوزی، راهنمایی و غیره اشتباه گرفته شود و لذا گام اول، مفهوم‌شناسی دخالت و تبیین مرز آن با مفاهیم مرتبط بود. گام بعدی، شناسایی قلمروهای دخالت دیگران و انواع دخالت‌ها است که با توجه به برخی پژوهش‌ها، ذیل چهار قلمرو فردی - شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و قلمرو اقتصادی نمونه‌هایی از دخالت‌ها ذکر شد و در ادامه، با تقسیم دخالت به مثبت و منفی، و نیز مستقیم و غیر مستقیم، به مواردی از هر کدام اشاره شد. علل و زمینه‌های دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین و راهکارهای جلوگیری از آن موضوع فصل سوم تحقیق است که در مجموع، ۱۵ علت و زمینه برای وقوع دخالت منفی دیگران، با استفاده از منابع دینی مطرح شد و سپس، از منظر آموزه‌های اسلامی، متناظر با هر یک راه‌کاری برای پیشگیری ارایه گردید. عدم رشد و بلوغ شخصیتی زوجین، و صله رحم، دو نمونه از علل و زمینه‌های دخالت دیگران است که در برابر آنها، تأکید آموزه‌های دینی بر رشد و بلوغ شخصیتی زوجین هنگام ازدواج، و رعایت حدود صله رحم، دو راه‌کار برای جلوگیری از بروز دخالت نابه‌جای دیگران است. فصل آخر این تحقیق به بررسی آثار دخالت‌های دیگران در زندگی زوجین و راهکارهای قرآن و حدیث برای مواجهه با اثرات منفی دخالت می‌پردازد.

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱. طرح تحقیق

۱-۱-۱. مقدمه و بیان مسئله

خانواده رکن اساسی جامعه محسوب می‌شود، و از آنجا که از دیدگاه اسلام نقش مهمی در سلامت و سعادت اجتماع دارد، بنابراین باید در جهت تحکیم خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن تلاش شود. به باور صاحب‌نظران و گواهی آمار موجود، یکی از عوامل مهمی که زندگی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در بسیاری از موارد رابطه‌ی آنها را مختل می‌سازد، دخالت دیگران است. دخالت از نظر لغت‌شناسان به معنای مداخله کردن، داخل شدن در امری یا در کار کسی، و میانجی‌گری و وساطت آمده است (جوهری، ۱۳۶۸: ۱۶۹۷/۳؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰۴۸۹/۷؛ آذرنوش، ۱۳۹۱: ۲۹۹).

بر اساس برخی آمار منتشره، در ایران ۲۷ درصد زنان و مردان متقاضی طلاق، عامل اقدام‌شان را دخالت بیجای خویشاوندان و آشنایان اعلام نموده‌اند که این عامل از نظر فراوانی در رتبه‌ی دوم میان عوامل طلاق قرار دارد (فرجاد، ۱۳۷۲: ۱۰۸).

ناگفته پیداست که اسلام با تجسس در زندگی دیگران و دخالت‌های بیجا مخالف است چنان‌که در خطبه‌ی همام نهج البلاغه درباره‌ی صفات متقین آمده است: «یکی از نشانه‌های پرهیزکاران این است که در کار ناروا دخالت نمی‌کند.»^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

اما به طور کلی و خصوصاً از دیدگاه اسلام می‌توان برای دخالت دیگران ابعاد مثبتی را نیز همچون مشورت دادن به حکم عام آیه‌ی: «وَأْمُرُهُمْ سُورَىٰ يَبِينُهُمْ...» (سوری / ۳۸)، و میانجی‌گری در اختلافات زوجین به حکم آیه‌ی: «وَأِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (نساء / ۳۵) متصور بود، و از طرفی دین مبین اسلام با تعالیمی همچون «صله رحم» زمینه‌ی تماس بیشتر خانواده‌ها با یکدیگر را فراهم می‌سازد. بنابراین با توجه به اهمیت صله رحم، امر

۱. «... وَ لَا يَدْخُلُ فِي الْبَاطِلِ»

به معروف و نهی از منکر، احترام به والدین و بزرگان و دیگر آموزه‌های اجتماعی در اسلام، که برداشت‌های نادرست از هر یک از آنها به نوبه‌ی خود می‌تواند زمینه‌ساز دخالت‌های نابه‌جا در زندگی زوجین شود، بر آن شدیم تا در تحقیقی جامع، موضوع دخالت دیگران در زندگی زوجین را از منظر قرآن و حدیث بررسی کنیم و تلاش نماییم که قلمروها، انواع، علل و زمینه‌های دخالت دیگران در زندگی زوجین و خصوصاً حدود دخالت‌های مثبت و منفی را از منظر آیات و روایات تبیین کنیم و در ادامه، راه‌کارهایی برای پیشگیری از دخالت‌های منفی، و نیز مقاوم‌سازی در برابر آنها، از کتاب و سنت استخراج نماییم.

۱-۱-۲. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

دخالت دیگران در زندگی زوجین از امور تعیین‌کننده به شمار می‌آید؛ به طوری که دخالت مثبت، باعث تحکیم روابط زوجین می‌شود و دخالت منفی و نادرست دیگران اعم از والدین، خویشاوندان و رسانه‌ها که امروزه موجب کم‌رنگی ارتباط زوجین و کاهش توجه آنها به یکدیگر شده است، در بسیاری از موارد منجر به ناسازگاری و ازهم‌پاشیدن زندگی زوجین می‌شود. با توجه به آنچه در بیان مسئله راجع به درصد و فراوانی عامل دخالت دیگران در اقدام به طلاق زوجین آمد، و اینکه فهم نادرست از برخی تعالیم اسلامی می‌تواند خاستگاه دخالت‌های نابه‌جا باشد، ضرورت تبیین حدود دخالت‌های مثبت و منفی از منظر قرآن و حدیث برای جامعه‌ی اسلامی نمودار می‌شود.

۱-۱-۳. ادبیات و سوابق تحقیق

دخالت به ویژه دخالت ناپسند دیگران در زندگی زوجین، موضوعی است که امروزه به عنوان معضلی جدی سلامت خانواده‌ها را تهدید می‌کند. این مسئله از دید بسیاری از پژوهشگران که به آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و کنکاش در عوامل طلاق پرداخته‌اند، پنهان نمانده است. از جمله آثاری که در آنها به مناسبت، بحث دخالت دیگران مورد بررسی قرار گرفته است، نمونه‌های ذیل را می‌توان نام برد:

کتابها

- ۱- فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق، ۱۳۷۲.
 - ۲- کاوه، مداخله و مشکل‌آفرینی در زندگی همسران، ۱۳۸۷.
 - ۳- ساروخانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده؛ بخش دوم، ۱۳۸۲.
 - ۴- نجفی یزدی، اخلاق در خانواده و تربیت فرزند، ۱۳۷۹.
- در قسمتی از این کتاب به طور غیر مستقیم به دخالت والدین در زندگی زوجین و راه‌کارهای جلوگیری از دخالت منفی اشاره شده است.

پایان نامه ها

۱- خلیلی، بررسی تضاد در خانواده (با تأکید بر تضاد میان همسران) و عوامل مؤثر بر آن، ۱۳۷۸.

➤ در بخش آخر این پژوهش، به دخالت دیگران در خانواده پرداخته شده است.

۲- قادری نیا، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق و علل آن در شهر تهران، سال ۹۱، ۱۳۹۲.

➤ یافته‌ها حاکی از آن است که در نمونه مورد بررسی مهم‌ترین علل طلاق در مردان به ترتیب مشکلات شخصیتی و ناهماهنگی‌های روحی، عدم تفاهم و بلوغ فکری و عاطفی و دخالت اطرافیان بیان شده است و این در حالی است که زنان به ترتیب دخالت اطرافیان، مشکلات شخصیتی و ناهماهنگی‌های روحی و اعتیاد را به عنوان دلایل طلاق خود عنوان کرده‌اند.

مقالات:

۱- ریاحی، علیوردی نیا و کاکاوند، تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه)، ۱۳۸۶.

➤ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دخالت دیگران در زندگی زوجین و میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر دارای بیش‌ترین تأثیر بر میزان گرایش به طلاق بوده‌اند.

۲- دهاقانی و نظری، تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان، ۱۳۸۹.

➤ طبق این پژوهش هر اندازه دخالت بیجای اطرافیان بیش‌تر شود، میزان گرایش زوجین به طلاق افزایش می‌یابد.

۳- ویسی، علل اختلافات خانوادگی، ۱۳۹۲.

➤ بر اساس یافته‌های این تحقیق سه عامل عمده‌ی دخالت اطرافیان، عدم انجام وظایف و عدم توانایی در حل تعارضات به عنوان علل اختلافات خانوادگی بیان شده است و دخالت اطرافیان، در برخی موارد از دیدگاه قرآن بررسی شده است.

۴- سجادی، نقش خویشاوندان در تحکیم خانواده.

➤ در این مقاله به دخالت خویشاوندان در زندگی زوجین و نظرات جامعه‌شناسان در این مورد اشاره شده است، که بخشی از آن به دخالت خویشاوندان از منظر اسلام اختصاص یافته است.

چنان‌که مشاهده می‌شود بسیاری از آثار مزبور، این موضوع را به صورت کلی و از دیدگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بررسی کرده‌اند، به عنوان مثال آقای سعید کاوه (مداخله و مشکل‌آفرینی در زندگی همسران، ۱۳۸۷) به علل و زمینه‌های دخالت دیگران در زندگی همسران از دیدگاه روان‌شناسی پرداخته است. تنها در برخی آثار همچون کتاب اخلاق در خانواده و تربیت فرزندان، و دو مقاله‌ی اخیر، به صورت اجمالی از منظر قرآن و حدیث به موضوع دخالت دیگران پرداخته شده است؛ بنابراین با توجه به ابعاد قابل تأمل در این

موضوع که در بیان مسئله ذکر شد، تحقیق در این مطلب از منظر آیات و روایات، و به طور مستقل شایسته می‌نماید.

۴-۱-۱. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است، بدین شرح که: ابتدا با روش کتابخانه‌ای و استفاده از نرم‌افزارهای اسلامی و منابع موجود در اینترنت اطلاعات گردآوری می‌شود و آن‌گاه این اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

در استخراج مطالب در این موضوع به دو شیوه عمل می‌شود:

۱. شیوه‌ی مستقیم که در آن انواع، علل، آثار دخالت و راه‌کارهای دخالت منفی از متون دینی، بدون دخل و تصرف محتوایی در آنها شناسایی می‌شوند.

۲. شیوه‌ی غیر مستقیم که در آن مطالب یاد شده، در متون دینی به طور آشکار بیان نشده است، بلکه با الهام از احکام فقهی یا اخلاقی دین و گاه از سیره‌ی رفتاری معصومان (علیهم السلام) و یا از اشارات ضمنی متون دینی شناسایی می‌شوند. به هر حال با مراجعه‌ای گذرا به آثار عالمان دین به ویژه آثار تفسیری و اخلاقی مشخص می‌شود که این شیوه، بی‌سابقه نبوده و بسیاری از نکاتی که نویسندگان این آثار پیرامون دلایل و نتایج احکام و ارزش‌های دینی مطرح کرده‌اند، بر پایه‌ی همین شیوه استوار است.

۵-۱-۱. هدف کلی تحقیق

با توجه به جایگاه مهم خانواده و نقش تعیین‌کننده‌ی آموزه‌های اسلام در تعالی بخشی روابط زوجین و به تبع آن، دستیابی به اهداف والای مکتب اسلام از ناحیه‌ی خانواده‌ی سالم، این تحقیق در پی آن است که با شناخت انواع و عوامل دخالت در زندگی زوجین، حدود دخالت‌های مثبت و منفی را از منظر قرآن و حدیث تبیین کند.

۶-۱-۱. سؤالات تحقیق

- ۱- قلمروها و انواع دخالت دیگران در زندگی زوجین از منظر قرآن و حدیث چیست؟
- ۲- علل و زمینه‌های دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین چیست؟ و راه‌کارهای قرآن و حدیث برای جلوگیری از دخالت منفی، کدام‌اند؟
- ۳- آثار دخالت دیگران در زندگی زوجین چیست؟ و راه‌کارهای قرآنی و روایی برای مواجهه با اثرات منفی دخالت کدام‌اند؟

۷-۱-۱. پاسخ‌های اجمالی

۱. قلمروهای اقتصاد، امور مرتبط به فرزند (اعم از فرزندآوری، انتخاب نام، تربیت فرزند و انتخاب همسر برای او)، انتخاب محل زندگی و ... از جمله قلمروهای دخالت‌پذیر دیگران است و اما در رابطه با انواع دخالت می‌توان آن را به اقسام مختلفی تصور کرد از جمله: دخالت‌های مستقیم و غیر مستقیم (رسانه‌های گروهی و شبکه‌های اجتماعی و ...) و دخالت‌های مثبت و منفی، که به عنوان نمونه: انتخاب داور در صورت ترس از دشمنی و جدایی میان زوجین بنا بر آیهی ۳۵ سورهی نساء، یک نوع دخالت مثبت دیگران، و تجسس (آیهی ۱۲ سورهی حجرات) و نیز دخالت برخی انسان‌ها که از طریق اعمالی همچون «سحر و جادو» موجب جدایی زوجین می‌شوند به حکم آیهی ۱۰۲ سورهی بقره، نوعی دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین است.

۲. صلہ رحم، امر به معروف و نهی از منکر، و دیگر تعالیم اخلاقی - دینی می‌توانند خاستگاه دخالت دیگران، چه مثبت چه منفی، باشند و در کنار این عوامل و مشخصاً در بعد دخالت ناپسند، «عدم رازداری زوجین» را بر اساس آیات ۳ و ۴ سورهی تحریم، می‌توان یکی از عوامل زمینه‌ساز دخالت منفی دانست که با توجه به این آیات، خداوند متعال حفظ اسرار خانوادگی از دیگران را امری لازم می‌داند که خود، راه‌کاری برای جلوگیری از وقوع دخالت منفی دیگران تلقی می‌شود.

۳. برای دخالت مثبت دیگران در زندگی زوجین می‌توان آثاری همچون «استفاده از عقل و علم دیگران»، چنان‌که امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «کسی که با بزرگان مشورت کرد، در عقل‌هایشان شریک شد.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱)، و برای دخالت منفی نیز، آثاری همچون سوء ظن را متصور بود که حکمت مطرح در آیهی ۳۶ سورهی اسراء که می‌فرماید: «و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.» می‌تواند راه‌کاری برای مواجهه با سوء ظن باشد.

۸-۱-۱ نام بهره‌وران

سازمان‌هایی از قبیل: صدا و سیما، سازمان بهزیستی در بخش مربوط به خانواده، وزارت دادگستری در بخش دادگاه خانواده و مشاوره، کمیته‌ی امداد در طرح رابط خانواده‌های تحت پوشش و ... می‌توانند از یافته‌های این پژوهش در قالب برنامه‌ها و کلاس‌های آموزشی و مشاوره‌ی زوجین به منظور بهبود روابط آنها استفاده کنند.

۱-۱-۹. ساختار پایان‌نامه

فصل اول: کلیات و مفاهیم: - مقدمه و بیان مسئله تحقیق، - اهمیت و ضرورت انجام تحقیق، - ادبیات و سوابق تحقیق، - روش تحقیق، - هدف کلی تحقیق، - مفاهیم تحقیق: مفهوم دخالت، دخالت و حمایت، دخالت و دلسوزی، و ...

فصل دوم: قلمروها و انواع دخالت دیگران در زندگی زوجین از منظر قرآن و حدیث: - انواع دخالت مثبت: میانجی‌گری در اختلافات زوجین، مشورت‌دادن و ... - انواع دخالت منفی: تجسس، جدایی انداختن بین زوجین با سحر و جادو، و ...

فصل سوم: علل و زمینه‌های دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین و راه‌کارهای جلوگیری از آن با تأکید بر آموزه‌های اسلامی: - عدم رازداری زوجین، - عدم استقلال، - سوء ظن، - صله رحم، ... و راه‌کارها.

فصل چهارم: آثار دخالت‌های دیگران در زندگی زوجین، راه‌کارهای قرآن و حدیث برای مواجهه با اثرات منفی دخالت: آثار دخالت‌های مثبت: آثار مشورت، آثار امر به معروف و نهی از منکر، آثار انتخاب داور، ...

آثار دخالت‌های منفی: سوء ظن و راه‌کارهای مواجهه با آن، جدایی زوجین و راه‌کارهای مواجهه با آن، و ...

۲-۱. مفهوم شناسی کلمات کلیدی

۱-۲-۱. مفهوم «دخالت»

«الدَّخْلُ» کنایه عن الفساد و العداوة المستبطنة، كالدَّغْلُ...؛ «دَخَلَ» کنایه از فساد و عداوت نهانی است همچون دَغَلَ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۰۹).

در معجم مقاییس اللغة آمده است: «الدَّخْلُ» العیب فی الحسب، و کأنه قد دخل علیه شیء عابه. و الدَّخْلُ كالدَّغْلُ، و هو من الباب؛ لأنَّ الدَّغْلَ هذا قیاسه أيضا. و الدُّخْلُ: الذی یُدْخِلُکَ فی أمورک؛ «الدَّخْلُ» نقطه ضعف است، و گویا چیزی بر آن وارد شده که موجب عیب آن شده است. الدَّخْلُ بر وزن و مانند الدَّغْلُ است، به خاطر اینکه الدَّغْلُ نیز از آن باب است. الدُّخْلُ: کسی که در کارها مداخله می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۳۳۵).

جوهری در «الصَّحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة» ذیل واژه‌ی «دخل» آورده است: دَخِيلُ الرَّجُلِ وَ دُخْلُهُ: الذی یُدْخِلُهُ فی أمورِهِ وَ یَحْتَصُّ بِهِ؛ دخیل به معنی کسی است که در کاری که به دیگری اختصاص دارد مداخله می‌کند (جوهری، ۱۳۶۸: ۳/۱۶۹۷).

در فرهنگ بزرگ جامع نوین (عربی به فارسی)، «تَدْخَلَّ» یعنی درآمد یا اندک اندک آمد و «تَدْخَلَّ بَيْنَهُمْ» به معنای «میانجی‌گری کرد» آمده است و «دَحِيل» آنکه در کار کسی مداخله کند، کلمه‌ی غیر عربی که در زبان عرب داخل باشد. تَدْخَلَّ، تَدْخُلُ و مُدَاخَلَةٌ به معنی «وساطت» است. همچنین در معنای واژه‌ی «دُخُلُ و دِخْلٌ» کسی را گویند که در کار غیر مداخله نماید (سیاح، ۱۳۷۵: ۱/ ۴۴۷، ۴۴۸).

در لغت‌نامه‌ی دهخدا «دخالت» به معنای داخل شدن و مداخله کردن است. همچنین دخالت کردن را مداخله کردن، درآمدن در کاری دانسته است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷/ ۱۰۴۸۹).

معین در توضیح واژه‌ی دخالت معتقد است: «مصدر دخالت را در فارسی از «دخل، یدخل» عربی بقیاس «دخالت» و جز آن ساخته‌اند و به جای آن در عربی «مداخله» مستعمل است.» (معین، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۴۹۸) همچنین «دِخَال» به معنی کسی است که در کارها دخل و تصرف کند (معین، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۴۹۸).

در فرهنگ عمید نیز همان‌گونه که در لغت‌نامه‌ی دهخدا و فرهنگ معین ذکر شد؛ گفته شده است: «دخالت به معنای داخل شدن در امری یا در کار کسی است. این کلمه در فارسی ساخته شده است، در عربی مداخله می‌گویند.» (عمید، ۱۳۷۳: ۵۸۹)

«داخَلَ» به معنی مسلط شدن (بر کسی)، راه یافتن (در کسی؛ مثلاً: تردید، سوء ظن، یأس) و «تَدْخَلَ فِی» به معنای دخالت بیجا کردن، فضولی کردن (در چیزی)؛ میانجی‌گری کردن، مداخله کردن (در چیزی)، سرزده داخل شدن، بی‌اجازه وارد شدن (در کاری)، به هم زدن است و «تداخل» نیز همان دخالت و به هم پیوستگی است.» (آذرنوش، ۱۳۹۱: ۲۹۹)

در فرهنگ بزرگ سخن، معنای دخالت این‌گونه آمده است: ۱. داخل شدن در موضوعی یا شرکت داشتن در امری؛ مداخله کردن. ۲. گفتگو) در کاری که به شخص مربوط نیست، وارد شدن. ۳. استفاده کردن و کمک گرفتن از چیزی (انوری و دیگران، ۱۳۸۱: ۴/ ۳۰۱۲).

بنابراین واژه‌ی «دخالت» به طور کلی به معنای داخل شدن در امری یا در کار کسی است که با توجه به توضیحات ذکر شده، بار منفی آن بیشتر است ولی در مجموع می‌توان هم به دخالت منفی قایل بود و هم دخالت مثبت؛ چنان‌که در مفردات راغب، معجم مقاییس‌اللغة، صحاح‌اللغة به معانی منفی دخالت اشاره شده است (عداوت نهانی، عیب و ایراد، دخالت بیجا، فضولی کردن و وارد شدن در کاری که به شخص مربوط نیست) و اما در کتاب‌های فرهنگ بزرگ جامع نوین، فرهنگ معاصر عربی به فارسی، فرهنگ بزرگ سخن معانی مثبت دخالت نیز ذکر گردیده است که عبارتند از: وساطت و میانجی‌گری، راهنمایی و کمک کردن.

۱-۲-۲. مفهوم «دیگران»

منظور از «دیگران» در این پژوهش، والدین، خویشاوندان، اطرافیان، رسانه‌های گروهی و شبکه‌های اجتماعی و به طور کلی هر شخص و یا منبعی است که بتواند بر رابطه‌ی زوجین تأثیرگذار باشد.

۱-۲-۳. تعریف مفهومی «دخالت دیگران در زندگی زوجین»

با توجه به معنای دخالت، «دخالت دیگران در زندگی زوجین» به معنای داخل شدن یا وارد شدن والدین، خویشاوندان، اطرافیان، رسانه‌های گروهی و شبکه‌های اجتماعی و ... در زندگی همسران است؛ به صورتی که این دخالت می‌تواند تأثیر مثبت و یا منفی داشته باشد که در حالت نخست (دخالت مثبت) باعث تحکیم زندگی زوجین و در صورت دوم (دخالت منفی) گاهی سبب فروپاشی زندگی زن و شوهر می‌شود. دخالت منفی را برخی چنین تعریف کرده‌اند:

«دخالت بیجای دیگران، میزان تأثیرگذاری منفی اشخاص مختلف (دیگران مهم) در زندگی زن و شوهر است؛ به نحوی که روند ثابت و سالم زندگی زوجین را دچار اختلال و بحران نموده و احتمال اختلاف یا جدایی آنها را افزایش دهد.» (بهرامی کاکاوند و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۳)

۱-۲-۴. مفهوم «مدیریت»

مدیریت، فرآیند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می‌گیرد (رضائیان، ۱۳۹۲: ۷).

بخشی از دانش مدیریت را که با آموزش فراگرفته می‌شود، علم مدیریت و بخشی را که موجب بکار بستن اندوخته‌ها در شرایط گوناگون می‌شود، هنر مدیریت می‌نامند. به دیگر سخن علم دانستن است و هنر توانستن (رضائیان، ۱۳۹۲: ۷).

اما آنچه در دهه‌های اخیر به عنوان تعریفی جامع‌تر از مدیریت مطرح شده است، عبارت است از: «هنر کشف استعدادها و فرآیند تجهیز، تنظیم و هدایت نیروها در جهت اهداف سازمانی.» و هدف از مدیریت رسیدن به اهداف سازمانی است ولیکن در مدیریت اسلامی، هدف «انسان» و رشد او به سوی «الله» می‌باشد (لودین، ۱۳۸۰: ۳۲۴). مفهوم مدیریت در این پژوهش بر مبنای همین تعریف جامع و با قید اسلامی است که هدفش در نهایت رساندن انسان به کمال حقیقی (الله) است.

۱-۲-۵. مفهوم «مدیریت دخالت دیگران در زندگی زوجین»

با توجه به اهمیت بنیان خانواده و نقش آن در تکامل و سعادت انسان از منظر آموزه‌های اسلامی، «مدیریت دخالت دیگران در زندگی زوجین» فرآیند تجهیز، تنظیم و سازماندهی و هدایت روابط زوجین با دیگران در جهت تحکیم و عدم فروپاشی زندگی آنها در مسئله‌ی دخالت دیگران است.

بنابراین ارایه رهنمودها و راه‌کارها برای کیفیت تنظیم روابط زوجین با دیگران به نحوی که هم بتوان از مزایای تعامل آنها با دیگران بهره‌مند شد و هم از معایب آن در امان ماند، در واقع همان مدیریت دخالت دیگران در زندگی زوجین است.

۳-۱. تبیین مرز دخالت و مفاهیم مرتبط با آن

۱-۳-۱. دخالت و حمایت

بدیهی است که مرزی میان دخالت و حمایت دیگران وجود دارد. بعضی از خانواده‌ها و اطرافیان مرز بین دخالت و حمایت را کاملاً درک نکرده‌اند و متأسفانه به بهانه‌ی حمایت از زوجین، در زندگی آنها دخالت می‌کنند. برای حمایت کردن حتماً باید درخواستی از طرف مقابل اعلام شود و یا خطری جدی زوجین و جامعه را تهدید کند، نه این که بدون خواسته‌ی آن شخص صرفاً به خاطر حمایت فرد، زندگی او را از اختیارش درآورد و استقلال را از او سلب کرد. بنابراین اطرافیان را زمانی می‌توان به دخالت محکوم کرد که استقلال را از زوجین سلب کنند و به نظرات و اهداف زوجین برای زندگی مشترک اهمیت ندهند.

از آنجا که گاهی حمایت‌هایی از جانب خویشاوندان در زندگی زوجین صورت می‌گیرد، خویشاوندان بایستی طبق روایات معصومین (علیهم‌السلام) به خیرخواهی و سودرسانی اهتمام ورزند و از دخالت‌های مضر اجتناب نمایند. چنان‌که امام صادق (علیه‌السلام) در مورد به‌جا آوردن صله رحم خصوصاً نسبت به کهن‌سالان فامیل، که خود از مصادیق حمایت است، می‌فرماید: «بزرگان‌تان را ارج نهید و صله رحم به‌جا آورید و [بدانید که] برترین حالت صله رحم آن است که به خویشان خود آزار نرسانید.»^۱ (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۴۲۳)

نمونه‌ای از حمایت را می‌توان از داستان ذیل در سیره‌ی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) استنباط کرد:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به خانه‌ی علی (علیه‌السلام) وارد شد. او و فاطمه را دید که با کمک یکدیگر با آسیاب دستی آرد می‌کنند. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود کدام یک خسته‌ترید؟ علی (علیه‌السلام) عرض کرد: فاطمه (سلام الله علیها) خسته‌تر است. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: برخیز دختر جان. فاطمه (سلام الله علیها) برخاست. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به جای او نشست و علی (علیه‌السلام) را در آرد کردن کمک نمود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۵۱، ۵۰).

طبق برداشت یکی از پژوهشگران: «بسیار لطیف است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مرحله‌ی اول به فاطمه (سلام الله علیها) نمی‌فرماید: تو خسته‌ای، برخیز تا من به جایت بنشینم بلکه سؤال فرمود: کدام یک خسته‌ترید تا تساوی را رعایت کرده باشد و صفای زن و شوهر را باقی گذاشته باشد.» (مصطفوی، ۱۳۸۹: ۱)

۱. «عَظَّمُوا كِبَارَكُمْ وَ صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَيْسَ تَصِلُوهُمْ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ كَفِّ الْأَذَى عَنْهُمْ.»

۵۹، ۶۰) بنابراین پیامبر(صلی الله علیه و آله) در عین حمایت، با تدبیر، خود را حمایت کننده‌ی هر دو نشان داد، و بدین طریق برای داماد خود نیز در کنار دخترش اهمیت قایل شد.

۱-۳-۲. دخالت و احترام

بسیاری از خانواده‌ها پس از ازدواج به استقلال فرزندان خود احترام نمی‌گذارند و به خود اجازه‌ی هرگونه مداخله را می‌دهند. در بسیاری از موارد پدران و مادران از هر لحاظ، فرزندان خود را تکه‌ای از وجود خود می‌دانند و این اجازه را به خود می‌دهند که درباره‌ی مسائل زناشویی آنها تصمیم‌گیری کنند. در این‌گونه موارد، والدین به تمایز خود از فرزندان خویش نرسیده‌اند. در مواردی هم مشاهده می‌شود که فرزندان به تمایز خود از دیگری نرسیده‌اند. این تمایز به معنای قطع رابطه نیست بلکه بدین معنا است که والدین و فرزندان ضمن حفظ حس استقلال خویشتن و احترام به حریم‌های خصوصی یکدیگر، همچنان به هم محبت کنند و در دوست‌داشتن یکدیگر، اجازه‌ی دخالت به حریم‌های خصوصی و زناشویی را ندهند. این به معنای بی‌احترامی به یکدیگر و در عین حال به معنای پرستش یکدیگر نیست (یونسی، هنریان، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

به نظر می‌رسد احترام زوجین به والدین مقوله‌ی جدا از پذیرش تسلط پدر و مادر در زندگی همسران و اجازه‌ی هر گونه دخالت به آنهاست. همان‌گونه که در قرآن به صراحت در موردی که والدین، فرزند را به شرک فرا بخوانند، آمده است که فرزند باید ضمن حفظ احترام آنها و رعایت رفتار نیک با ایشان، از پذیرش سخن آنها اجتناب کند: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا» (لقمان / ۱۵)؛ و اگر تو را وادارند تا درباره‌ی چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی، از آنان فرمان مبر، و [لی] در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن.

در منابع روایی نیز در بحث اختیار داشتن در ازدواج، آمده است: «دختری نزد پیامبر(صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: «پدرم مرا به خاطر خصلت‌های شخصی به ازدواج پسر برادرش درآورده است. پیامبر(صلی الله علیه و آله) اختیار را به دختر داد. آن‌گاه دختر گفت: به این کار پدرم تن می‌دهم. خواستم زنان بدانند پدران نسبت به دختران اختیاردار نیستند.» (ابن ماجه، ۱۴۲۱: ۱ / ۶۰۲)

بر اساس این روایت، دختر می‌تواند در مسئله‌ی ازدواج خویش، در صورتی که مایل نباشد، فرمان پدرش را نادیده بگیرد. البته به نظر می‌رسد، احترام و اهمیت به نظر والدین در امر ازدواج امری لازم و ضروری است؛ چرا که والدین با تجربیات و مصلحت‌ها، در انتخاب زوج مناسب برای فرزند خویش نقش مهمی را ایفا می‌کنند، چنان‌که در روایت مذکور، دختر به نظر پدرش اهمیت داده است. در برخی روایات و

متون فقهی نیز اذن پدر در مسئله‌ی ازدواج دختر لازم و ضروری تلقی می‌شود، اما نکته‌ای که در اینجا مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که جنبه‌ی اکراه و اجبار در ازدواج دختر وجود ندارد.

۱-۳-۳. دخالت و دلسوزی

مداخلات گاهی صورت دلسوزی دارد. مثلاً افرادی هستند که با قصد مفسده جویی، زندگی پر از محبت و صفای دیگران را بهم می‌زنند و اگرچه خود را در این راه دوست نشان می‌دهند ولی صداقت لازم را ندارند. به او می‌گویند همسرت قدر تو را نمی‌داند، اذیت و آزارت می‌کند، فرد فهمیده‌ای چون تو نباید چنین و چنان باشد و ... و با این زمزمه‌ها که نشان دهنده‌ی معاشرت‌های احمقانه است طرف را وا می‌دارند که درگیری را آغاز کند و رخنه‌ای یا عدم اعتمادی در زندگی پدید آورد. همسران باید بکوشند دوستان و معاشران لایقی را برای خود برگزینند و با افراد سبک مغز رابطه نداشته باشند (قائمی، ۱۳۷۰: ۱۳۳-۱۳۲).

پژوهشگری در این زمینه چنین می‌گوید: «دخالت‌های بیجا در زندگی زوجین از سوی دیگران ناپسند و غلط است، ولی دلسوزی‌های صادقانه و اظهار نظرهای دلسوزانه و از سر صدق و خیرخواهی، نه دوبه‌هم زنی و انتقام‌گیری و تلافی‌کردن و ... لازم و کارساز است و خلأ کمبود تجربه را از زندگی‌های مشترکی که تازه پا گرفته است، پُر می‌کند.» (محدثی، ۱۳۸۷: ۱۵، ۱۶)

به نظر می‌رسد، اطرافیان زوجین باید حد و مرز پیشنهاد و دلسوزی را با دخالت ناروا بشناسند. ممکن است موضوعی در نظر آنها خیرخواهی اما در نظر زوجین دخالت محسوب شود. همچنین زوجین باید هر پیشنهاد و اظهار نظری را دخالت محسوب نکنند، چرا که دیگران ممکن است از تجارب مفیدی برخوردار باشند که از سر دلسوزی، بخواهند آن تجربه‌ها را به زوجین القا کنند.

بر این اساس اطرافیان را در صورتی می‌توان متهم به دخالت کرد که به سبب دلسوزی بیش از حد استقلال زوجین را نادیده انگارند و فقط نظرات خود را مهم و برتر بدانند بدون اینکه به نظرات زوجین اهمیت دهند. در این حالت تحمیل نظر به وجود می‌آید که در واقع همان دخالت ناپسند در زندگی زوجین به شمار می‌رود. به عنوان نمونه در مورد انتخاب همسر، پدر و یا مادر و یا هر دوی آنها حق ندارند فرزندان خود را در امر ازدواج مجبور نمایند و نظر خویش را بر وی تحمیل کنند. ابن ابی یعفور از امام صادق (علیه السلام) در مورد دخالت پدر و مادر می‌پرسد: من می‌خواهم با دختری ازدواج کنم که پدر و مادرم دختر دیگر را به من تحمیل می‌کنند. وظیفه‌ی من چیست؟

امام (علیه السلام) در پاسخ ایشان فرمود: «با دختری که تو خود او را دوست داری ازدواج کن و آن کسی که پدر و مادرت می‌خواهند، رها نما.» (طوسی، ۱۴۰۷: ۷/ ۳۹۲)

۴-۳-۱ دخالت و راهنمایی

ویسی در مقاله‌ای با عنوان «علل و اختلافات خانوادگی» چنین می‌نویسد: «گاهی راهنمایی والدین در حد معقول هم به اشتباه، دخالت برداشت می‌شود. زوجین باید پذیرای تجربیات و پیشنهاد اطرافیان بوده و در صورت ضرورت با آنها مشورت نمایند. وقتی می‌توان اطرافیان را به دخالت محکوم کرد که با رفتارهای خود قدرت عمل را از زوجین سلب کنند یا به نظرات، اهداف و اعمال زوجین برای زندگی مشترک خود بها ندهند. پس باید مرز میان راهنمایی خیرخواهانه و دخالت و تحمیل را کاملاً درک کرد تا سوء تفاهم پیش نیاید.» (ویسی، ۱۳۹۲)

پدر و مادر و بزرگان فامیل دارای تجربه هستند، لذا زوجین می‌توانند از تجربیات آنها استفاده کنند چرا که دین اسلام ما را به مشورت در امور دستور داده است، چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» (آل عمران / ۱۵۹)؛ و در کار[ها] با آنان مشورت کن. بنابراین به نظر می‌رسد زوجین نباید هر گونه نصیحت و راهنمایی را دخالت تلقی کنند چرا که ممکن است آن نصیحت و تجربه در زندگی‌شان کارساز شود، و اطرافیان نیز نباید با راهنمایی‌های بیش از حد خود استقلال زوجین را سلب کنند.

یکی از عمده‌ترین و بارزترین ویژگی‌های ورود و اعمال راهنمایی و ارایه‌ی طریق به همسران، راضی بودن هر دو نفر زوجین است که در صورت رضایت هر دو طرف این‌گونه اعمال، همکاری و مساعدت و در صورت نارضایتی یکی از طرفین مزاحمت و مداخله خواهد بود (کاوه، ۱۳۸۷: ۲۹، ۳۰).

جمع‌بندی فصل

در مفهوم دخالت دو بعد مثبت و منفی از آن برداشت می‌شود. در بعد مثبت، دخالت به معنای وساطت و میانجی‌گری، راهنمایی و کمک‌دادن است که این دخالت در زندگی زوجین باعث تحکیم زندگی آنها می‌شود، اما از بعد منفی آن، دخالت به معنای فضولی‌کردن و دخالت بیجا است که در این صورت روند ثابت و سالم زندگی زوجین دچار اختلال شده و احتمال اختلاف یا جدایی آنها افزایش می‌یابد. البته باید گفت که لازم است مرز بین دخالت و مفاهیم مرتبط با آن از قبیل حمایت، احترام، دلسوزی و راهنمایی به خوبی روشن شود، چرا که اگر مفهوم دخالت تبیین و حدود آن با مفاهیم ذکر شده مشخص نشود، این امر در زندگی زوجین تأثیر می‌گذارد و چه بسا سوء تفاهم‌های ناشی از به اشتباه گرفتن دخالت با موارد گفته شده، سبب اختلال و یا فروپاشی زندگی آنها شود. در این خصوص نکته‌ای که حایز اهمیت است، در نظر گرفتن استقلال زوجین است که دیگران در صورتی به دخالت محکوم می‌شوند که استقلال زوجین را سلب نمایند.

فصل دوم: قلمروها و انواع دخالت دیگران در زندگی زوجین از منظر قرآن و حدیث

قلمروهای دخالت دیگران به طور کلی، زمینه‌ای اولیه برای شناخت دخالت‌ها و سپس بررسی انواع آن در زندگی زوجین را فراهم می‌سازند؛ که با جستجوی هر چند اجمالی و نگاهی گذرا به این قلمروها، می‌توان مسیر راه را برای کنکاش دقیق موضوعات مهم مربوط به دخالت در این پژوهش یافت، و در رابطه با انواع دخالت، تقسیم‌بندی آن مطرح است. توجه به تقسیم‌بندی انواع دخالت و شناخت هر یک از آنها با تکیه بر آموزه‌های اسلامی می‌تواند زوجین را در حل اختلافات ناشی از دخالت‌های دیگران، یاری دهد؛ بنابراین بررسی مفصل انواع دخالت در این پژوهش ضروری می‌نماید.

۲-۱. قلمروهای دخالت دیگران در زندگی زوجین

در مقاله‌ی «بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه‌ی شهرستان گناباد»، عوامل مؤثر بر طلاق در زوجین مطلقه به ترتیب عبارتند از: عوامل فردی - شخصیتی (۱۸ عامل)، عوامل فرهنگی (۱۴ عامل)، عوامل اجتماعی (۸ عامل) و عوامل اقتصادی (۶ عامل) (مشکی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۰).

در این پژوهش نیز موارد مربوط به قلمروهای فردی - شخصیتی، سپس فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دخالت به همین ترتیب ذکر می‌شود، که برخی از زمینه‌های دخالت در قلمروهای مزبور از طریق مطالعه‌ی مقاله‌ها و کتاب‌های مرتبط و برخی با استخراج از آیات و روایات یافت شده است.

یکی از قلمروهای دخالت دیگران در زندگی زوجین قلمرو فردی - شخصیتی است، که می‌توان این قلمرو را مربوط به برخی ویژگی‌های فردی و اخلاقی دانست، چنان‌که در مقاله‌ی مشکی و همکارانش که اساس ترتیب‌بندی این قلمروهاست، مواردی از قبیل: حرف‌شنوی از خانواده و بستگان، عدم مشورت در امور زندگی، سوء ظن و بدگمانی در ذیل عوامل فردی - شخصیتی مؤثر بر طلاق مشاهده می‌شوند (مشکی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۰). سوء ظن، عیب‌جویی و وابستگی عاطفی که زمینه‌ی دخالت را در زندگی زوجین فراهم می‌کنند، از قلمروهای فردی - شخصیتی دخالت دیگران به شمار می‌آیند.

از قلمروهای فرهنگی دخالت دیگران در زندگی زوجین می‌توان دخالت در سبک زندگی همسران، تغییر الگوهای رفتاری و ارزش‌های دینی، تحمیل راه و رسم زندگی به زوجین، انتخاب محل زندگی و دخالت در تربیت فرزندان، چشم‌وهم‌چشمی را نام برد.

لازم به ذکر است که امروزه رسانه‌ها بیش‌ترین نقش را در ترویج فرهنگ میان خانواده‌ها و تغییر سبک زندگی مردم ایفا می‌کنند که در واقع این امر نوعی دخالت در زندگی زوجین به شمار می‌آید.

در قلمرو اجتماعی باید گفت، صله رحم، که می‌تواند زمینه را برای دخالت دیگران در زندگی زوجین فراهم سازد، و نیز امر به معروف و نهی از منکر و همچنین روابط دوستانه در زندگی همسران، از مصادیق این قلمرو از دخالت تلقی می‌شوند.

روشن است که حمایت‌های مستقیم (قرض یا هدیه) و غیر مستقیم مالی (در اختیار گذاشتن مسکن برای مدتی معلوم و ...) از طرف خویشاوندان نسبت به زوجین، در قلمرو اقتصادی دخالت دیگران در زندگی زن و شوهر قرار می‌گیرد.

۲-۲. انواع دخالت در زندگی زوجین

شاید بتوان برای دخالت از منظرهای مختلف انواع متفاوتی را برشمرد اما دو تقسیمی که در این پژوهش به آن رسیدیم حاصل نگاه از دو زاویه مثبت و منفی بودن و نیز مستقیم و غیر مستقیم بودن دخالت است؛ بدین شرح:

دخالت مثبت و دخالت منفی: معیار تقسیم‌بندی در آن، نتایج و آثار هر کدام از دخالت‌ها در زندگی زوجین است؛ به این صورت که آن دسته از دخالت‌هایی که آثار مثبت در زندگی زوجین برجای می‌گذارند و در نتیجه باعث تحکیم زندگی آنها می‌شوند، زیر مجموعه‌ی دخالت مثبت قرار می‌گیرند و مواردی که آثار منفی در زندگی زوجین به دنبال دارند و اختلال در زندگی یا احتمال جدایی زوجین را افزایش می‌دهند، ذیل عنوان دخالت منفی قرار می‌گیرند.

دخالت مستقیم و غیرمستقیم: به دخالت‌هایی که در آن مستقیماً عمل و یا تغییر خاصی از زوجین خواسته می‌شود، دخالت مستقیم گفته می‌شود. به عنوان نمونه، وساطت در ازدواج، مشورت دادن، نصیحت و تذکر، میانجی‌گری در اختلافات زوجین و ... از انواع این نوع دخالت محسوب می‌گردند.

آن دسته از دخالت‌هایی که به طور غیر مستقیم و یا غیر ارادی، اثرات مثبت و منفی بر زندگی زوجین می‌گذارند، دخالت غیر مستقیم نامیده می‌شود. مانند دخالت رسانه‌ها در سبک زندگی.

مبنای این تقسیم‌بندی در مقاله‌ی «تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه)» نیز مشاهده می‌شود که دخالت را به اشکال مستقیم و غیر مستقیم مطرح می‌کند (بهرامی کاکاوند و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

۲-۲-۱. انواع دخالت مثبت در آموزه‌های اسلامی

برخی از انواع دخالت مثبت که برای آنها در آموزه‌های اسلامی اثری یافتیم، عبارتند از:

۲-۲-۱-۱. وساطت در ازدواج

با توجه به گرایش‌ها و کشش‌های شدید دوران جوانی و کم‌تجربگی جوانان، وساطت در انتخاب همسری هم‌کفو از سوی والدین و اطرافیانِ کاردان و باتجربه، مفید به نظر می‌رسد.

احادیث اسلامی و گفتار ائمه (علیهم السلام) نشان می‌دهد که وساطت اطرافیان در ازدواج امری پسندیده به شمار می‌آید و اجر اخروی و پاداش الهی این کار، آنقدر عظیم است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره‌ی آن می‌فرماید: «هرکس تلاش کند تا مقدمات ازدواج دو نفر را فراهم کند، خداوند او را با حوریان بهشتی تزویج می‌نماید و به هر قدمی که برداشته و به هر کلمه‌ای که در این مورد بیان داشته است، پاداش یک سال عبادت را برای وی مرحمت می‌فرماید.» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۰۶: ۲۸۸؛ شعیری، بی‌تا: ۱۰۲)

اهمیت این موضوع در اسلام به قدری است که برترین وساطت را وساطت در ازدواج دانسته‌اند. چنان‌که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «بهترین شفاعت‌ها و واسطگی آن است که با تلاش خود عامل تزویج دو نفر باشی.» (طوسی، ۱۴۰۷: ۷/۴۰۵؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۹۶)

دخالت والدین و یا خویشاوندان در ازدواج دختر و پسر در برخی از جوامع اهمیت بسزایی داشته است. در دوره‌ی ساسانی دخالت والدین در ازدواج دختر ضروری بود. زنی که با رضایت پدر و مادر، ازدواج می‌کرد، او را «پادشاه زن» می‌گفتند و زنی که بدون رضایت والدینش به شوهر می‌رفت، در میان زنان پست‌ترین پایه را داشت و او را «خودسرای زن» یعنی زن خودسر می‌گفتند (مطهری، ۱۳۸۳: ۲۲۳).

در کلام منتسکیو این دخالت، به دلیل بی‌تجربگی و احساساتی بودن جوانان، مورد ستایش قرار گرفته و از قانونی بودن آن در فرانسه و انگلیس گزارش داده است (منتسکیو، ۱۳۶۲: ۶۳۴).

درباره‌ی کارکرد این دخالت، جامعه‌شناسان می‌گویند: «درصد طلاق در میان کسانی که بر مبنای خواست والدین یا گروه دیگر ازدواج می‌کنند، خیلی پایین‌تر از درصد طلاق در میان کسانی است که به خاطر عشق ازدواج می‌کنند.» (تریاندیس، ۱۳۷۸: ۲۱۶)

به نظر کارلسون^۱ تصویب و تأیید ازدواج فرزندان توسط پدر و مادر، رضایت فرزندان از زندگی خود را تحت تأثیر مثبت قرار می‌دهد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۰۶)؛ که در واقع این مطلب تأثیر مثبت دخالت والدین در ازدواج فرزندان‌شان را نشان می‌دهد. از سوی دیگر در تحقیقی که راجع به میزان گرایش به طلاق در یکی

از شهرهای ایران انجام گرفته است، از جمله ضعیف‌ترین گرایش‌ها به طلاق مواردی شناخته شده است که انتخاب همسر با کمک اطرافیان صورت گرفته است (بهرامی کاکاوند و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۶).

به نظر می‌رسد الگوی انتخاب همسر توسط دختر و پسر با مشورت والدین و اطرافیان و دخالت معقول آنان در انتخاب همسر می‌تواند الگوی مناسبی برای ازدواج‌های پایدار و موفق قرار گیرد و احتمال ناسازگاری بین زوجین را کاهش دهد.

۲-۱-۲-۲. مشورت دادن

یکی از مسائل مهم و ارزشمند در اسلام مسئله‌ی مشورت است، که بهترین شیوه‌ی تحقیق و بررسی برای دریافت راه حل بسیاری از مشکلات در زندگی فردی و خانوادگی محسوب می‌شود. با مشورت می‌توان از افکار، تجربه‌ها و علم دیگران بهره گرفت و در نهایت تصمیم درست را انتخاب نمود. در زندگی زوجین نیز این مسئله قابل بررسی است؛ به طوری که در زندگی مشترک با مشورت نمودن از بزرگان با خرد و تجربه، بسیاری از کاستی‌ها و مشکلات حل خواهد شد.

خداوند متعال در دو سوره‌ی قرآن از اصل مشورت یاد کرده است؛ یکی در سوره‌ی آل عمران و دیگری در سوره‌ی شوری هنگامی که مؤمنان را توصیف می‌کند. در سوره‌ی آل عمران خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «وَأَشَاورُهُمْ فِي الْأُمْرِ...» (آل عمران / ۱۵۹)؛ و در کار[ها] با آنان مشورت کن. در سوره‌ی شوری می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» (شوری / ۳۸)؛ و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده‌اند و کارشان در میان‌شان مشورت است و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند.

طبرسی ذیل آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی شوری روایت زیر را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در اهمیت مشورت نقل می‌کند: «هیچ‌گاه شخصی با دیگری مشورت نمی‌کند مگر آنکه به راه نیک راهنمایی می‌گردد.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۵۱)

ناگفته پیداست که از مهم‌ترین بسترهای زندگی که نیاز به مشورت در آن احساس می‌شود امر زندگی زناشویی است که همسران باید از تجارب، دلسوزی‌ها و افکار دیگران به ویژه خیرخواهی‌های والدین بهره گیرند و در امور خود از آنان مشورت بخواهند، که این مشورت دادن با نیت اصلاح بین زن و شوهر و کمک‌رسانی به آنها نوعی دخالت مثبت دیگران در زندگی زوجین محسوب می‌شود. مشورت دادن باعث می‌شود همسران بهترین راه حل را انتخاب کنند که این امر موجب تحکیم زندگی آنها می‌شود.

۲-۱-۳. نصیحت و تذکر

در تبیین مفهوم نصیحت، پژوهشگری می‌گوید: «موعظه و نصیحت دایره‌اش گسترده‌تر از امر به معروف است. بنابراین امر به معروف می‌تواند به عنوان یکی از مصداق‌های موعظه و نصیحت باشد. هر سخن نیکویی که در آن هدف تربیتی است و یک‌سری شرایط ویژه برای شخصی مورد نظر باشد موعظه و

نصیحت گفته می‌شود، اما امر به معروف نوعی خاص از موعظه و نصیحت است که امر به معروف می‌کند و همچنان برای مخاطب شرط است. موعظه لزوماً واجب نیست. از نظر محتوا نیز امر به معروف مربوط به امور ضروری دین مانند نماز، روزه، حج و ... است، اما موعظه امور غیر ضروری را نیز شامل شود. اگر این فرق‌گذاری را بپذیریم می‌توان گفت که همه‌ی انسان‌ها نیاز به موعظه دارند، اما امر به معروف مربوط به افرادی است که مسائل شرعی را رعایت نمی‌کنند و یا حتی نمی‌دانند که معروف از نظر اسلام چیست.» (محدثی، ۱۳۷۶: ۲۷-۲۳) بنابراین نصیحت با امر به معروف متفاوت است و با این توضیحات زوجین نیز مانند سایر افراد، در زندگی مشترک خود نیازمند نصیحت‌اند.

امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی نصیحت و تذکر فرمود: «کسی که برادرش را در امر زیان‌باری ببیند در حالی که قدرت دفع آن را داشته باشد، ولی برای حفظ او از خطر اقدام نکند، و به او هشدار ندهد بدون تردید به برادر مؤمن خود خیانت ورزیده است.» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۷۶: ۲۷۰) بنابراین در صورتی که خطری زوجین را تهدید کند، نصیحت و هشدار اطرافیان به آنها لازم و ضروری به نظر می‌رسد. هر دختر و پسر جوانی احتیاج به راهنمایی پدر و مادرش دارد، در چنین مواردی والدین وظیفه دارند با ملاطفت و مهربانی، دختر و پسر جوان‌شان که ازدواج کرده است نصیحت و راهنمایی کنند، اما لازم نیست پیگیری نمایند که آیا آنها عمل کردند یا نه، زیرا گاهی نظر دختر و پسر با نظر پدر و مادر یکی نیست. در این مواقع والدین با نصیحت به وظیفه‌شان عمل کرده‌اند. (محمدی‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۳۵، ۱۳۶)

همه‌ی ما به تذکر نیازمندیم، چرا که یکی از مهم‌ترین عوامل از بین‌برنده‌ی غفلت، تذکر است. این عامل آن‌قدر اهمیت دارد که خداوند منان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (غاشیه/۲۱)؛ پس تذکر ده که تو تنها تذکردهنده‌ای. در جای دیگر به فایده‌ی تذکر برای مؤمنین تصریح می‌کند: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات/ ۵۵). البته در تذکر دادن نباید افراط صورت گیرد و گرنه شائبه‌ی مداخله‌ی ناروا در امور زوجین پیش می‌آید (حسین زاده، ۱۳۹۱: ۱۴۲).

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «دخترم! شوهر تو خوب شوهری است. مبدا نسبت به وی نافرمانی کنی! ... علی جان! داخل حجره‌ی خویشتن شو و درباره‌ی همسرت مهربانی و مدارا کن ...» (اربلی، ۱۳۸۱: ۱/ ۳۶۳؛ مجلسی، ۱۳۷۹: ۵۲۷)

این سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نمونه‌ای از نصیحت و تذکر به زوجین است که در واقع نوعی از دخالت مثبت به شمار می‌رود و بنا به دریافت برخی محققین: «از این حدیث استفاده می‌شود که والدین باید در برخورد با عروس و داماد بی‌طرف باشند، بدین معنا که آن دو را به منزله‌ی دختر و پسر خود بدانند و اگر لازم باشد به هر دو تذکر دهند، نه اینکه پدر دختر فقط عیب‌های دامادش را ببیند و به خاطر تعصب‌های بیجا، دخترش را از هر نقصی منزّه بداند یا پدر و مادر داماد تمام اشکالات را متوجه عروس‌شان کنند و پسرشان را بدون عیب و اشتباه بدانند.» (محمدی‌نیا، ۱۳۸۷: ۹۴، ۹۵)

۲-۱-۴. امر به معروف و نهی از منکر

با توجه به اینکه در آموزه‌های اسلامی مسئله‌ی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از وظایف مسلمانان مورد تأکید قرار گرفته است، لذا زوجین شایسته است امر به معروف و نهی از منکر را امری ضروری در متن زندگی دانسته و آن را دخالت منفی تلقی نکنند و بدانند که این موضوع می‌تواند باعث بهتر زیستن و استحکام بنیان خانواده شود. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر با هدف اصلاح زندگی زوجین، به عنوان فردی دلسوز، نوعی دخالت مثبت را در زندگی همسران اعمال می‌کند.

کسی که بنا دارد به اهداف عالی زندگی برسد و سربلند و سرفراز باشد، باید از دخالت‌ها و اظهار نظرها که نه وظیفه‌ی اوست و نه به او ارتباط دارد، بلکه بیهوده و بی‌حاصل است دوری کند، مگر در مواردی که دین ما حکم می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر کنیم (رحیمی، ۱۳۸۵: ۲۸)؛ در این صورت خویشاوندان و اطرافیان بر اساس حکم دین وظیفه دارند زوجین را امر به معروف و نهی از منکر کنند.

امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان از برخی متون دینی به منظور تحکیم روابط زوجین و زندگی آنها الهام گرفت. از جمله روایتی که مداخله‌ی امام علی (علیه السلام) را در حل اختلاف زناشویی بیان می‌کند: از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که علی (علیه السلام) هنگام شدت گرمای روز به خانه می‌رفت که با زنی روبرو شد که شوهرش به او ستم و تعدی نموده و او را تهدید به کتک کرده بود. حضرت به او فرمود: «ای بنده‌ی خدا، قدری درنگ کن تا گرما فرو نشیند، آن‌گاه من به همراه تو خواهم آمد.» زن گفت: «در این صورت خشم و غضب شوهرم بر من بیشتر خواهد شد.» حضرت لحظاتی سر به زیر افکند و پس از آن، سرخود را بالا کرد در حالی که گفت: «به خدا سوگند، جز این روا نیست که حق ستم‌دیده، بی آن که دچار اضطراب و آزار شود باید ستانده شود.» پس به زن فرمود: «خانه‌ات کجاست؟» آن‌گاه با وی همراه شد تا به خانه‌ی آن زن رسیدند، حضرت از پشت در سلام کرد. مردی جوان بیرون آمد. حضرت به او فرمود: «ای بنده‌ی خدا، از خدا پروا کن که تو همسرت را تهدید کرده و ترسانده‌ای و از خانه بیرونش کرده‌ای!» مردی که امام را نمی‌شناخت، با تندگی گفت: «به تو مربوط نیست! به خدا سوگند، به خاطر سخنت و حمایت از او، آتشش خواهم زد!» امیرالمؤمنان (علیه السلام) فرمود: «من تو را به معروف امر می‌کنم و از منکر نهی می‌نمایم، آن‌گاه تو با منکر با من روبرو می‌شوی و به معروف پشت می‌کنی؟» در همان حال، شمشیر خود را به جهت تهدید آن مرد، از غلاف بیرون آورد. همین وقت جمعی از مردم، متوجه امام (علیه السلام) شدند و به او با عنوان امیر مؤمنان سلام کردند. جوان حضرت را شناخت و به پای او افتاد و گفت: «ای امیرمؤمنان! از گناه من درگذر، به خدا سوگند، از این پس، خاک پای همسرم خواهم شد!» پس حضرت شمشیرش را غلاف کرد و به زن فرمود: «به خانه‌ات وارد شو و تو نیز کاری نکن که شوهرت وادار شود با تو چنین رفتاری کند.» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۲/۱۰۶؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۲/۳۳۷)

با توجه به این روایت چنین به نظر می‌رسد که گاهی امر به معروف و نهی از منکر در قالب دخالت در زندگی زن و شوهر مؤثر واقع می‌شود، همچنان که مداخله‌ی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در حل اختلاف میان زوجین کارساز شد.

۲-۲-۱-۵. میانجی‌گری در اختلافات زوجین در صورت بیم از دشمنی و جدایی آنها

در سوره‌ی نساء آیه‌ای داریم که به دخالت خویشاوندان و اطرافیان در زندگی زوجین فرامی‌خواند، آن هم در موردی که اختلافات و دعاوی زوجین در حدی است که بیم جدایی آنها می‌رود: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَبِيرًا» (نساء / ۳۵)؛ و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید پس داوری از خانواده‌ی آن [شوهر] و داوری از خانواده‌ی آن [زن] تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد. آری! خدا دانای آگاه است.

معنای شقاق در لغت: واژه‌ی شقاق بر وزن فعال از شِقَ به معنای ناحیه (منطقه) می‌باشد و از آنجا که زن و شوهر در پی بروز اختلاف و ناسازگاری میان آنان گویا هر کدام در ناحیه‌ای غیر ناحیه‌ی دیگری قرار می‌گیرد، از اختلاف و دشمنی آن دو با یکدیگر، به شقاق تعبیر شده است. ممکن است شقاق از شِقَ به معنای تفرق و جدایی باشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۶۹۵).

علامه طباطبایی در معنای این واژه می‌گوید: «الشقاق: البینونة و العداوة؛ شقاق، قهرکردن و عداوت است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴ / ۳۴۶).

معنای شقاق در شرع: برخی گفته‌اند: شقاق در عرف شرع عبارت است از اختلاف و دشمنی هر یک از زوجین نسبت به دیگری، به گونه‌ای که نه بر زندگی مصالحه کنند و نه بر جدایی از یکدیگر (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۶۹۵).

آقای قرائتی از این آیه نکات ذیل را برداشت کرده است:

- ۱- داوران از هر دو فامیل باشند تا سوز، تعهد و خیرخواهی بیشتری داشته باشند.
- ۲- علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. نگرانی از شقاق و جدایی کافی است تا اقدام به گزینش داوران شود.
- ۳- بستگان در رفع اختلاف خانوادگی مسئولیت بیشتری دارند. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲ / ۶۳، ۶۴)

بنابراین به نظر می‌رسد خویشان در صورت بیم از دشمنی و جدایی میان زوجین باید میانجی‌گری کرده و بین آن دو را اصلاح نموده و در این موقعیت دخالت مثبت خود را اظهار نمایند. البته در این آیه به «اراده زوجین برای اصلاح رابطه» به عنوان شرط توفیق تصریح شده است، و علامه طباطبایی وجه آن را چنین تبیین می‌کند: «و معنای اینکه فرمود: «إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» این است که اگر واقعاً هر دو طرف نزاع بنای اصلاح داشته باشند و عناد و لجبازی در کارشان نباشد، خدای تعالی به وسیله‌ی این دو حکم بین آن دو توافق و اصلاح برقرار می‌کند، چون وقتی دو طرف زمام اختیار خود را به حکم خود بدهند (حکمی که خودشان پسندیده‌اند) قهراً توافق حاصل می‌شود.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۵۴۶، ۵۴۷)

بنابراین همواره باید این قید را مدّ نظر داشت که دخالت باید به گونه‌ای باشد که با استقبال طرفین مواجه شود و گرنه تأثیری نخواهد داشت. بر این اساس، از جمله مهم‌ترین شرایط دخالت مثبت، رعایت همین ظرافت در امر دخالت است.

شاید بتوان درباره‌ی این موضوع آیه‌ی نسبتاً مشابه دیگری را در سوره‌ی بقره (آیه‌ی ۲۲۴) یافت، که در شأن نزول آن نقل شده است: «کَلِمَیْ مِیْ گَوَیْد: اَیْنِ آیْهٖ دَرِبَارَهٗی عِبْدَاللّٰهِ بِنِ رَوَاحِهٖ نَازِلٌ شَدِهٖ اَسْت، کِهٖ اَو رَا اَز قَطْعِ اَرْتِبَاطِ بَا بَشِیْرِ بِنِ نَعْمَانِ (دَامَادَش) نَهَیْ مِیْ کَنْد؛ بَرَایِ اَیْنِکِهٖ اَبْنِ رَوَاحِهٖ قَسْمِ خُورْدِهٖ بُوْد کِهٖ هَرگِز بَا وِی اَرْتِبَاطِ نَدَاشْتِهٖ بَاشَد و سَخْنِ نَگَوَیْد و بَیْنِ اَو و دَخْتَرَش مِیَانجِیْ گِرِی نَکَنْد و مِیْ گَوَیْد: بِهٖ خُدَا قَسْمِ مِیْ خُورَم کِهٖ اَنْجَامِ نَدَهْم و رَوَا نِیْسْت قَسْمِ رَا بَشْکَنْم، سِپَس خُدَاوَنْد اَیْنِ آیْهٖ رَا نَازِل کَرْد.» (واحدی، ۱۴۱۱: ۸۰)

در کلامی دیگر گفته شده است: «نقل شده است میان داماد و دختر یکی از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نام عبدالله بن رواحه اختلافی روی داد و او سوگند یاد کرد که برای اصلاح کارشان اقدامی نکند، آیه نازل شد و این‌گونه سوگندها را بی‌اساس معرفی کرد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۳/ ۳۰۱):
«وَلَا تَجْعَلُوا لِلّٰهِ عُرْضَةً لِأَیْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَ تَتَّقُوا وَ تَصْلِحُوا بَیْنَ النَّاسِ وَاللّٰهُ سَمِیْعٌ عَلِیْمٌ» (بقره/ ۲۲۴)؛ و خدا را دستاویز سوگندهای خود قرار مدهید، تا [بدین بهانه] از نیکوکاری و پرهیزکاری و سازش‌دادن میان مردم [باز ایستید]، و خدا شنوای داناست.

از این آیه می‌توان اهمیت سازش‌دادن میان مردم را فهمید، که دخالت و اصلاح بین زوجین در صورت اختلاف آنها، از مهم‌ترین مصادیق آن است.

– داوری در دعاوی زوجین از دیدگاه فقه و حقوق

یکی از عوامل کاهش طلاق، داوری و میانجی‌گری در دعاوی زوجین است که برای نمونه می‌توان به کاهش طلاق در استان یزد اشاره کرد. البته با این توضیح که در این استان در هر فامیل، به طور غیر مستقیم دادگاه خانواده و مشاور قضایی وجود دارد که سعی می‌کند تا حد امکان مشکلات زوج‌های جوان را حل و فصل کند و اجازه نمی‌دهد به راحتی کار به دادگاه و جدایی بکشد و روابط عاطفی بین اقوام، باعث می‌شود که با شیوه‌ی کدخدامنشی اختلافات حل شود و به دادگاه کشیده نشود. همین عامل یکی از عواملی است که سبب کاهش طلاق در استان یزد شده است (فاتحی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۲۷، ۱۲۸).

در حال حاضر، به موجب «ماده‌ی واحده‌ی قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق» و «آیین‌نامه‌ی اجرایی» آن، قضات محاکم خانواده دادخواست‌های طلاق را به داوری ارجاع می‌دهند تا با تلاش داوران، از جدایی زوجین جلوگیری شده و بدین ترتیب از میزان طلاق کاسته شود (هدایت‌نیا، ۱۳۸۴ الف: ۷۶).

بی‌شک داوری در کلیه‌ی اختلافات به ویژه در دعاوی خانوادگی امری مطلوب و ممدوح است. مزایای فراوان داوری آن را در جایگاهی برتر از رسیدگی‌های قضایی قرار داده است. بر اساس آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی

نساء درباره‌ی وجوب یا استحباب حکمیت باید گفت: داوری در صورتی واجب می‌شود که سازش متوقف بر آن باشد. به عبارت دیگر، اگر حکمیت راه منحصر برای صلح و سازش باشد، واجب خواهد بود. اما با فرض وجود راه‌های دیگری برای سازش، دلیلی برای وجوب حکمیت وجود ندارد (هدایت‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

داوری را در دعاوی خانوادگی در صورتی می‌توان اجباری نمود که شرایط آن موجود باشد. این شرایط عبارت است از: الف. متوقف‌بودن سازش به داوری و فقدان راه حل‌های دیگر؛ ب. وجود داوران واجد شرایط؛ ج. مذموم‌بودن طلاق (در مواردی که طلاق واجب یا مستحب باشد، حکمیت موضوع خود را از دست خواهد داد) (هدایت‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

با توجه به تعریف حکم که در برخی منابع فقهی آمده است: «إذا ترفع نفسان إلي رجل من الرعية فرضيا به حكما بينهما و سألاها أن يحكم لهما بينهما جاز.» (طوسی، ۱۳۸۷: ۸ / ۱۶۵؛ حلی، ۱۴۰۹: ۴ / ۸۶۱)؛ جایز است زمانی که دو نفر مرافعه‌ای داشتند، نزد فردی برده و به داوری وی رضایت دهند و از او بخواهند که میان آنها حکم کند. لذا چنین برمی‌آید که داور یا حکم را خود زوجین انتخاب می‌کنند.

طبرسی در مورد انتخاب داور در آیه‌ی مورد بحث می‌گوید: «در مخاطب آیه اختلاف است. سعید بن جبیر و ضحاک و اکثر فقها گویند: مخاطب سلطانی است که زوجین مرافعه را نزد وی برده‌اند و ظاهر اخباری که از صادقین (علیهم السلام) نقل شده است، این مطلب را تأیید می‌کند. سدی گوید: مخاطب زوجین و خویشان آنهاست.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۷۰)

مشهور فقهای امامیه معتقدند: مخاطب آیه حاکمان هستند (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳، ۸ / ۳۶۴). یکی از دلایل آنها برای این ادعا این است که خطاب‌های قرآنی، آن‌گاه که احکام شرعی را بیان می‌کنند، اگر به صورت مطلق بیان شده‌اند، مخاطب آن حاکمان خواهند بود، نظیر خطاب «والسارق و السارقة فاقطعوا ايديهما» (مائده / ۳۸). این خطاب‌ها مطلق هستند و نظیر «یا آیها الناس» یا «یا آیها المؤمنون» و ... نمی‌باشند زیرا شامل گروه خاصی می‌شود. بدین جهت مخاطب آیه حکمیت حاکمان هستند (طوسی، ۱۴۱۷: ۴ / ۴۱۶) بر این اساس داور یا حکم را حاکم انتخاب می‌کند.

۲-۲-۲. انواع دخالت منفی در آموزه‌های اسلامی

دخالت‌هایی که در زندگی زوجین از دیدگاه اسلام مورد نکوهش قرار گرفته‌اند و به دلیل آثار منفی آنها، در میان بسیاری از اعضای جامعه و خانواده مذموم شناخته می‌شوند، ذیل این عنوان جای می‌گیرند. چه بسا افرادی هستند که با این نوع دخالت‌ها سبب تفرقه و جدایی بین زن و شوهر می‌شوند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره‌ی این موضوع می‌فرماید: «هرکس عامل تفرقه و جدایی بین زن و شوهر باشد، خشم و لعنت خداوند در دنیا و آخرت بر او باد.» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۰۶: ۲۸۸؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰ / ۴۶)

برخی از انواع دخالت‌های منفی عبارتند از:

۲-۲-۱. ازدواج تحمیلی

در تعریف ازدواج تحمیلی گفته شده است: «مقصود از ازدواج اجباری یا تحمیلی پیوند زناشویی رسمی است که در آن رضایت و اراده‌ی زوجین یا یکی از آنان نادیده انگاشته شود و برای برقراری این پیوند، از انواع فشارهای جسمی و روانی استفاده گردد.» (ضمیری، ۱۳۸۵: ۵۳)

در اسلام ازدواج تحمیلی ناپسند شمرده شده است و رضایت زوجین در ازدواج شرط است. پیامبر(صلی الله علیه و آله) زمانی که حضرت علی(علیه السلام) به خواستگاری حضرت فاطمه(سلام الله علیها) آمده بود، با دخترش مشورت کرد و او را اجبار به ازدواج با حضرت علی(علیه السلام) نکرد تا اختیار را از او سلب کند، بلکه رضایت حضرت فاطمه(سلام الله علیها) برایش اهمیت داشت. پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: «من از پروردگارم خواسته‌ام که تو را به ازدواج بهترین بندگان و محبوب‌ترین آنان نزد خداوند درآورد و علی(علیه السلام) سخن از خواستگاری تو به میان آورده است. فاطمه جان! نظر شما در این مورد چیست؟ در این هنگام حضرت فاطمه(سلام الله علیها) سکوت اختیار کرد و سخنی به میان نیاورد و نیز رویش را برنگرداند و رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در چهره‌ی او آثار کراهت و ناراحتی را ندید ...» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۰)

نکته‌ی مهمی که بسیار آموزنده است و می‌تواند سرمشق همه‌ی والدین و دیگران قرار گیرد، این است که پیامبر(صلی الله علیه و آله) با وجود شناخت کامل و علم به شخصیت والای امام علی(علیه السلام) باز هم از دخترش درباره‌ی ازدواج با امام علی(علیه السلام) مشورت و نظر خواست و اجباری در این امر نداشت.

بدیهی است که آرامش در زندگی زناشویی منوط به توافق‌های اخلاقی، فکری و هماهنگی و همدلی زن و شوهر در خانواده است و این در صورتی تحقق می‌یابد که زوجین تفاهم داشته باشند، همسرشان را با رضایت خودشان انتخاب کرده باشند و اجبار و اکراه از ناحیه‌ی هیچ فردی در ازدواج آنها دخالتی نداشته باشد. بنابراین ازدواج تحمیلی یکی از آسیب‌های زندگی زوجین است که موجب اختلال و بحران در زندگی‌شان می‌شود.

۲-۲-۲. تجسس

در آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی حجرات آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَآتَجَسَّسُوا وَ...»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی نکنید، ... طبق این آیه‌ی شریفه خداوند متعال به طور صریح از تجسس و ... نهی کرده است.

در تفسیر «لَآتَجَسَّسُوا» گفته شده است: «مراد از آن کسی است که از برادر مسلمانش عیب‌جویی می‌کند. یعنی زشتی‌های مؤمنان را جستجو نکنید.» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۴/۹۶؛ صافی، ۱۴۱۵: ۵/۵۳؛ سیوطی،

۱۴۲۱: ۱/۳۸۳)

با توجه به این آیه از وظایف مؤمنان عدم دخالت و جستجوی بیجا در امور دیگران است. بنابراین انسان نباید با تجسس و کنجکاوی بی‌مورد در زندگی زوجین دخالت کند، چرا که تجسس در زندگی دیگران گناه است و چه بسا جستجو و کشف زشتی‌های زوجین توسط دیگران و سپس فاش کردن آنها، زن و شوهر را نسبت به هم بدبین کند و منجر به ناآرامی و گاه فروپاشی زندگی آنها شود. در روایات نیز از این رذیله اخلاقی نهی شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «از صفات و خصوصیات مؤمن این است که ... و تجسس و جاسوسی نمی‌کند.» (ابن همام اسکافی، ۱۴۰۴: ۷۴)^۱

همچنین امام علی (علیه السلام) در خطبه‌ی همام نهج‌البلاغه درباره‌ی صفات متقین می‌فرماید: «یکی از نشانه‌های پرهیزکاران این است که در کار ناروا دخالت نمی‌کند.»^۲ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳)

یکی از مصادیق ورود در باطل و دخالت ناروا، تجسس و جاسوسی کردن است که ممکن است این نوع دخالت، در زندگی زوجین اتفاق افتد و زندگی آنها را به مخاطره اندازد.

- حرمت تجسس

با توجه به آیه‌ی مورد بحث، قرآن کریم آشکارا تجسس و تفتیش را از زندگی خصوصی مردم (چه مسلمان و چه غیرمسلمان) حرام دانسته است و افزون بر آن، انتشار احوال شخص و ابعاد زندگی خصوصی دیگران را ممنوع کرده است. در شریعت اسلامی، تجاوز به حریم زندگی خصوصی، تجسس و کنجکاوی در آن یا انتشار آن، نه تنها گناه محسوب می‌شود، بلکه مجازات دنیوی نیز دارد. از این رو، ضمانت رعایت حریم زندگی خصوصی در یک جامعه اسلامی بیشتر است (کدیور، ۱۳۸۲: ۶۸).

فقها نیز با استناد به کتاب، سنت و اجماع، تجسس را حرام می‌دانند و تفحص و پرس‌وجو درباره‌ی بعضی از مسائل را از موارد تجسس حرام دانسته‌اند. البته در مواردی که کارها و اقدام‌های ناصواب افراد، صبغی اجتماعی پیدا کرده و زندگی خانوادگی و ... را به خطر اندازد، تجسس مجاز شمرده شده است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۷/ ۲۴۴).

۲-۲-۳. جدایی‌انداختن بین زوجین با سحر و جادو

یکی از عواملی که به وسیله‌ی آن بین زن و شوهر تفرقه و جدایی ایجاد می‌شود، سحر و جادو است که خداوند ضمن بیان متداول شدن سحر در میان یهود، درباره‌ی آن می‌فرماید: «وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ مَا أُنزِلَ عَلَىٰ الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ مَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ...» (بقره/ ۱۰۲)؛ و آنچه را شیطان [صفت]ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته]

۱. درباره‌ی مؤلف این کتاب (التمحیص) که مجلسی آن را به ابن همام منسوب کرده، تردید وجود دارد و قرینه‌ی محکمی که نشان دهد او مؤلف این کتاب بوده است، در دست نیست (انصاری، ۱۳۷۲: ۱۲۲).

۲. «... وَ لَا يَدْخُلُ فِي الْبَاطِلِ»

بودند، پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید، لیکن آن شیطان [صفت]ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند. و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته، هاروت و ماروت، در بابل فرستاده شده بود [پیروی کردند]، با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی‌کردند مگر آنکه [قبلاً به او] می‌گفتند: «ما [وسیله‌ی] آزمایشی [برای شما] هستیم، پس زنهار کافر نشوی.» [ولی] آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می‌آموختند که به وسیله‌ی آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند. هر چند بدون فرمان خدا نمی‌توانستند به وسیله‌ی آن به احدی زیان برسانند ...

در تفسیر این آیه آمده است: «آن دو ملک (هاروت و ماروت) اگرچه بر آنان سحر نازل شد اما آن دو به کسی سحر نمی‌آموختند مگر آنکه به او می‌گفتند: ما برای آزمایش و فتنه‌ی تو آمدیم. پس هوشیار باش با بکار بردن بی‌مورد سحر جز در باطل کردن سحر و پی‌بردن به ستمگری ساحر، کفر نورزی. ولی آنها سحر را برای این از دو فرشته آموختند که به وسیله‌ی آن، مصالحی را که خدا در طبیعت و طبق عادت قرار داده بود، از بین برند. پس به وسیله‌ی آن، میانه‌ی زن و شوهرش را بهم می‌زدند تا شر و فساد ایجاد کنند و از آن دو سحری می‌آموختند که به ضررشان بود و برایشان سودی نداشت.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱/۲۳۵)

امام حسن عسکری (علیه السلام) از پدران‌شان از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «... طالبان سحر با حيله‌ها و نیرنگ‌ها و ابهام و اینکه در فلان مکان، فلان چیز دفن شده است و فلان کس فلان کار را انجام داد، نحوه و طریقه‌ی ضرر رساندن را یاد می‌گرفتند تا زنی (اجنبی) را محبوب مردی کرده و یا مردی را محبوب زنی کنند و به این ترتیب بین زن و شوهر جدایی افکنند. سپس خداوند می‌فرماید: «وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» یعنی آن مردم طالب سحر و جادو به کسی آزار نمی‌رسانند مگر با اذن خداوند، و مراد از اذن این است که خدا از این کار آنان آگاه است و در عین حال، آنها را به حال خود رها می‌کند، زیرا اگر می‌خواست، با جبر و زور جلوی کار آنان را می‌گرفت.» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۷۸: ۱/۲۶۸)

بدین ترتیب افرادی که قصد دارند به وسیله‌ی سحر و جادو بین زوجین جدایی افکنند، در واقع نوعی دخالت منفی در زندگی زوجین انجام داده‌اند که با توجه به آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی بقره کسانی که به وسیله‌ی سحر و جادو میانه‌ی زن و شوهر را بهم زنند و بین آنها جدایی افکنند، در آخرت بهره‌ای ندارند و علاوه بر آن ساحر، مرتکب گناه کبیره شده است. چنان‌که امام جعفر صادق (علیه السلام) یکی از بزرگ‌ترین گناهان کبیره را سحر و جادو دانسته است (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۷۰۴).

۲-۲-۲-۲. جدایی انداختن بین زوجین با درخواست مهریه

در کتاب «من لایحضره الفقیه» در باب جدا کردن دو همسر به درخواست مهر آمده است: حسن بن مالک گوید: به حضرت هادی (علیه السلام) طی نامه‌ای نوشتم و پرسیدم مردی دختر خود را به شخصی که او را پسندیده بود، تزویج کرد، بعد پشیمان شد و از داماد خوشش نیامد و خواست که بین او و دخترش جدایی اندازد، درخواست طلاق کرد، داماد حاضر نشد. پدر دختر مهریه‌اش را از وی مطالبه کرد و

نظرش این بود که وی به طلاق راضی شود و داماد حاضر شد دختر را طلاق دهد. این کار چه صورتی دارد؟ امام(علیه السلام) در پاسخ نامه مرقوم فرمود: «اگر ناخشنودی به جهت امر دینی باشد مانعی ندارد که بدین کار اقدام کند، ولی اگر جهت دنیایی دارد حق ندارد برای جدایی میان دو حلال اقدامی بنماید.» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳: ۳/۴۳۴)

با توجه به این روایت، کسی که به قصد رسیدن به امور مادی و دنیوی، عامل جدایی زن و شوهر شود، مورد نکوهش واقع شده است و عمل وی یک نوع دخالت منفی در زندگی زوجین تلقی می‌شود.

۲-۲-۵. میانجی‌گری نابهنگام و نابه‌جا در اختلافات زوجین

طبق آیه ۳۵ سوره نساء که موضوع دخالت خویشاوندان در خانواده در صورت خوف از دشمنی و جدایی میان آن دو برداشت می‌شود و در مباحث قبل به عنوان یکی از مصادیق دخالت مثبت درباره‌ی آن توضیح داده شد، علاوه بر آن از این آیه نیز می‌توان عدم جواز دخالت را در خانواده حتی از سوی خویشاوندان در صورت خوف‌نداشتن از دشمنی و جدایی میان زن و شوهر استنباط نمود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۱۲/۲۸۷).

بنابراین خویشاوندان در صورتی می‌توانند در دعاوی زوجین داوری کنند که از دشمنی و جدایی میان آن دو بیم داشته باشند و زمانی که از وقوع این امر میان زوجین بیم نداشته باشند، نباید در زندگی آنها دخالت کنند و این همان نکته‌ای است که باید به آن توجه داشت تا مرز دخالت مثبت با دخالت منفی روشن شود.

چنان‌که در تفسیر نور ذیل آیه ۳۵ سوره نساء آمده است: «قبل از نگرانی از شقاق، در زندگی مردم دخالت نکنیم.» (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲/۶۴)

در مورد حکمیت باید به این نکته توجه داشت که اقدام اطرافیان به داوری میان زوجین، در صورت مشاهده‌ی کوچک‌ترین نشانه‌ی ناسازگاری، مداخله در زندگی دیگران محسوب می‌شود. ای بسا این عمل آنان مشکل را پیچیده‌تر می‌کند. بنابراین باید مسائل جزئی و اختلافات معمولی را از موضوع داوری خارج نمود (هدایت نیا، ۱۳۸۴الف: ۹۵).

۲-۲-۳. دخالت مستقیم

همان‌طور که در ابتدای این بخش گفته شد، نوع دیگر تقسیم‌بندی دخالت‌ها را می‌توان دخالت مستقیم و غیر مستقیم دانست. به دخالت‌هایی که به طور مستقیم زندگی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهند، دخالت‌های مستقیم گفته می‌شود. به عنوان نمونه: وساطت در ازدواج، مشورت دادن، نصیحت و تذکر، داوری در دعاوی زوجین، ازدواج تحمیلی و تجسس در زندگی زن و شوهر توسط دیگران از مصادیق دخالت مستقیم محسوب می‌شوند که درباره‌ی هر کدام از این موارد قبلاً توضیح داده شده است.

۲-۲-۴. دخالت غیر مستقیم

آن دسته از دخالت‌هایی که به طور غیر مستقیم و یا غیر ارادی، اثرات مثبت و منفی بر زندگی زوجین می‌گذارند، دخالت غیر مستقیم نامیده می‌شود که با نگاه اسلامی برخی از این دخالت‌ها پسندیده و برخی ناپسند قلمداد می‌شوند. برخی مصادیق دخالت غیر مستقیم عبارتند از:

۲-۲-۴-۱. تأثیر رسانه‌ها

رسانه به عنوان ابزاری قدرتمند می‌تواند در زندگی زوجین و رفتارهای هر یک از زن و شوهر تأثیرگذار باشد و مبنای اندیشه و عمل افراد خانواده قرار گیرد.

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که نقش مهم و بسزایی در ایجاد هویت افراد ایفا کرده و کارکردهای مهمی از جمله: برطرف کردن نیاز طبیعی انسان و ایجاد آرامش در افراد و ... را به عهده دارد. با رشد روزافزون رسانه‌های مدرن در جامعه، رسانه‌ها خود را به عنوان رقیبی جدی و سرسخت برای خانواده‌ها معرفی کردند و آنها را تحت تأثیر قرار داده و به مرور زمان کارکردهای سنتی خانواده را با مشکلات اساسی روبه‌رو ساختند (شرف‌الدین، اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۱۳۸).

برخی بر این باورند: «به فرموده‌ی امام خمینی (رحمة الله علیه) رسانه‌ها در جمهوری اسلامی ایران یک دانشگاه عمومی است و هدف انسان‌سازی و کمک به جامعه و خانواده‌ها برای دستیابی به آرمان‌های انقلاب اسلامی است. پس انتظار این است که رسانه در جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی معرفت‌شناختی اسلام به تحکیم خانواده‌ها یاری رساند.» (شرف‌الدین، اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۱۴۴، ۱۴۵؛ معاونت پژوهشی مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله علیه)، ۱۳۷۸: ۳۵۵)

به نظر می‌رسد طبق فرموده‌ی امام خمینی (رحمة الله علیه) رسانه‌ها در جامعه اسلامی می‌توانند نقش مهمی را در راستای تحکیم زندگی زوجین بر پایه‌ی معارف دینی ایفا کنند، که این نشان از تأثیرگذاری و دخالت غیر مستقیم رسانه‌ها در زندگی زوجین است.

در بین رسانه‌های متنوع و جدید می‌توان از ماهواره به عنوان پرمخاطب‌ترین رسانه‌ها در سراسر دنیا یاد کرد که امروزه، نقش مهمی در رشد شخصیت افراد بازی می‌کند (شریفی‌فر، ۱۳۹۳: ۹۲).

نفوذ برنامه‌های ماهواره‌ای در قوت‌بخشیدن به ارزش‌های مدرنی همچون مادی‌گرایی، آزادی‌های نامحدود مؤثر می‌باشد که باعث تغییر ارزش‌های سنتی و گاه ایجاد تضاد ارزشی در بین زوجین به واسطه‌ی تغییر ارزش‌ها در یکی از زوجین خواهد شد و احتمال ناهنجاری‌های مختلفی نظیر طلاق را افزایش خواهد داد (نعیمی، بی‌تا: ۲۰۸).

دانش‌پژوهان جامعه‌شناسی درباره‌ی تأثیر ماهواره در فرهنگ و ارزش‌های دینی معتقدند: «گرایش مردم به ماهواره به ویژه در کشورهای اسلامی، ارزش‌ها، باورها و رویه‌های فرهنگی و فرهنگ اصیل آنان را تحت

تأثیر قرار داده است. به عبارت دیگر رسانه‌ها از جمله ماهواره، نماد فرهنگی محسوب می‌شوند که از آن طریق، دین، ارزش‌ها و باورهای دینی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین برنامه‌های ماهواره‌ای با عادی جلوه دادن روابط زنان با مردان، سعی در تغییر الگوی رفتاری بر مبنای اخلاق و دین در میان جوامع هدف دارند. این برنامه‌ها از مفاهیمی چون خانواده و تعهد، تقدس‌زدایی می‌کنند و گناه را امری عادی جلوه می‌دهند. یکی از پیامدهای اجتماعی ماهواره در منازل، قبح‌زدایی از روابط غیر شرعی میان زنان و مردان در سطح جامعه است که این امر به تدریج زوجین را نسبت به یکدیگر بدبین می‌کند و اعتماد لازم را سلب می‌نماید.» (شریفی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۰۰-۹۲).

بر این اساس ماهواره در زندگی زوجین نقش بسزایی دارد و ممکن است ارزش‌ها و باورهای دینی و به طور کلی سبک زندگی اسلامی هر یک از زوجین را تغییر دهد و با دخالت غیر مستقیم و منفی خود اثرات مخربی را بر جای گذارد، که در نهایت احتمال فروپاشی زندگی همسران را افزایش می‌دهد. یکی دیگر از جدیدترین رسانه‌هایی که امروزه مخاطبان بسیاری دارد و به نحوی زندگی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی است.

درباره‌ی این نوع رسانه‌ها برخی بر این باورند: «مشکلاتی از قبیل ساخت پروفایل‌های تقلبی در شبکه‌های اجتماعی و عدم امکان کنترل آنها به دلیل حجم بالای این هرزنامه‌ها، باعث می‌شود که افرادی با پروفایل‌های تقلبی به شبکه‌های اجتماعی وارد شوند و با ورود به حریم‌های خصوصی افراد مورد نظر، تصاویر و اطلاعات آنها را به سرقت برده و شروع به پخش تصاویر در اینترنت کنند» (سلیمانی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۸).

در واقع ورود دیگران به حریم خصوصی زوجین از طریق شبکه‌های اجتماعی و به سرقت‌بردن اطلاعات هر یک از همسران و سپس افشا نمودن آنها، نوعی تجسس در زندگی زوجین تلقی می‌شود که طبق آموزه‌های اسلام این امر مورد مذمت واقع شده است. چنان‌که خداوند در آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی حجرات می‌فرماید: «... وَلَا تَجَسَّسُوا...»؛ «... جاسوسی نکنید ...».

امروزه بیش از میلیاردها نفر در سراسر جهان، صفحه‌هایی از اطلاعات شخصی خود را روی اینترنت قرار داده‌اند. چنین شبکه‌هایی به مرور حتی بر روی روابط خصوصی همسران اثر می‌گذارند و قدرت ازهم‌پاشیدگی زندگی آنها را نیز دارند (بیسواجیت داس، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

بنابراین شبکه‌های اجتماعی اینترنتی ممکن است فرهنگی را به افراد القا کنند که با فرهنگ اسلامی هم‌خوانی نداشته باشد و چه بسا کاربران از آن تأثیر گیرند. همچنین این شبکه‌ها شرایطی را فراهم می‌آورند که ورود به حریم خصوصی افراد را امکان‌پذیر می‌سازد و این در زندگی زوجین زنگ خطر محسوب می‌شود که با این توضیحات، شبکه‌های اجتماعی از مصادیق دخالت غیر مستقیم در زندگی زوجین به شمار می‌روند، چرا که امروزه برخی از کاربران زمان بسیاری را صرف استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌کنند که

این موضوع در زندگی زوجین باعث کاهش توجه هر یک از همسران نسبت به یکدیگر و کم‌رنگ شدن نقش افراد در زندگی زناشویی می‌شود.

۲-۴-۲-۲. تأثیر غیر ارادی خویشاوندان

برخی پژوهشگران در مورد تأثیر مثبت روابط خویشاوندی بر زندگی زوجین قایل به این هستند که این تأثیر از سه راه عمده صورت می‌گیرد: نخست، از راه حمایت‌های مادی و معنوی آگاهانه‌ای که خویشاوندان نسبت به خانواده صورت می‌دهند. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «آن کس که دست دهنده‌ی خود را از بستگانش بازدارد، تنها یک دست را از آنها گرفته اما دست‌های فراوانی را از خویش دور کرده است ...» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳)

دوم، از راه نظارت خویشاوندان بر خانواده که گذشته از موارد امر به معروف و نهی از منکر، یکی از موارد مهم آن میانجی‌گری و مداخله‌ی خویشاوندان در اختلافات زناشویی است. آیه‌ی شریفه‌ی قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (نساء/۳۵)؛ و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید پس داوری از خانواده‌ی آن [شوهر] و داوری از خانواده‌ی آن [زن] تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد. آری! خدا دانای آگاه است.

سوم، از راه تأثیرات غیر ارادی، مانند تأثیری که روابط و معاشرت‌های خویشاوندی به خودی‌خود بر تأمین نیازهای عاطفی همسران به جای می‌گذارد که این تأثیر غیر ارادی، نوعی مداخله‌ی پنهانی یا غیر مستقیم در زندگی زوجین محسوب می‌شود (بستان(نجفی)، ۱۳۹۱: ۶۵، ۶۶).

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «پیوند با خویشاوندان محبت می‌آورد.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۰۶) طبق فرمایش امام علی (علیه السلام)، وجود محبت در زندگی زوجین می‌تواند یکی از تأثیرات غیر ارادی خویشاوندان به‌شمار آید که نشان‌دهنده‌ی دخالت غیر مستقیم و مثبت خویشاوندان در زندگی آنهاست. صله رحم یک وظیفه‌ی اخلاقی است، حتی نسبت به آنان که اهل گناهند. چه بسا به برکت رفت و آمدهای بستگان صالح، فاجران هم راه صلاح پیش گیرند و تأثیر بپذیرند. از طرف دیگر گاهی ترک مراوده و رفت و آمد، سبب می‌شود که بستگان معصیت‌کار، در گناه و بیراهه‌ی خود، بیشتر پیش‌روی کنند، ولی حفظ رابطه، جلوی بدتر شدن آنان را می‌گیرد (محدثی، ۱۳۹۱: ۵۲)، که این تأثیرات غیر ارادی خویشاوندان در زندگی زوجین همان دخالت غیر مستقیم است.

۲-۴-۲-۳. تأثیر غیر ارادی دوستان

تأثیر غیر ارادی دوستان در زندگی زوجین از متون دینی فراوانی الهام گرفته می‌شود که در آنها بر اهمیت دوست و هم‌نشین خوب تأکید شده است، مانند روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که می‌فرماید:

«حکایت هم‌نشین خوب مثل عطار است که اگر عطر خویش به تو ندهد، بوی خوش آن در تو آویزد و حکایت هم‌نشین بد مثل آهنگر است، اگر شرار آتش آن تو را نسوزد، بوی بد آن در تو آویزد.» (شعیری، بی‌تا: ۱۸۳؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۷۱۴)

بی‌شک دوستان در زندگی زوجین علاوه بر تأثیرات ارادی، تأثیرات غیر ارادی نیز دارند، لذا زن و شوهر باید در انتخاب دوست شایسته و خوب دقت نمایند. از منظر اسلام دوست خوب می‌تواند تأثیرات مثبت در زندگی همسران بر جای گذارد و دوست یا هم‌نشین بد ممکن است ناخواسته زندگی آنها را به سوی نابودی سوق دهد که تأثیر غیر ارادی دوستان، در واقع دخالت غیر مستقیم آنها است.

جمع‌بندی فصل

قلمروهای فردی - شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از جمله قلمروهای دخالت دیگران در زندگی زوجین است و از طرفی، انواع دخالت‌ها را می‌توان به دو شکل تقسیم‌بندی کرد: تقسیم‌بندی اول: دخالت مثبت و دخالت منفی؛ به عنوان نمونه، مشورت‌دادن بنا بر آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی شوری و میانجی‌گری در اختلافات زوجین (در صورت بیم از دشمنی و جدایی آنها) طبق آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی نساء یک نوع دخالت مثبت محسوب می‌شوند و تجسس بنا بر آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی حجرات و نیز دخالت انسانهای منحرفی که از طریق «سحر و جادو» موجب جدایی زوجین می‌شوند به حکم آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی بقره، نوعی دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین است.

تقسیم‌بندی دوم: دخالت مستقیم و غیر مستقیم؛ مواردی از قبیل: وساطت در ازدواج، نصیحت و تذکر(ذاریات/ ۵۵)، داوری در دعاوی زوجین، یک نوع دخالت مستقیم دیگران در زندگی زوجین قلمداد می‌شوند و نمونه‌هایی از مصادیق دخالت غیر مستقیم دیگران در زندگی زوجین عبارتند از: تأثیر رسانه‌ها از جمله ماهواره که ارزش‌ها، باورها و رویه‌های فرهنگی و به طور کلی سبک زندگی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی که ورود به حریم خصوصی زوجین را فراهم می‌سازند و در مواردی موجب کم‌رنگی ارتباط زوجین و کاهش توجه آنها به یکدیگر می‌شوند، که در نهایت زندگی همسران را مختل می‌سازند. همچنین تأثیرات غیر ارادی خویشاوندان و دوستان در زندگی زوجین نیز نوعی دخالت غیر مستقیم به شمار می‌آیند.

فصل سوم: علل و زمینه‌های دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین و راه‌کارهای جلوگیری از آن با تأکید بر آموزه‌های اسلامی

دخالت به خصوص دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین موضوعی است که امروزه به عنوان معضلی جدی سلامت خانواده‌ها را تهدید می‌کند و در بسیاری از موارد موجب فروپاشی زندگی زن و شوهر می‌شود. چنان‌که بر اساس برخی پژوهش‌های منتشره، در ایران ۲۷ درصد زنان و مردان متقاضی طلاق، عامل اقدام‌شان را دخالت بیجای خویشاوندان و آشنایان اعلام نموده‌اند که این عامل از نظر فراوانی در رتبه‌ی دوم میان عوامل طلاق قرار دارد (فرجاد، ۱۳۷۲: ۱۰۸).

این مطلب در پژوهش‌های مشابه موردی که در خصوص یک شهرستان یا استان صورت گرفته است نیز تأیید می‌شود، برای نمونه، نتایج مقاله‌ی «تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه)» نشان می‌دهد که دخالت دیگران در زندگی زوجین یکی از مواردی است که دارای بیش‌ترین تأثیر بر میزان گرایش به طلاق بوده است (بهرامی کاکاوند و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱۰)، و طبق پژوهش دهاقانی و نظری با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان» هر اندازه دخالت بیجای اطرافیان بیش‌تر شود، میزان گرایش زوجین به طلاق افزایش می‌یابد (دهاقانی، نظری، ۱۳۸۹: ۴۶).

حال با توجه به اهمیت موضوع دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین، بررسی علل و زمینه‌های دخالت منفی و راه‌کارهای پیشگیری از آن با تأکید بر آموزه‌های اسلامی ضروری می‌نماید که در ادامه به ترتیب از این موارد بحث می‌شود. لازم به ذکر است که علل در واقع همان علت‌ها و عوامل به وجود آورنده‌ی دخالت‌ها است و زمینه‌های دخالت، بستری است که در آنها موجبات دخالت دیگران فراهم می‌آید. (مثل روابط با خویشاوندان)

۳-۱. علل و زمینه‌های دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین

برخی از علل و زمینه‌های دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین عبارتند از:

۳-۱-۱. عدم رشد و بلوغ شخصیتی زوجین

بدیهی است که یکی از مقدمات ازدواج، بلوغ و رشد جسمی و بدنی دختر و پسر است؛ چرا که «ازدواج» فرد را به مرحله‌ی جدیدی از زندگی وارد می‌سازد که باید توانایی تحقق بخشی به مسئولیت‌هایش را داشته باشد، اما علاوه بر رشد جسمی و بلوغ دختر و پسر، رشد فکری و شخصیتی و استقلال هر یک از آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است.

یکی از مهم‌ترین و عمده‌ترین عواملی که باعث می‌شود تا در زندگی همسران مداخله‌هایی اعمال شود، کم‌رشدی و یا به عبارتی متوقف‌شدن رشد رفتاری، عاطفی و شخصیتی همسران است که زمینه‌ساز مداخله در زندگی زوجین می‌شود (برای تفصیل بحث: کاوه، ۱۳۸۷: ۳۵).

از آیه‌ی ۶ سوره‌ی نساء، ضرورت رشد فکری دختر و پسر برای ازدواج و حدّ این رشد فکری در هر یک از آنها برداشت می‌شود که ظاهراً یکی از معیارهای مهم تشخیص رشد فکری آنها توانایی مدیریت مالی در زندگی‌شان است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء / ۶)؛ و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سنّ] زناشویی برسند، پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموالشان را به آنها رد کنید ... ، که علامه طباطبایی در تفسیر آن می‌نویسد: «کلمه‌ی «رشد» به معنای پختگی و رسیده‌شدن میوه‌ی عقل است برخلاف غی.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴ / ۱۷۲)

از علایم بارز رشد عاطفی نیز می‌توان به میزان استقلال جوان از والدینش اشاره کرد، که اگر دختر و پسر قبل از ازدواج این رشد را در خود پرورش دهند و بعد از ازدواج نیز بتوانند استقلال و توانایی مدیریت در زندگی را داشته باشند، در نتیجه این امر باعث می‌شود که برای زندگی مشترک‌شان خود تصمیم‌گیری کنند و اجازه‌ی هر گونه دخالت را به دیگران ندهند.

برای تبیین بیشتر رشد هر یک از زوجین و با توجه به اهمیت آن، به برخی از خصلت‌ها و ویژگی‌های همسران نابالغ و رشد نکرده از نظر رفتاری، عاطفی و شخصیتی اشاره می‌شود:

۱- افراد رشد نکرده و مشکل‌دار از نظر رفتاری و شخصیتی درگیری و تعارض‌های بیش‌تری با اطرافیان به ویژه با همسر دارند و از آنجا که همسر بیش‌ترین ارتباط را با شخص برقرار می‌کند، به همین جهت درگیری‌های بیش‌تری را با وی خواهد داشت (کاوه، ۱۳۸۷: ۳۶، ۳۷).

روشن است افرادی که به بلوغ و رشد فکری رسیده‌اند، کمتر با همسر خود درگیر می‌شوند و کمتر او را غضبناک می‌کنند و یکی از وظایف زن و شوهر نسبت به یکدیگر این است که تلاش کنند باعث ناراحتی و عصبانیت یکدیگر نشوند.

حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بر همین مبنا زندگی نمودند. حضرت علی (علیه السلام) در این مورد می‌فرماید: «به خدا قسم من هیچ وقت او (فاطمه سلام الله علیها) را غضبناک نکردم و بر هیچ کاری او را مجبور نساختم تا اینکه خداوند عزّ و جلّ جان او را گرفت و به شهادت رسید و حضرت

فاطمه (سلام الله علیها) نیز هیچ وقت مرا خشمگین نکرد و هیچ زمانی از کاری که به او گفتم نافرمانی نکرد و هر وقت بر او نگاه می‌کردم تمام غم و غصه‌ها از دلم برطرف می‌شد.» (اربلی، ۱۳۸۱: ۱/۳۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۱۳۴)

این حدیث نمونه‌ی بارز رشد کامل حضرت علی(علیه‌السلام) و حضرت فاطمه(سلام‌الله‌علیها) در زندگی مشترک‌شان است که الگویی برای همه‌ی زوجین به شمار می‌رود.

۲- همسران رشدنیافته از نظر رفتاری و شخصیتی به جای اتکا به توانایی‌های خویش، مدام در پی درخواست کمک از اطرافیان برای برطرف‌شدن مشکلات‌شان هستند (کاوه، ۱۳۸۷: ۳۶).

مثلاً گاهی دختر با اینکه وقت ازدواجش شده است اما از نظر مدیریت کار منزل و انجام‌دادن آن بسیار ضعیف است و این موضوع باعث وابستگی دختر به مادرش می‌شود و هنگامی که در چنین وضعیتی ازدواج کند، این وابستگی ادامه می‌یابد به صورتی که زمینه‌ی دخالت دیگران را فراهم می‌آورد و ناراحتی و نزاع بین زن و شوهر پیش خواهد آمد. در حالی که اسلام به هنر خانه‌داری و روش همسرمداری و خدمت به شوهر و مدیریت زن و مرد بسیار بها داده است. لذا رسول خدا(صلی‌الله‌علیه و آله) فرمود: «... مرد فرمانروای کسان خویش است و زن فرمانروای خانه‌ی خویش است.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ۴۹؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۶۱۵)

بنابراین عدم رشد شخصیتی زوجین باعث پناه‌بردن و یا وابستگی آنها به دیگران می‌شود، که این امر مدیریت زندگی مشترک را دچار اختلال می‌کند و در این صورت دیگران با مداخلات نابه‌هنگام و نابه‌جا در زندگی زن و شوهر، موجبات اختلاف و ناسازگاری آنها را فراهم می‌آورند.

۳-۱-۲. سوء مدیریت زوجین

نظام خانواده از دو رکن اساسی، مرد و زن تشکیل یافته است و این دو با تشریک مساعی، همدلی، هم‌فکری و همکاری می‌توانند کشتی خانواده را به ساحل خوشبختی برسانند، اما هیچ تشکیلاتی بدون مدیر و گرداننده‌ی اصلی نمی‌تواند به سر منزل مقصود برسد. خداوند متعال بر اساس استعداد خاصی که در وجود مردان به ودیعت نهاده، آنان را مسئول و مدیر خانواده معرفی می‌کند (پاک‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۶): «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...» (نساء/۳۴)؛ مردان سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند ...

در تبیین مدیریت آمده است: «معنای مدیریت زندگی به معنای اجحاف و زور و ضایع کردن حق دیگران نیست، بلکه به معنای اداره‌ی زندگی به نحو احسن با مشورت و اخلاق و تواضع و گذشت است.

همان‌طوری که مدیریت در هر سازمان و اداره بدین معنی است.» (محمدی نیا، ۱۳۸۷: ۸۸)

اقتدار کافی و در عین حال عادلانه شرط ضروری انجام وظیفه در خانواده است. منظور از ریاست، تصمیم‌گیری در امور خانواده، بر اساس مراعات مصالح آن می‌باشد. در تبیین این نکته گفته شده است که

هر گروهی را باید رئیسی باشد که کارها را هماهنگ کند و در صورت بروز اختلاف، به نظر او رجوع و به این شکل وحدت آن گروه حفظ شود. اگر خانواده رئیسی نداشته باشد و زن و مرد در اداره‌ی آن برابر باشند، ناگزیر باید برای حل اختلاف در هر مورد جزئی به مراجعی بالاتر رجوع کنند و همین امر به انسجام و روابط مناسب اعضای خانواده آسیب می‌رساند، بنابراین ریاست خانواده مقامی است که برای ثبات و مصلحت خانواده به مرد داده شده است و امتیاز و حق فردی برای شوهر محسوب نمی‌شود و مرد نباید از آن سوء استفاده کند (ظهیری، فتحی، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

بنابراین مدیریت در خانواده امری ضروری به نظر می‌رسد که اگر مدیریت صحیح در زندگی زوجین صورت نگیرد، زن و شوهر به تنهایی قادر به حل مسائل و مشکلات نخواهند بود و راه را برای دخالت اطرافیان در زندگی‌شان هموار می‌سازند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «آفت زندگی سوء تدبیر است.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۸۰)

«تدبیر» در لغت به معنای نگریستن در عاقبت کارهاست (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/۳۳).

طبق حدیث مزبور، تدبیر و مدیریت صحیح در زندگی زوجین از آفات زندگی جلوگیری می‌کند و در مقابل، تدبیر نادرست مشکلاتی را در زندگی آنها به وجود می‌آورد که از آن جمله می‌توان به دخالت دیگران در زندگی زن و شوهر اشاره کرد.

پژوهشگری درباره‌ی مدیریت در خانواده می‌گوید: «وحدت و یکی‌بودن زن و شوهر در محیط خانواده ضرورت مدیریت را نفی نمی‌کند، بلکه با همه‌ی صمیمت‌ها و گرمی‌ها باید اصول مدیریت در متن زندگی خانوادگی رعایت شود، زیرا تا مدت کوتاهی می‌توان با علاقه‌ها و محبت‌ها وحدت خانوادگی را حفظ کرد، ولی بدیهی است که پس از کم‌رنگ شدن عوامل دوستی‌ها و مودت‌ها، خانواده در آستانه‌ی تزلزل قرار می‌گیرد. در حالی که با مدیریت صحیح و منطقی، علائق طبیعی و احساسی به تدریج به عواطف منطقی و عقلانی تبدیل می‌گردد و در نتیجه صفا و صمیمت‌ها استمرار می‌یابد.» (رشیدپور، ۱۳۷۴: ۱۵)

سابقاً گفته شد، زوجینی که به رشد شخصیتی نرسیده‌اند، در واقع یک نوع وابستگی به والدین‌شان دارند. اما باید گفت یکی از ویژگی‌های فرد وابسته این است که مدیریت کارآمدی میان همسر و خانواده‌اش ندارد که به دنبال آن، بین همسر و خانواده‌ی اصلی مشکل‌آفرینی‌هایی در زندگی به صورت اعمال نفوذ و مداخله در زندگی همسران ایجاد می‌شود (برای تفصیل بحث: کاوه، ۱۳۸۷: ۸۸).

۳-۱-۳. وابستگی

وابستگی زیاد به پدر و مادر پیامدهای منفی متعددی دارد. کاهش اعتماد متقابل زن و شوهر، ضعف اراده و قدرت تصمیم‌گیری در انجام امور، افزایش توقع خانواده‌ها و در نتیجه دخالت‌های آنان در زندگی زوجین از جمله‌ی این پیامدهاست (جمعی از نویسندگان با کوشش آیت‌اللهی، ۱۳۹۲: ۲۰۱).

پژوهشگران روان‌شناسی درباره‌ی وابستگی زوجین به دیگران که می‌تواند یکی از زمینه‌های دخالت باشد، معتقدند: «دخالت خانواده‌های زوجین در اکثر مواقع در ابتدای دوران ازدواج فرزندشان به دلایل مختلف از جمله بی‌تجربگی والدین و زوجین جوان، وابستگی آنان به خانواده‌های اصلی، بیش از زمان‌های دیگر است. این یافته، هم زوجین جوان و هم والدین آنان را نسبت به خطر بالقوه‌ی دخالت بی‌مورد والدین و دیگر اعضای خانواده‌ی اصلی در بروز و تداوم اختلافات زناشویی آگاه می‌سازد.» (زرگر، نشاط دوست، ۱۳۸۶: ۷۴۶)

در مواردی نیز ملاحظه می‌شود که والدین و اعضای خانواده‌ی اصلی هر یک از همسران، توجه و علاقه‌ی چندانی به درگیر شدن و انجام مداخله در زندگی مشترک فرزندشان ندارند، ولی نوع، میزان و شدت وابستگی هر یک از همسران به والدین و اعضای خانواده، فامیل و آشنایان در حدی است که خواه ناخواه آنان را وارد حریم شخصی و حریم زندگی مشترک می‌نماید. در واقع دلسوزی و احساس مسئولیت خانواده‌ها در مواردی باعث می‌گردد تا در زندگی همسران تداخل‌ها و مداخله‌هایی صورت گیرد (کاوه، ۱۳۸۷: ۷، ۸).

معمولاً وقتی زوج تازه ازدواج کرده، زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند، از نظر اقتصادی کمی نیاز به حمایت والدین دارند. متأسفانه این امر نیز باعث می‌شود در مواردی برخی از زوجین مسائل مالی خود را به عهده‌ی خانواده‌ی خویش یا والدین همسر بگذارند که این موضوع علاوه بر وابستگی مالی زوجین، می‌تواند زمینه‌ساز دخالت اطرافیان در زندگی آنها شود.

هم‌چنین بعضی از زوجین به دلیل وابستگی‌های بیش از اندازه‌ای که به والدین و دیگران دارند، وضعیت و شرایطی را در زندگی مشترک‌شان ایجاد می‌کنند که نه تنها والدین و اعضای خانواده‌ی اصلی، بلکه دوستان و آشنایان نیز مداخلات، تصمیم‌گیری‌ها و در مواردی تحمیل‌هایی را اعمال می‌نمایند.

بنابراین به نظر می‌رسد وابستگی‌ها زمینه‌ی دخالت دیگران را در زندگی زوجین فراهم می‌آورد، که این موضوع از نگاه اسلام پنهان نمانده است. از این رو خداوند در قرآن کریم با تأکید بر جنبه‌ی عاطفی این روابط، افرادی را که دوستی خانواده و خویشان را بر دوستی خدا و وظایف الهی ترجیح می‌دهند، تهدیدهای شدیدی کرده است: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَضُّونَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه / ۲۴)؛ بگو: «اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گردآورده‌اید و تجارتی که از کسادش بیمناکید و سراهایی را که خوش می‌دارید نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است، پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را [به اجرا در] آورد.» و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند.

از این آیه، مذمت و ابستگی شدید به کسی یا چیزی جز خدا و اولیای دین (علیهم السلام) استنباط می‌شود که در نتیجه زوجین باید از ابستگی‌های خود به دیگران کاهش دهند و به خداوند و معصومین (علیهم السلام) متکی باشند تا زندگی آرام و بی‌دغدغه و بدون دخالت ناروای دیگران داشته باشند.

۳-۱-۴. عدم رازداری زوجین

یکی از ویژگی‌های همسران نابالغ و رشدنکرده از نظر رفتاری، عاطفی و شخصیتی، عدم رازداری آنهاست. در واقع همسر رشدنکرده، والدین و خانواده‌اش محرم اسرارش هستند و این نکته به وفور میان همسران ملاحظه می‌شود که یکی از آنها مطالبی بسیار فردی و شخصی را که جنبه‌ی محرم‌گونه و اسرارآبانه‌ای دارد، با خانواده‌ی خویش مطرح می‌نماید، به نحوی که شریک زندگی او پس از مدتی از دیگران مطلب مورد نظر را می‌شنود، که این امر به طور طبیعی احساس ناخوشایندی را ایجاد خواهد نمود. در نهایت عدم رازداری زوجین باعث دخالت دیگران به ویژه والدین در زندگی‌شان می‌شود (کاوه، ۱۳۸۷: ۴۲، ۴۳).

در تعالیم اسلامی رازداری اهمیت بسیار دارد و حفظ اسرار خانواده از مسائل حیاتی به شمار می‌رود به صورتی که روابط خصوصی همسران باید در محدوده‌ی زندگی زن و شوهر باقی بماند. قرآن کریم در سوره‌ی تحریم آیه‌ی ۳ به حادثه‌ای اشاره کرده است که اهمیت این موضوع را به خوبی می‌رساند و آن هنگامی است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) رازی را به یکی از همسران خود یعنی حفصه فرمود اما حفصه راز را افشا کرد و به همسران دیگر پیامبر (صلی الله علیه وآله) خبر داد و خداوند پیامبر (صلی الله علیه وآله) را با وحی از افشای آن راز آگاه ساخت. پیامبر (صلی الله علیه وآله) حفصه را به بعضی از آنچه فاش کرده بود، خبر داد و از بعضی دیگر خودداری و بزرگواری گذشته کرد؛ سپس حفصه گفت: چه کسی این جریان را به تو خبر داد؟ پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: مرا آن دانای آگاه خبر داده است. در آیه‌ی بعد خطاب به عایشه و حفصه آمده است که توبه کنید، و وصف کار آنها را چنین بیان داشته است که، شما دو زن همکاری کردید که پیامبر (صلی الله علیه وآله) را بیازارید و ناراحتش کنید ولی خداوند پشتیبان اوست (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴ / ۳۱۷، ۳۱۸). آیه‌ی مورد نظر از این قرار است: «وَ إِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ» (تحریم / ۳)؛ و چون پیامبر با یکی از همسرانش سخنی نهانی گفت، و همین که وی آن را [به زن دیگر] گزارش داد و خدا [پیامبر] را بر آن مطلع گردانید [پیامبر] بخشی از آن را اظهار کرد و از بخشی [دیگر] اعراض نمود. پس چون [مطلب] را به آن [زن] خبر داد، وی گفت: «چه کسی این را به تو خبر داده؟» گفت: «مرا آن دانای آگاه خبر داده است.»

در بعضی از روایات نیز توصیه شده است که همه‌ی اسرار زندگی خصوصی خود را حتی به نزدیک‌ترین دوستان نگویند، چرا که ممکن است روزی دشمن تو شود و به افشای اسرار و ریختن آبرو بپردازد، به عنوان مثال امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «دوستت را نسبت به آن مقدار از اسرار از آگاه ساز،

که اگر دشمنت را از آن آگاه سازی به تو زیانی نرسد، چرا که دوست ممکن است روزی دشمن شود.» (قمی، ۱۴۱۴: ۵/ ۹۱)

بر این اساس زوجین نباید اسرار خصوصی مربوط به زندگی مشترک خود را برای والدین، دوستان و اطرافیان شرح دهند، که فاش شدن این اسرار به خصوص از طریق درد دل کردن با دیگران گاهی باعث دخالت اطرافیان در زندگی آنها می شود و این امر پایه های زندگی شان را متزلزل می سازد.

۳-۱-۵. آشکارسازی معایب همسر

بخش دیگری از اسرار خانواده مربوط به عیوب و نقایص زن و شوهر است. این اسرار باید پوشیده بماند، به ویژه در مورد زن و مرد که باید لباس یکدیگر و به عبارتی پوشاننده ی عیوب هم باشند. در این رابطه، تعالیم اسلام بیان عیوب و نواقص دیگران را به کلی نامناسب می داند، مگر در مواردی که به منظور اصلاح آنها باشد و اصلاح عیب بدون افشای آن ممکن نباشد (سالاری فر، ۱۳۸۷: ۱۰۰، ۱۰۱).

یکی از ویژگی های زن و شوهر که در قرآن به آن توجه شده است، پوشاندن عیوب یکدیگر می باشد، زیرا خداوند زن و مرد را به لباس برای همدیگر تشبیه کرده است: «... هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ...» (بقره/۱۸۷)؛ ... آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید.

در تفسیر این آیه آمده است: یعنی آنها برای شما (سبب) آرامش اند و شما برای آنها آرامشید، همچنان که در آیه ی «وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا»، لباس به معنی آرامش است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۱/ ۱۶۴؛ طوسی، بی تا: ۲/ ۱۳۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۵۰۴). برخی از مفسران بر این باورند که در تشبیه همسر به لباس در این آیه نکات و لطایف بسیاری نهفته است، از جمله: لباس عیوب انسان را می پوشاند، هر یک از زن و مرد نیز باید عیوب و نارسایی های یکدیگر را بپوشانند (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱/ ۲۹۲).

روایات بسیاری نیز عیب جویی را مذمت نموده اند. برای نمونه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «در پی عیب جویی افراد با ایمان نباشید، زیرا کسی که به دنبال عیب جویی آنان باشد، خداوند (نیز) از پی عیب های او برمی آید، و هر کسی که خداوند از پی عیب ها و کاستی های او باشد، رسوایش می کند اگرچه در خانه ی خود پنهان شده باشد.» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۸۱: ۶۱۱)

بنابراین شایسته نیست که زوجین در پی عیب ها و کاستی های یکدیگر باشند و عیب های همسر را نزد دیگران فاش سازند، چرا که این امر سبب رسوایی خود آنهاست.

از دو جهت، آشکارسازی معایب زمینه ی دخالت دیگران را ایجاد می کند؛ به گونه ای که در طول زندگی، هر یک از زن و شوهر به معایب هم پی می برند، اما وقتی متوجه این معایب می شوند، عیب همسر را نزد دیگران فاش می کنند که در این صورت با آشکارسازی معایب ممکن است دخالت هایی از ناحیه ی

دیگران صورت گیرد، که کام زندگی را برای شان تلخ نماید. از سوی دیگر، گاهی زوجین معایب یکدیگر را می‌پوشانند و اسرار یکدیگر را حفظ می‌کنند، اما اطرافیانی که عیوب یکی از همسران را می‌دانند، ممکن است نزد همسری آن عیوب را آشکار سازند که به نظر می‌رسد این موضوع نیز یکی از عوامل دخالت دیگران در زندگی زوجین محسوب می‌شود.

۳-۱-۶. خودخواهی و توقعات بیجای دیگران

جوانی که ازدواج می‌کند، به تدریج با مسائل و مشکلات زندگی آشنا می‌شود، از جمله‌ی این مشکلات، خواهش‌ها و انتظاراتی است که افراد و اقوام از او درخواست می‌کنند: مادر از او انتظار دارد که مثل گذشته با تمام وجود در خدمت او باشد، خواهر از او انتظار دیگری دارد، برادر و پدر هم توقعاتی دارند، از سوی دیگر مادر زن و پدر زن و دیگر بستگان زن نیز از داماد خود تمناها و خواهش‌هایی دارند و بالاتر از همه همسرش که او را به عنوان شریک زندگی انتخاب کرده است. ولی یک جوان کم‌تجربه چگونه باید این همه انتظار و خواهش را برآورد؟ ممکن است یکی برنجد، دیگری گله کند و یکی قهر کند و ... باید با صاحبان تجربه و درایت و ایمان مشورت کند و فهم و بصیرت یابد و سپس با قاطعیت تصمیم گیرد و عمل کند، با تفکر و مشورت، وظیفه‌اش را بفهمد و حق را بشناسد (حسینی، ۱۳۷۵: ۱/۳۲۳، ۳۲۴) و در نتیجه این‌گونه از توقعات بیجای دیگران که ممکن است موجب دخالت در زندگی‌اش شوند، کاهش دهد.

در میان همه‌ی انسان‌ها هیچ کس به اندازه‌ی پدر و مادر، صادق‌تر، امین‌تر، مهربان‌تر، خیرخواه‌تر و دلسوزتر نسبت به فرزندان نیست. اما متأسفانه در بعضی موارد، پدر و مادرانی و بزرگترها و اطرافیانی یافت می‌شوند که: یا از روی ناآگاهی، یا از روی خودخواهی و هوای نفس، یا از روی کج سلیقگی و بهانه‌های خلاف عقل و شرع، اعمال نظرهای غلط و دخالت‌های بیجا می‌کنند و تیشه به ریشه‌ی جوانان می‌زنند و بر سر راه آنان موانع و مشکلاتی به وجود می‌آورند و باعث شکست، بیچارگی و افسردگی، بدبختی و تباهی جوانان می‌شوند (ملک محمودی، ۱۳۸۰: ۹۷).

گاهی توقعات بیجایی که والدین شوهر از عروس و والدین عروس از داماد دارند، موجب می‌شود که بین زن و شوهر بر سر طرفداری و انتخاب یکی از آنها مشاجره و اختلاف به وجود آید، که در حقیقت این اختلافات ریشه در توقعات بیجای اطرافیان دارد.

چه نیک گفته‌اند برخی اندیشمندان که: «حکم عقل و دستور دین و سخن انبیاء و خردمندان جهان این است که مادری که پسرش را داماد کرد، نباید از پسر خویش توقع قبل از دامادی را داشته باشد. مادر باید بداند که پسرش قبل از دامادی وظیفه‌ای داشت و اکنون وظیفه‌ای دیگر دارد. اگر پسر فقط هفته‌ای یک روز به دیدن مادر می‌آید، مادر راضی باشد و گله و شکایت نکند. در همان یک روز هم اگر عروسش را با خود

نیاورده است، به او بگوید: چرا عروسم را نیاورده‌ای؟ حالا که تنها آمده‌ای، برخیز و نزد همسرت برگرد.» (مصطفوی، ۱۳۸۹: ۱۶۹/۲، ۱۷۰)

اطرافیان زوجین باید به این حقیقت توجه داشته باشند که حضرت حق، در مسئله‌ی بسیار مهم اراییه‌ی تکلیف به انسان، دو واقعیت را منظور فرموده است: آنچه را که مقدور انسان نبوده، و از تحمل و طاقتش بیرون بوده به انسان تکلیف ننموده است، ثانیاً تکالیف و مسئولیت‌های شرعی و اخلاقی را با ملاحظه‌ی وسع بر دوش انسان قرار داده است. در سوره‌های بقره آیه‌ی ۲۳۳ و ۲۸۶ و انعام آیه‌ی ۱۵۲، اعراف آیه‌ی ۴۲، مؤمنون آیه‌ی ۶۲ به این حقیقت اشاره فرموده است: «لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...»؛ هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود. و «... لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...»؛ خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. و «... لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...»؛ هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کنیم.

بر این اساس اطرافیان زوجین، باید در مسئله‌ی درخواست‌ها و توقعات‌شان از زوجین، این اخلاق کریمانه را سرمشق و الگوی خود قرار دهند، چرا که پرتوقعی صفتی ناپسند و محصول کبر و غرور، و یک بیماری روحی و روانی و خصیصه‌ای زشت است (انصاریان، ۱۳۸۰: ۲۴۲-۲۴۰).

در کتاب «من لایحضره الفقیه» در شرح حدیثی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «یا علی! خدا لعنت کند پدر و مادری را که فرزند خود را به نافرمانی و بی‌احترامی خود وادارند»، آمده است: «یعنی بر او تکلیف کنند چیزی را که در طاقت او نیست و یا توقعات بیجا که این امر باعث بی‌احترامی فرزند به آنها شود.» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳: ۴/۳۷۲)

به نظر می‌رسد طبق این روایت، والدین نباید از فرزند خویش که تشکیل زندگی داده است و مسئولیت دیگری را به دوش کشیده است، توقعات بیجا داشته باشند، چه بسا به دلیل توقعات بیجای آنها بین زن و شوهر اختلاف ایجاد شود و این توقعات و خودخواهی‌ها عاملی برای دخالت دیگران در زندگی همسران واقع شود.

۳-۱-۷. حسادت

گاهی مداخله در زندگی زنان و شوهران جوان به علت وجود حسادت‌هاست. واقعیت مسئله این است که ما در زندگی روزانه به افرادی برمی‌خوریم که کوتاه‌فکر و تنگ‌نظرند، چشم آن را ندارند که زندگی خوش دو نفر را ببینند و شخصاً راحت و آرام باشند. شرارت‌شان ایجاب می‌کند که بنای زندگی آنان را بلرزاند و آن دو را نسبت به هم بدبین کنند. بدین نظر با القاتی و یا با نقل قول‌هایی آنها را به جان هم می‌اندازند (قائمی، ۱۳۷۰: ۱۳۲).

برخی از اطرافیان، دوستان و دیگران، زندگی شیرین و پرمهر و محبت عروس و دامادی را می‌بینند و حسادت و کینه‌توزی‌شان آشکار می‌شود و به فکر از بین بردن زندگی آنها می‌شوند. مثلاً با دروغ و

سخن چینی و تجسس و غیبت، زوجین را نسبت به هم بدبین می‌کنند و اینجاست که دخالت ناروای خود را در زندگی زن و شوهر نمایان می‌سازند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: خدای تعالی به موسی (علیه السلام) فرمود: «ای پسر عمران به خاطر آنچه از فضل و کرم خود به مردم عطا کرده‌ام به آنها حسد نوز، به آن نعمت‌ها چشم مدوز و دلت دنبال آنها نباشد، زیرا حسود از نعمت‌های من خشمگین است، می‌خواهد از قسمتی که من بین بندگانم انجام داده‌ام جلوگیری کند، و کسی که چنین باشد نه من از او هستم و نه او از من است.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۷۴۸، ۷۴۹). بر این اساس اگر اطرافیان زوجین به این نکته توجه نمایند که حسدورزی نسبت به دیگران و چشم‌دوختن به نعمت‌های آنان، مذمت و نارضایتی خداوند متعال را در پی دارد، هیچ‌گاه با چنین خصلتی سبب دخالت و اختلاف بین زوجین نمی‌شوند.

۳-۱-۸. سخن چینی

گاهی افراد مغرض با حيله و مکر و غرض‌های شخصی به دلیل حسادت و ... وارد زندگی زوجین می‌شوند و خبری برای یکی از زوجین می‌آورند و یا حرف تخریبی علیه همسر می‌زنند. از سوی دیگر ممکن است این افراد خبری علیه زوجین نزد اطرافیان آنها ببرند و در نتیجه موجب بدبینی دیگران نسبت به زوجین شوند، که این امر احتمال دارد زمینه‌ای را برای دخالت در زندگی زوجین فراهم آورد، لذا بدون دلیل و تحقیق کافی نباید سخن چینی کسانی را پذیرفت. چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات / ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک و ارسی کنید، مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید.

همچنین امام صادق (علیه السلام) به منصور فرمود: از کسی که بهشت بر او حرام و جایگاهش آتش است هیچ سخنی را درباره‌ی خویشاوندان و خدمتکاران خانواده‌ات نپذیر، زیرا سخن چینی، دروغگوی آشکار و در ایجاد دشمنی بین مردم شریک شیطان است. چون خداوند متعال فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی خبری برای شما آورد، جستجو نمایید. مبادا از روی نادانی به گروهی آسیب رسانید و سپس بر عمل خود پشیمان شوید.» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۷۶: ۶۱۲، ۶۱۳؛ حر عاملی، ۱۳۸۰: ۲۱۷، ۲۱۸)

بدیهی است که سخن چینی باعث تزلزل در زندگی خانوادگی می‌شود و ممکن است عامل دخالت در زندگی زن و شوهر واقع شود. برای جلوگیری از چنین موقعیتی زوجین باید به اندازه‌ی کافی جستجوی لازم را درباره‌ی فردی که خبری آورده است، انجام دهند.

در مواردی نیز سخن چینی قصد جدایی بین زوجین را دارد. با الهام از متون دینی می‌توان این موضوع را فهمید. به عنوان نمونه: از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «آیا

شما را خیر دهم از بدترین تان؟ گفتند: بلی ای رسول خدا. فرمود: راه‌روندگان برای سخن‌چینی و دوپهم‌زنی، جدایی‌اندازان میان دوستان و طلب‌کنندگان عیب برای پاک‌دامنان.» (حویزی، ۱۴۱۵: ۵/۳۹۳)

بر این اساس کسانی که می‌خواهند به وسیله‌ی سخن‌چینی میان زوجین را بهم بزنند و باعث جدایی آنان شوند، مشمول این روایت قرار می‌گیرند.

۳-۱-۹. سوءظن

برخی تحلیل‌گران در حوزه‌ی آسیب‌های خانواده برآنند که: «سوءظن راهی است برای نفوذ و دخالت افراد فاسق و فرصت‌طلب که با اخبار دروغین، باغ سرسبز زندگی را به آتش می‌کشند و جز خاکستر اندوه‌چیزی باقی نمی‌گذارند.» (شعاع کاظمی، ۱۳۹۲: ۲۴۱)

سوءظن انسان را به تجسس در حال دیگران وامی‌دارد و از طرفی با توجه به فصل گذشته تجسس یک نوع دخالت منفی در زندگی زوجین به شمار می‌رود، بنابراین سوءظن را می‌توان یکی از زمینه‌های دخالت دیگران دانست.

خداوند در قرآن کریم درباره‌ی سوءظن که زمینه‌ی تجسس در زندگی دیگران به شمار می‌آید، فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا...» (حجرات / ۱۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی نکنید ...

در تفسیر المیزان درباره‌ی سوءظن در این آیه آمده است:

مراد از «اجتناب از ظن» اجتناب از خود ظن نیست، چون ظن، خود نوعی ادراک نفسانی است و ناگهان ظنی در دل وارد می‌شود و انسان نمی‌تواند برای نفس و دل خود دری بسازد، تا از ورود سوء ظن جلوگیری کند، پس منظور آیه مورد بحث نهی از پذیرفتن ظن بد، و ترتیب اثر دادن به آن است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸/۳۲۳).

بنابراین دیگران نباید نسبت به زوجین بدبین باشند و در پی آن در زندگی آنها تجسس نمایند، زیرا سوءظن سبب تجسس و دخالت در زندگی زوجین می‌شود که در نتیجه احتمال تأثیرات منفی در زندگی زن و شوهر را خواهد داشت.

۳-۱-۱۰. عدم مسئولیت‌پذیری زوجین

بدیهی است که دختر و پسر وقتی زندگی مشترکی را تشکیل می‌دهند، مسئولیت‌های جدیدی بر عهده‌ی آنها قرار می‌گیرد که اگر هر یک از زوجین مسئولیت‌ها و وظایف خود را به درستی انجام دهند مشاجره و درگیری کمتری در زندگی‌شان رخ می‌دهد، اما اگر زن و شوهر کارها را سرسری بگیرند و نسبت به وظایف

بی تفاوت باشند، در این صورت اطرافیان اعم از والدین و ... به خود اجازه‌ی هر گونه دخالت در امور را می‌دهند.

از نظر اسلام تأمین هزینه‌ی خانواده از جمله مخارج همسر اعم از غذا، لباس و ... به عهده‌ی مرد است. مرد وظیفه دارد کلیه‌ی مخارج همسرش را تأمین کند، گرچه خود زن ثروتمندتر از شوهر باشد. امام محمدباقر(علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «هر که زن دارد، ولی لباس و غذای او را تأمین نمی‌کند، امام وظیفه دارد در میان آنان جدایی افکند.» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳: ۳/ ۴۴۱)

طبق این روایت، با تحلیل مضمونی آن، عدم مسئولیت‌پذیری مرد موجب دخالت دیگران در زندگی زوجین شده است. بنابراین برای زندگی آرام و به دور از دخالت دیگران، زن و شوهر بایستی مسئولیت‌های خود را شناخته و به نحو احسن انجام دهند.

۳-۱-۱۱. صله رحم

صله رحم در حقیقت همان ارتباط با خویشاوندان است. برخی محققان در تعریف آن آورده‌اند: «صله رحم صرفاً به ارتباط خوشایند با اقوام نسبی و سببی اختصاص ندارد، بلکه ارتباط با اولیای الهی، مؤمنان، و هر گروه و یا فردی که به نحوی حق برگردن فرد مؤمن دارد، مصداق صله رحم است.» (غباری بناب و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱۰)

از دیدگاه قرآن صله رحم آن قدر اهمیت دارد که خداوند متعال آن را در ردیف پرستش خویش قرار داده است که نشانه‌ی عظمت این امر است (بیگی، ۱۳۸۹: ۴۲۵). در این مورد خداوند باری تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ...» (بقره/ ۸۳)؛ و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که: جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید ...

زن و شوهر وقتی زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند، خویشان همسر را باید جزء خویشان خود به شمار آورند و وظیفه‌ی اسلامی خویش را درباره‌ی صله رحم به خوبی انجام دهند. لازم به ذکر است این ارتباط نباید جنبه‌ی افراط و تفریط به خود گیرد، چرا که سبب مشکلاتی در زندگی زوجین می‌شود.

یکی از آسیب‌های روابط خانوادگی، دیدارهای غیر ضروری و بدون برنامه است، که گاهی این دیدارها حالت افراط به خود می‌گیرد. طبیعی است که در این حالت، راه نفوذ و دخالت اطرافیان فراهم می‌شود.

در این زمینه امام علی(علیه السلام) در وصیت به فرزند خود امام حسین(علیه السلام) فرمود: «دیدار زیاد ملال آور است.»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴/ ۲۳۷؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۵/ ۱۱۳)

۱. «كَثْرَةُ الزَّيَارَةِ تَوْرَثُ الْمَلَالَةَ»

با تحلیل مضمونی و الهام غیر مستقیم از این حدیث می‌توان به این نکته پی برد که دیدار زیاد و ارتباط‌های بدون برنامه‌ی زوجین با دیگران ممکن است راه ورود به زندگی، و زمینه‌ی دخالت منفی دیگران را در امور فراهم کند که این دخالت مسلماً ملال آور است.

بنابراین اگر روابط زوجین با خانواده و دیگران در حد افراط قرار گیرد و رفت و آمدها زیاد شود، ممکن است وابستگی‌های شدید زوجین به والدین را در پی داشته باشد، که این امر نیز منجر به فاش کردن رازهای خصوصی زندگی از جانب زوجین می‌شود و احتمال دارد زمینه‌ی دخالت اطرافیان را در زندگی زن و شوهر به وجود آورد.

از دیگر آفت‌های احتمالی روابط خویشاوندی، دخالت‌های بی‌مورد و گاه مضر، در زندگی زن و شوهر است که می‌توان آن را از متداول‌ترین آفت‌های روابط خویشاوندی دانست. حمایت اجتماعی و مالی از زوجین نباید موجب دخالت در زندگی و یا تحمیل نظرات به آنها شود، به همین جهت، در کلمات اولیای دین (علیهم السلام) آمده است که: «برترین حالت صله رحم آن است که به خویشان خود آزار نرسانید.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۴۲۳) آزار می‌تواند در ضمن دخالت‌های بی‌مورد نیز بروز کند (سالاری‌فر، ۱۳۸۷: ۷۳).

البته لازم به ذکر است که دید و بازدید خویشاوندان زمینه‌ای را برای حمایت اجتماعی اعم از حمایت مالی و اقتصادی نیز فراهم می‌کند که این مسئله یکی از آثار مثبت روابط خویشاوندی است و در بحث ما جایی ندارد.

۱۲-۱-۳. عدم رشد باورهای دینی و اعتقادات مذهبی

باورهای دینی و اعتقادی همسران در تحکیم خانواده تأثیر اساسی دارد و همچنین بیگانگی و بی‌توجهی آنها به اعتقادات و باورهای مذهبی سبب مشکلات جدی در زندگی خواهد شد (پناهی، ۱۳۹۳: ۲۲۰). خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا ...» (طه/ ۱۲۴)؛ و هرکس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت.

از آنجا که رسانه‌ها به ویژه ماهواره و شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی و ... نوعی دخالت غیر مستقیم در زندگی زوجین قلمداد می‌شوند و از سوی دیگر این رسانه‌ها به خصوص برنامه‌های ماهواره ارزش‌ها و باورهای دینی و به طور کلی سبک زندگی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهند (شریفی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۰۰)، لذا به نظر می‌رسد رشد باورهای دینی و اعتقادات مذهبی هر یک از زن و شوهر نقش مهمی در تأثیرناپذیری از این نوع برنامه‌ها ایفا می‌کند که در این صورت عدم رشد باورهای دینی و اعتقادات مذهبی می‌تواند زمینه‌ای را برای دخالت منفی ماهواره و ... در زندگی زوجین ایجاد کند.

باورها و اعتقادات، نموده‌ها و مصادیقی دارند که همه در طول یکدیگرند، یعنی همه‌ی آنها در جهت رسیدن به خداوند و تقرب الهی هستند. این نموده‌ها عبارتند از: اعتقاد به خداوند، اعتقاد به رسالت و امامت،

اعتقاد به زندگی پس از مرگ، که هر کدام از این نموده‌ها سبب می‌شود که نگرش فرد به همه‌ی هستی و زندگی، هدف‌دار و معنادار باشد و احساس بی‌هدفی و پوچی در زندگی را از بین می‌برد. در نتیجه زندگی زناشویی ثبات بیشتری خواهد داشت (پناهی، ۱۳۹۳: ۲۳۲-۲۲۱).

با توجه به اینکه ارزش‌های مذهبی از جامع‌ترین ارزش‌ها بوده است و عالی‌ترین وحدت و یکپارچگی خویشتن در اخلاق مذهبی یافت می‌شود، فقدان چنین اصل نابی، فرد را به سوی انواع ازهم‌پاشیدگی شخصیت سوق می‌دهد و این ازهم‌پاشیدگی در هنگام رویارویی با جهان مملو از تنوعات نامحدود و همین‌طور در حرکت درونی روان و ذهن انسان نمایان است. در میان وسایل ارتباط جمعی، تنها ماهواره و اینترنت اثر معنی‌داری بر دینداری داشته‌اند. اما نکته‌ی مهم اینجاست که رعایت‌کردن اصول و مبانی تربیت دینی و اسلامی در تربیت فرزندان می‌تواند گامی مؤثر در راه جلوگیری از تأثیر منفی فضاهای مجازی بر روی خانواده‌ها و فرزندان‌شان داشته باشد، چرا که خانواده‌های دیندار بیشتر از خانواده‌های غیر دیندار می‌توانند فرزندان خود را از تأثیر منفی فضاهای مجازی دور نگه دارند و خانواده‌هایی که بر نماز سروق تأکید بیشتری دارند در مقابل می‌توانند محافظت بیشتری از فرزندان خود در مقابل تأثیرات منفی فضاهای مجازی داشته باشند (پاداشیان فرد، ۱۳۹۴).

طبیعی است که این فرزندان، زوجین نسل آینده‌اند که اگر تربیت آنها بر اساس اصول و مبانی دینی و اسلامی صورت نگیرد و باورهای دینی و اعتقادات مذهبی آنها به رشد کافی نرسد، ماهواره و اینترنت و فضاهای مجازی با دخالت منفی خود زندگی آنها را تحت تأثیر قرار داده و بی‌شک زن و شوهر از تأثیرات منفی آنها در امان نخواهند بود.

اسلام به عنوان کامل‌ترین دین آسمانی، در باب آیین همسررداری و شیوه‌ی صحیح رفتار با همسر توصیه‌های فراوانی نموده است و یک فرد مسلمان مکلف به رعایت این امور است. بنابراین، اختلافات موجود بین زن و شوهر، سوءظن‌ها و بدبینی‌های ناشی از دخالت ماهواره، انحرافات و دیدن فیلم‌های مبتذل بیشتر به این علت است که افراد به طور کامل به اعتقادات دینی خود پایبند نبوده و خود را ملزم به رعایت موازین عملی آن نمی‌دانند (فاتحی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۲۶، ۱۲۷).

۳-۱-۱۳. عدم کنترل نگاه‌ها

یکی از نعمت‌هایی که خداوند متعال در وجود انسان به ودیعت نهاده، نعمت چشم است، که این نعمت بایستی مورد استفاده‌ی صحیح قرار گیرد، چرا که اگر چشم به نگاه حرام گرفتار شود، دل را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. حضرت علی (علیه السلام) در روایتی نورانی می‌فرماید: «چشم پیش قراول قلب و دل است.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۱).

نگاه به تصاویر، یا افراد و یا مناظری که سبب تحریک شهوت می‌شود و انسان را به گناه و مسائل جنسی می‌کشاند، در دستورهای دینی، ممنوع و حرام شمرده شده است. این ممنوعیت بدان سبب است که چنین نگاه‌هایی زمینه‌ی گناه را برای انسان فراهم می‌آورد و سبب حسرت، اضطراب روحی و آشفتگی اعصاب می‌شود و انسان را از تعادل خارج می‌سازد (پناهی، ۱۳۹۳: ۱۵۸).

متأسفانه امروزه با وجود عکس‌ها و فیلم‌های مبتذل ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، زمینه‌ی نگاه‌های حرام، فراهم است و در صورتی که هر یک از زوجین نگاه خود را کنترل نکنند، زمینه‌ی دخالت ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در زندگی ایجاد می‌شود و چه بسا عدم کنترل نگاه منجر به اضطراب روحی و فشارهای عصبی زوجین گردد و اینجاست که زندگی‌شان دچار تزلزل می‌شود.

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «نگاه به نامحرم تیری مسموم از تیرهای شیطان است و چه نگاه‌هایی که اندوه طولانی را در پی داشته است.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱ / ۲۸۹؛ بروجردی، ۱۳۸۶: ۲۵ / ۵۹۰)

عدم کنترل نگاه‌ها در هر یک از زوجین می‌تواند زمینه‌ی دخالت منفی را در زندگی مشترک ایجاد نماید، که در نهایت در اثر غم و اندوه ناشی از کنترل‌نکردن نگاه‌ها، زندگی به کام همسران تلخ می‌شود. تأثیر فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل در روح انسان، مثل تأثیر غذای مسموم است در جسم، و همان‌طور که ممنوعیت توزیع غذای مسموم را همگان می‌پذیرند، منع نشر فیلم‌ها و عکس‌های ضلال را نیز باید پذیرفت، اما اینکه مقیاس ضاله بودن چیست؟ باید گفت که، همانند غذای مسموم باید از روی آثارش تشخیص داد. فیلم و عکس‌هایی که نتیجه‌اش بدبینی و دل‌سردی، یا تحریک شهوت و بی‌بندوباری، یا بی‌ایمانی و بی‌اعتنایی به مقررات اخلاقی است، آن فیلم یا عکس ضلال است. از نظر اسلام، انسان از آن نظر که مسئول سعادت خویش و جامعه است، باید در مورد افکاری که می‌خواهد به ذهن خود یا دیگران وارد کند، بسیار مراقب باشد (مطهری، ۱۳۸۲: دفتر اول، ۱۹۵). بر این اساس تأثیر فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل در زندگی زوجین ممکن است باعث بدبینی آنها نسبت به هم یا بی‌ایمانی و بی‌بندوباری هر یک از آنها و سپس سست شدن بنیان خانواده شود.

۳-۱-۱۴. زینت زن برای غیر شوهر

آرایش و خودنمایی زن برای مردان بیگانه، افزون بر حرمت شرعی، برای مصالح خانواده و اجتماع زیان‌بار است. اگر بنا باشد که زنان با خودآرایی در جامعه ظاهر شوند و به جلب نظر و توجه مردان دیگر روی آورند، اولاً زمینه‌ی بی‌عفتی فراهم می‌آید، و ثانیاً هر مردی که از خانه خارج می‌شود، زنان آراسته و جذابی را می‌بیند و دل و دیده‌اش جذب آنان می‌شود. این مجذوب‌شدن به طبع از توجه و علاقه‌ی مرد به همسرش می‌کاهد. هر بار که او زنی آراسته را می‌بیند، ناخودآگاه همسر خویش را در ذهن با او مقایسه می‌کند. از این

رو، یکی از دلایل اصلی تحریم خودآرایی و دلربایی زنان برای مردان بیگانه، پاسداشت عفت و پاکدامنی زنان و مردان و حفاظت از خانواده و روابط همسری است (پناهی، ۱۳۹۳: ۱۶۳، ۱۶۲).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره‌ی جایز نبودن آرایش زنان برای دیگران (نامحرم) می‌فرماید: «همانا بهترین زنان شما زنانی هستند که خود را برای شوهر می‌آرایند؛ اما در برابر غیر او خود را حفظ می‌کنند.» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳: ۳/۳۸۹)

بی‌شک میزان تأثیرپذیری زوجین از ماهواره، رسانه، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی صفر مطلق نخواهد بود، بلکه تأثیراتی را در زندگی آنها بر جای خواهد گذاشت، از جمله: تأثیر در نوع آرایش، نوع پوشش، ترویج مدگرایی و به طور کلی مادی‌گرایی. اگر این ظاهرگرایی‌ها به وجود آید و به دنبال آن زن خود را برای غیر همسرش (نامحرم) زینت دهد، ممکن است ناخودآگاه در زندگی دیگران تأثیر منفی بر جای گذارد و با این عمل باعث دخالت در زندگی طرف مقابل شود؛ به طوری که اگر نامحرمی جذب این زن شود و همسر خویش را با وی مقایسه کند، چه‌بسا از توجه و علاقه به همسرش کاسته شود و در نتیجه زندگی مشترک را به سوی نابودی سوق دهد.

۳-۱۵. چشم‌وهم‌چشمی

در تعریف آن آمده است: «چشم‌وهم‌چشمی به معنای آن است که فرد با مشاهده‌ی زندگی دیگران احساس حقارت کند و در صدد برآید که به هر قیمت، امکاناتی را که دیگران در اختیار دارند، به دست آورد. این پدیده یکی از مهم‌ترین عواملی است که زندگی مشترک را به تنش، سردی و ناسازگاری می‌کشاند.» (حسین‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۷)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر کس زنی داشته‌باشد که با شوهرش سازگار نباشد و بر رزقی که خدای تعالی به او داده است، قناعت نکند و بر او [شوهر] سخت گیرد و او را بر آنچه در توانش نیست، تحمیل کند، خداوند از او [زن] تا هنگامی که چنین است، هیچ کار نیکی را که مانع از حرارت آتش دوزخ است، نمی‌پذیرد و بر او خشمگین خواهد بود.» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۰۶: ۲۸۷)

یکی از مصادیق این روایت را می‌توان موضوع چشم‌وهم‌چشمی در زندگی زوجین دانست، که امری بسیار نکوهیده به شمار می‌آید تا آنجا که خشم خداوند متعال را برمی‌انگیزد.

برخی پژوهشگران در این زمینه می‌گویند: «زندگی تجملی، زندگی چشم‌وهم‌چشمی اقتضایش این است که اختلاف بیندازد. اصلاً طبیعت زندگی چشم‌وهم‌چشمی، نزاع است. این نزاع‌ها بین زن و شوهرها را وقتی بررسی می‌کنیم، می‌بینیم هشتاد درصد آن برمی‌گردد به زندگی تجملی و چشم‌وهم‌چشمی!» (باقری طاقانکی، ناصری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱/۳۰۴)

متأسفانه امروزه خیلی از کارها و رفتارها رقابتی و چشم‌وهم‌چشمی و برای هوای نفس شده است و فقط به خاطر حرف مردم دست به یک سری اعمال پوچ و غیر الهی زده می‌شود، از جمله تهیه‌ی جهیزیه‌های تجملاتی که در توان خانواده‌ها نیست. بعضی از خانواده‌ها، هنگام فرستادن جهیزیه به خانه‌ی داماد، همه‌ی اقوام و آشنایان و همسایه‌ها را خبر می‌کنند و با یک سروصدای خاص آنها را حمل می‌کنند و یا به نمایش می‌گذارند، گویا هدفشان نمایش موزه‌ی لوازم خانگی است. در مقابل این‌گونه افراد اگر کسی نتواند جهیزیه‌ی مناسب را برای فرزندش تهیه کند، احساس شرم و حقارت می‌کند و حتی بین دو خانواده‌ی عروس و داماد بگومگوها شروع می‌شود و آرامش و آسایش و صلح و صفا را از خانه‌ی دو زوج جوان مختل می‌کند و دخالت‌های بیجا نیز از همین جا شروع می‌شود و آثار شوم و سوء آن در روحیه‌ی عروس و داماد، شهید زندگی را در کام آنها تلخ می‌سازد. این چشم‌وهم‌چشمی و رقابت و فخرفروشی و خودنمایی، نه تنها از نظر اخلاقی خطاست، بلکه گناهی بزرگ به حساب می‌آید (ملک محمودی، ۱۳۸۰: ۲۱۷، ۲۱۸).

بنابراین چشم‌وهم‌چشمی از زمینه‌های دخالت دیگران در زندگی زوجین به شمار می‌آید که گاه باعث اختلال در زندگی آنها می‌شود و روند عادی و آرام زندگی را دچار مشکل می‌سازد.

۲-۳. راه‌کارهای جلوگیری از دخالت منفی دیگران با تأکید بر آموزه‌های اسلامی

از آنجا که دخالت منفی در زندگی زوجین، موضوعی است که امروزه بسیاری از خانواده‌ها را درگیر کرده است و از سویی اسلام بر تحکیم بنیان خانواده تأکید فراوانی دارد، لذا برای جلوگیری از دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین راه‌کارهایی با تأکید بر آموزه‌های اسلامی مطرح می‌شود، که این راه‌کارها و سپس بکارگیری آنها در زندگی می‌تواند تا حدودی دخالت دیگران را کاهش دهد.

در این بخش، راه‌کارها بر اساس علل و زمینه‌های دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین تنظیم می‌شوند؛ به نحوی که راه‌کارهای جلوگیری از دخالت منفی متناظر با علل و زمینه‌های دخالت منفی دیگران در زندگی زن و شوهر قرار گرفته است و برای هر علل و یا زمینه‌ی دخالت، راهکاری ارائه می‌شود.

۱-۲-۳. رشد و بلوغ شخصیتی زوجین

بدون تردید در حوزه‌ی زناشویی به عنوان یکی از حوزه‌های حساس تعامل اجتماعی، بلوغ فکری متوازن زوجین می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در درک متقابل، همزیستی مسالمت‌آمیز، انجام وظایف، رعایت حقوق، برخورد واقع‌بینانه با مسائل و حل مشکلات ایفا کند (بستان‌نجفی) و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۸۷).

به نظر می‌رسد هنگام ازدواج علاوه بر رشد جسمی، رشد عقلی و شخصیتی زوجین نیز امری ضروری است. در میان احادیث معصومین (علیهم‌السلام) روایات مستقلی را با این عنوان نیافتیم، در عین حال روایاتی که بیان از ویژگی‌ها و خصوصیات و وظایف زوجین دارند، می‌توانند حکایت از ضرورت کسب رشد عقلی و

شخصیتی و به نوعی آمادگی لازم برای ازدواج و داشتن رشد کافی برای ورود به زندگی مشترک باشند. به عنوان مثال: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: «مرد نگهبان خانواده‌ی خویش است و هر نگهبانی مسئول اهل خانه‌ی خویش است و نیز زن، نگهبان مال شوهرش می‌باشد و نیز او مسئول مال شوهر است.» (ورام، ۱۴۱۰: ۱/ ۶؛ بروجردی، ۱۳۸۶: ۲۵/ ۵۴۶)

طبیعی است که مسئولیت‌پذیری مرد در خانواده و نیز نگهداری مال شوهر توسط زن نشان‌دهنده‌ی رشد هر یک از آنها در زندگی است، که اگر زوجین مسئولیت خود را بشناسند و آن را به درستی انجام دهند، اعتماد اطرافیان را به خود جلب می‌کنند و این امر می‌تواند راه ورود و دخالت دیگران را در زندگی آنان ببندد.

همسران رشدیافته، سازگاری بهتر و بیش‌تری با اطرافیان خویش دارند و در مواردی که مشکلی با دیگران پیدا می‌کنند، این توانایی را دارند که به نحوی سالم، سازنده و مؤثر مشکل را برطرف نمایند، زیرا مهارت لازم در زمینه‌ی ارتباط برقرارکردن با اطرافیان را خواهند داشت. این مهارت در هر یک از زوجین می‌تواند از دخالت دیگران در زندگی‌شان جلوگیری کند و هر قدر همسران توانایی لازم را داشته باشند که مشکلات خود را حل نمایند و دامنه‌ی درگیری‌ها به خانواده‌های‌شان سرایت ننمایند، به نوعی همسرانی موفق‌تر هستند (کاوه، ۱۳۸۷: ۳۹).

۳-۲-۲. مدیریت صحیح

هر یک از زن و شوهر در زندگی مشترک خود برای رسیدن به موفقیت و سعادت به مدیریت صحیح نیازمندند. مرد به حکم آیه‌ی «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» سرپرستی خانواده را به عهده دارد و تأمین هزینه‌ی زندگی نیز به عهده‌ی اوست. بنابراین یکی از وظایف مهم مرد در زندگی مشترک، مدیریت او است، که می‌تواند در ابعاد مختلف مدیریت عاطفی، مدیریت روابط با همسر و والدین و مدیریت زمان و ... در زندگی خانوادگی نمود پیدا کند. بسیار واضح است که اگر مدیریت صحیح در زندگی زوجین انجام گیرد، زن و شوهر از بسیاری از مشکلات در امان خواهند بود.

علت سرپرستی مرد، برتری روحی، عقلی و جسمی او بر زن است، چرا که به جهت قدرت کنترل عواطف، توانایی بیشتری برای مدیریت خانواده دارد؛ گرچه زن نیز از جهت عاطفی بر مرد غلبه دارد و هیچ کدام از این برتری، نشانگر نقص وجودی نیست، بلکه هر یک متناسب با جنسیت خود، توانایی‌های خاص دارند و هماهنگ کردن این توانایی‌ها با مسئولیت‌ها سعادت خانوادگی زن و مرد را تأمین می‌کند (فاخری، منتظری، ۱۳۸۵: ۱۲۳، ۱۲۴).

البته زن نیز متناسب با توانایی‌های خود، همکاری با مرد و مدیریت در کارهای منزل را به عهده دارد که در رأس آن خوب شوهرداری کردن است. امام علی (علیه‌السلام) در این زمینه می‌فرماید: «جهاد زن در نیکو شوهرداری است» (کلینی، ۱۴۲۹: ۹/۳۷۰؛ ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳: ۳/۴۳۹).

گاهی حرف‌های سرزنش‌کننده‌ی اطرافیان که نشان‌دهنده‌ی نوعی دخالت در زندگی زوجین است، زن را متأثر و غمگین می‌سازد. به عنوان نمونه به او می‌گویند: تو نمی‌توانی کارهای منزل را به خوبی انجام دهی و شوهرداری بلد نیستی. در این صورت زن می‌تواند با نیکو شوهرداری کردن که در اسلام تمجید شده است، از دخالت‌هایی که ممکن است پس از این در زندگی‌اش ظاهر شود، جلوگیری کند.

مدیریت مرد در بعد عاطفی می‌تواند نقش بسزایی در رضایت از زندگی داشته باشد. در بخش علل و زمینه‌های دخالت گفته شد که فرد وابسته، مدیریت کارآمدی میان همسر و خانواده‌اش ندارد و به دنبال آن مشکل‌آفرینی‌هایی به صورت مداخله در زندگی همسران ایجاد می‌شود؛ با توجه به این موضوع، وابستگی عاطفی مرد به والدینش موجب ناخوشایندی همسر و خلل در زندگی زناشویی می‌شود که اگر مدیریت صحیحی در روابط عاطفی داشته باشد به گونه‌ای که هم والدین و هم همسرش از مدیریت عاطفی او احساس رضایت کنند، جلوی بسیاری از دخالت‌های دیگران گرفته می‌شود.

یکی دیگر از ابعاد مدیریت، مدیریت زمان است که هر یک از زوجین برای زندگی کارآمد و متعالی به آن نیازمندند. از آنجا که امروزه رسانه‌ها به خصوص ماهواره و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بخشی از زندگی زن و شوهر را به خود مشغول کرده‌اند، زوجین وقت کمتری را برای خود و همسر می‌گذارند که این امر باعث کم‌رنگی ارتباط بین آنها می‌شود. حال برای جلوگیری از دخالت غیر مستقیم و بیجای رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، زوجین بایستی زمان را در زندگی خود تقسیم‌بندی کنند تا ارتباط عاطفی بین شان تضعیف نشود. در کتاب «مکارم الاخلاق» آمده است که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وقت خود را به ۳ قسمت تقسیم می‌کرد: یک قسمت را برای خدای متعال و یک قسمت را برای خانواده و همسر و یک قسمت را برای کارهای شخصی، وقت اختصاصی خود را دو قسمت کرده بود: برای خود و برای مردم (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۳).

بر این اساس پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) قسمتی از وقت خود را به همسرش اختصاص داده بود. طبیعی است وقت گذاشتن برای همسر و گفتگو و ارتباط عاطفی با او بسیاری از مشکلات را جلوگیری و حل خواهد کرد که هر یک از زوجین با الگوگیری از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و مدیریت زمان می‌توانند زندگی سعادت‌مندی را داشته باشند.

۳-۲-۳. استقلال زوجین

با توجه به موضوع مداخله در زندگی همسران، درصد قابل توجهی از بحران‌ها و مشکلاتی که از این بابت در زندگی همسران اتفاق می‌افتد به واسطه‌ی وابستگی عاطفی است که در میان یکی و یا هر دو زوجین و خانواده‌شان ملاحظه می‌شود. در واقع می‌توان موضوع را این‌طور عنوان کرد، فردی توانایی و آمادگی لازم برای ازدواج را دارد که رشد وی از جنبه‌های مختلف کامل شده باشد. یکی از جنبه‌های مهم رشد برای ازدواج و تشکیل زندگی مشترک، فرآیند کامل شدن رشد عاطفی و به دست آوردن استقلال نسبی و به عبارتی جدا شدن عاطفی از والدین و خانواده است (کاوه، ۱۳۸۷: ۸۱).

در واقع یکی از وظایف بسیار مهمی که والدین در تربیت فرزندان برعهده دارند، فرآیند جدا کردن و مستقل نمودن فرزند از بعد عاطفی است. در صورتی که چنین امری تحقق نیابد، زمینه برای وابستگی متقابل فراهم می‌گردد و به دنبال آن مداخله‌ها و اعمال نغوظهایی در زندگی مشترک فرزند ایجاد می‌شود، که احتمال دارد از طرف شریک زندگی چنین فرد وابسته‌ای به دلیل مشکل آفرینی‌هایی که دارد، پذیرفته شده نباشد (کاوه، ۱۳۸۷: ۸۱). بنابراین اگر زوجین استقلال کافی در زندگی داشته باشند، می‌توانند از مداخله‌ها و نفوذ دیگران در زندگی‌شان جلوگیری کنند.

یکی از راه‌های استقلال زوجین از بعد عاطفی، ابراز دوستی نسبت به اولیای دین بیش از خانواده و خویشان است. در زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اولیای دین (علیهم السلام)، این بزرگواران را با جمله‌هایی مانند «پدر و مادرم فدای شما» و «خودم و خانواده‌ام فدای شما» خطاب می‌کنیم و در برقراری روابط عاطفی، ابراز می‌کنیم که آنها را بیش از خانواده و خویشان خود دوست داریم. این عبارتها در واقع تمرینی است تا افراد در عین رعایت حقوق خویشاوندی، به دستوره‌های خدا و اولیای دین (علیهم السلام) نیز هر چه بیشتر پای‌بند باشند (سالاری‌فر، ۱۳۸۷: ۷۴)؛ یعنی وابستگی عاطفی خود را بیشتر به خدا و اولیاء دین (علیهم السلام) ابراز کنند.

در مواردی نیز وابستگی اقتصادی زوجین به خانواده‌های‌شان و یا دیگران می‌تواند زمینه را برای دخالت دیگران فراهم کند که در این صورت استقلال اقتصادی زوجین به عنوان راه‌کاری برای جلوگیری از دخالت دیگران در زندگی‌شان شناخته می‌شود. با الهام از متون دینی می‌توان این موضوع را استنباط کرد. برای نمونه: پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «کسی که برای تأمین هزینه‌ی خانواده‌اش و پدر و مادرش تلاش کند، همانند مجاهد در راه خداست» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۳ / ۵۵).

طبق این حدیث، موضوع استقلال اقتصادی فرد برداشت می‌شود که بدون کمک و نیاز به دیگران، خود هزینه‌ی خانواده را تأمین می‌کند، و این امر مورد ستایش واقع شده است.

یکی از عواملی که به نگهداری حریم خانوادگی لطمه می‌زند و تعادل آن را درهم می‌ریزد، بازگو کردن اسرار و رازهای درون خانواده نزد دیگران است. ضروری است زن و شوهر در جهت دستیابی به تفاهم، اسرار یکدیگر را در خارج از کانون زندگی، نزد دیگران فاش نکنند و آن را امانتی از جانب یکدیگر نزد خودشان تلقی نمایند (شرفی، ۱۳۸۳: ۱۳۷).

همان‌طور که گفته شد، یکی از علل دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین عدم رازداری آنها است که همین مطلب مؤید این است که زن و شوهر برای جلوگیری از دخالت منفی دیگران بایستی اسرار زندگی خصوصی خود را نزد خویش نگه دارند.

قرآن کریم زنانی را که حافظ اسرار شوهران‌شان هستند، تمجید کرده است و می‌فرماید: «...فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...» (نساء / ۳۴)؛ ... پس، زنان درستکار، فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند ...

مردان نیز نباید مسائل مربوط به روابط خصوصی خود را به دیگران انتقال دهند.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در حدیث معروف حولا، درباره‌ی لزوم امانت‌داری زن و حفظ اسرار شوهر و خانواده و آثار آن می‌فرماید: «ای حولا، حق مرد بر زن این است که در خانه‌ی شوهر در زمانی که حضور دارد، به او و مالش خیانت نکند و در حضور و غیبتش، حافظ آبروی او باشد و ... ، اگر چنین کند روز قیامت، به صورت دختری زیبا و نورانی خواهد بود. اگر شوهرش در دنیا مرد مؤمن صالحی بوده است، این زن همسر همان شوهر می‌شود و اگر شوهرش مؤمن نبود، با یکی از شهدا ازدواج می‌کند.» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴/۲۴۴)

با تحلیل مضمونی این روایت می‌توان گفت یکی از علل تحکیم زندگی زن و شوهر که ممکن است به دلیل جلوگیری از دخالت منفی دیگران باشد، رازداری و حفظ اسرار توسط زن است.

بیان حضرت (صلی الله علیه و آله) و گزارش ایشان از وضعیت زندگی اخروی زنان امانت‌داری که در زندگی دنیوی خویش حافظ اسرار شوهر و خانواده‌اند، از ستایش و تجلیل از چنین همسرانی نشان دارد؛ بانوان محترم و بزرگواری که به سبب محبت و علاقه‌ای که به شوهر و زندگی خصوصی خویش دارند، اجازه‌ی کشف اسرارشان را به خود نمی‌دادند. مکتوم‌ماندن بسیاری از مسائل درون خانواده‌ی آن بزرگواران، ناآگاهی افراد و گروه‌ها و گزارش ندادن مورخان از آن نشان می‌دهد که همسران اهل بیت (علیهم السلام) شخصیت‌های امین، با تحمل بالا و بسیار رازدار بوده‌اند و بر حفظ اسرار اهل بیت (علیهم السلام) می‌کوشیدند (طوسی، ۱۳۹۱: ۲۹۵). البته استثنائاتی نیز وجود دارد که همسری از پیامبر (صلی الله علیه و آله) راز ایشان را فاش نمود و در پی آن خداوند در آیه‌ی ۴ سوره تحریم دستور توبه را به دو همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) اعلام کرد: «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ...» (تحریم / ۴)؛ اگر [شما دو زن] به

درگاه خدا توبه کنید [بهتر است]، واقعاً دل‌هایتان انحراف پیدا کرده است و اگر علیه او به یکدیگر کمک کنید، در حقیقت، خدا خود سرپرست اوست ...

گاهی اظهار ویژگی مثبت یکی از اعضای خانواده موجب بروز رفتار یا عواطف نابهنجاری مانند حسد در برخی دیگر می‌شود و از سوی دیگر حسد نیز یکی از علل دخالت منفی در زندگی زوجین است، لذا رازداری در اینجا امری ضروری به نظر می‌رسد، تا از دخالت‌های دیگران جلوگیری شود. قرآن کریم در جریان حضرت یوسف (علیه السلام) و برادرانش به این حقیقت اشاره می‌کند: «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَيَّ إِخْوَتَكَ فَيُكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (یوسف/ ۵)؛ [یعقوب] گفت: «ای پسرک من، خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند، زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است.

بنابراین حفظ اسرار به عنوان راهکاری برای جلوگیری از دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین محسوب می‌شود و وجود این خصوصیت در هر یک از زن و شوهر باعث حل مشکلات خواهد بود. چنان که آمده است: «تجربیات به دست آمده از زندگی دیگران، چنانچه با رازداری ببینند، دانش انسان را در زمینه‌ی روابط انسانی غنی‌تر نموده، همراه با بینش متعهدانه‌ی او، زمینه‌ساز مشکل‌گشایی از زندگی دیگران خواهد بود. فرد به مرحله‌ای ارتقا می‌یابد که نه تنها خود مشکلی ندارد، بلکه مشکل‌زدا نیز خواهد بود.» (شرفی، ۱۳۸۳: ۱۳۹)

۳-۲-۵. پوشاندن عیوب همسر

پوشاندن عیوب یکدیگر در زندگی زوجین به حکم آیه‌ی ۱۸۷ سوره‌ی بقره ضروری است. خداوند می‌فرماید: «... هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...» (بقره/ ۱۸۷)؛ آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید.

در واقع لباس باعث پوشاندن عیوب می‌شود و زن و شوهر نیز طبق این آیه لباس یکدیگرند و باید عیوب همدیگر را بپوشانند، چرا که این امر می‌تواند راه ورود و دخالت منفی دیگران را در زندگی همسران ناهموار سازد.

ارزش عیب پوشی به قدری است که امام صادق (علیه السلام) به مردی که قصد ازدواج داشت، فرمود: «نگاه کن و ببین خود را در چه موضعی قرار می‌دهی و چه کسی را شریک اموات می‌کنی و از دین و راز خود آگاه می‌سازی (یعنی مواظب باش زنی انتخاب کنی که راز نگه‌دار و عیب‌پوش باشد).» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳: ۳/۳۸۶)

درباره‌ی چگونگی پیشگیری از خصلت عیب‌جویی آمده است: «یکی از راه‌های سالم‌ماندن انسان از خصلت خطرناک عیب‌جویی ترک کردن هر گونه جست‌وجوی عیب‌های دیگران و مشغول شدن به اصلاح عیب‌های خویش می‌باشد.» (عیسی‌زاده، ۱۳۹۰: ۷۶) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این زمینه می‌فرماید:

«خوشا به حال آن کسی که عیب خودش، او را از پرداختن به عیوب برادر مؤمنش بازدارد.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۰۴/۱۵)

بنابراین یکی از راهکارهای جلوگیری از دخالت منفی دیگران در زندگی زن و شوهر، پوشاندن عیوب همسر است که اسلام بر وجود این ویژگی در هر یک از زوجین تأکید فراوانی کرده است.

۳-۲-۶. درک متقابل

امام علی (علیه السلام) در وصیت خود به فرزندش محمد حنفیه فرمود: «آنچه را که برای خودت می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند، و آنچه را که برای خویشان نمی‌پسندی برای دیگران نیز مپسند.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۲۹: ۴/۳۸۷؛ حرّعاملی، ۱۳۸۰: ۱۴۹)

با توجه به موضوع این پژوهش که به بررسی دخالت دیگران در زندگی زوجین می‌پردازد، این فرمایش امام علی (علیه السلام) را می‌توان راه‌کاری برای جلوگیری از دخالت منفی دیگران در نظر گرفت؛ به طوری که اگر هر یک از زوجین دخالت منفی اطرافیان را در زندگی‌شان نمی‌پسندند و حس بدی نسبت به آن پیدا می‌کنند، خود نیز نباید این رفتار را نسبت به کسی روا دارند.

گاهی برخی از والدین به دلیل محبت بیش از حد نسبت به فرزند و یا خودخواهی، توقع بیجایی از فرزند متأهل خود دارند که این عامل ممکن است سبب دخالت‌های منفی در زندگی زوجین شود، و آرامش را از زندگی آنها سلب کند اما اگر این والدین کمی با خود بیندیشند که فرزندشان مثل خود آنها نیاز به آرامش و زندگی بی‌دغدغه دارد، هیچ‌گاه با دخالت‌های منفی خود باعث ناآرامی در زندگی وی نمی‌شوند و در حقیقت آنچه را که برای خود می‌پسندند، برای دیگران هم بپسندند، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.

۳-۲-۷. احترام به بستگان همسر

اگر زن و شوهر بخواهند با یکدیگر روابطی حسنه داشته باشند، باید بکوشند تا به بستگان یکدیگر - به ویژه زن به بستگان شوهر مانند پدر، مادر، برادر و خواهران وی - احترام کنند، زیرا این کار در واقع تکریم، احترام و ارج نهادن به یکدیگر است. وقتی شوهر ببیند که همسرش به بستگان او احترام می‌گذارد، به وی ارادت می‌یابد و می‌کوشد تا آن را جبران کند. این کار، افزون بر استحکام خانواده، از حسادت بستگان زن و شوهر و دخالت آنان در زندگی می‌کاهد و در نتیجه فضای خانواده دوستانه و دلربا خواهد شد (پناهی، ۱۳۹۳: ۲۰۸، ۲۰۹).

زوجین باید بدانند که علاوه بر احترام و نیکی به پدر و مادر خویش، حفظ احترام به پدر و مادر همسر و نیکی به آنان، از وظایف شایسته‌ی هر یک از آنها است. چنان‌که شوهر دارای سه گونه پدر و مادر

است، زن نیز دارای سه نوع پدر و مادر است. در حدیثی آمده است: «پدران سه گونه‌اند: پدر اصلی (همان پدری که تو را تربیت کرد)، پدر تعلیمی (معلم) و پدر همسر.» (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۲/۲۵۷)

بر این اساس زن و شوهر می‌توانند با احترام به بستگان خود و بستگان همسر، احساس خوشایندی در اطرافیان ایجاد کنند، در نتیجه با این رفتار، دیگران کمتر به فکر دخالت منفی در زندگی زوجین خواهند بود. شایسته است که احترام، نه تنها به بزرگ‌ترها بلکه به کوچک‌ترها و همسالان نیز صورت گیرد. امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «در معاشرت، کسی که بزرگ‌تر از توست، مانند پدر به او احترام کن و کوچک‌تر از خودت را مانند فرزندت قرار بده و همسال خودت را به منزله‌ی برادرت قرار بده.» (منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم (علیه السلام)، ۱۴۰۰: ۴۲)

۳-۲-۸. عدم هم‌نشینی با سخن‌چین

یکی از راهکارهای جلوگیری از دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین، هم‌نشینی نشدن هر یک از زوجین با فرد سخن‌چین است که این امر در اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است، به طوری که هم‌نشینی با فرد سخن‌چین نهی شده است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «پدرم مرا نهی کرد از اینکه با حسادت‌کننده‌ی بر نعمت و شماتت‌کننده‌ی در گرفتاری و فرد سخن‌چین هم‌نشینی کنم.» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴: ۳۷۶) با الهام غیر مستقیم از این روایت می‌توان عدم معاشرت زوجین با سخن‌چین را به عنوان راهکاری برای جلوگیری از دخالت منفی دیگران دانست.

گاهی نیز سخن‌چین وارد زندگی زن و شوهر می‌شود و قصد جدایی آنها را دارد که در این صورت زوجین به حکم آیه‌ی ۶ سوره‌ی حجرات، باید راجع به خبری که شخصی آورده است، تحقیق و بررسی کنند تا از نیت شوم فرد سخن‌چین در امان بمانند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا...» (حجرات / ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واریسی کنید ...

۳-۲-۹. خوش‌بینی

زن و شوهر در طول زندگی مشترک خود با رفتارهایی مواجه می‌شوند، و آن رفتارها را به صورت مثبت یا منفی تفسیر می‌کنند که نتایج آن خیلی متفاوت خواهد بود. به این ترتیب فرد خوش‌بین در برابرخویش انبوهی از رفتارهای مثبت یا معمولی را می‌بیند که اگر تقویتی در روابط خانوادگی او ایجاد نکند، دست کم آسیبی به روابط خانوادگی او وارد نمی‌سازد. اما فرد بدبین، انبوهی از رفتارهای منفی را از دیگران درک و دریافت می‌کند که مجموع آنها تحمل زندگی مشترک را برای او مشکل می‌سازد (نوری، ۱۳۸۸: ۸۴).

خوش‌بین‌ها از رفتار دیگران تفسیر مثبت و بدبین‌ها تفسیر منفی دارند. هر یک از زوجین اگر نسبت به رفتارهای دیگران که گاه به اشتباه دخالت منفی از آن برداشت می‌شود، خوش‌بین باشند، زندگی خوشایندی

خواهند داشت. چنان‌که امام علی (علیه السلام) درباره‌ی نقش خوش‌بینی در خوشایند شدن زندگی می‌فرماید: «کسی که گمان او نیکو باشد، قصد و نیتش نیکو است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۹۲) و «کسی که نیتش نیکو است، ... زندگانی او خوش است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۹۲) در کنار هم نهادن این دو حدیث، نشان می‌دهد که حسن‌ظن (خوش‌بینی) همراه با نیت نیکو است که در نتیجه باعث خوشایندی زندگی می‌شود. بدیهی است که فرد خوش‌بین بر روی عیب‌ها و کاستی‌های همسر متمرکز نمی‌شود و نزد هر کس از عیب‌ها و اسرار همسرش شکایت نمی‌کند، تا زمینه را برای دخالت دیگران در زندگی‌اش فراهم نکند و به این ترتیب با عیب‌پوشی و حفظ اسرار همسر، از دخالت منفی دیگران جلوگیری می‌کند. خوش‌بینی از طریق جلب محبت نیز می‌تواند باعث تحکیم خانواده شود. فرد خوش‌بین به وسیله‌ی جلب محبت دیگران حتی کسانی که قصد دخالت منفی در زندگی وی دارند، سبب جلوگیری از دخالت‌های بیجا در زندگی‌اش می‌شود. بنابراین هر کس خوش‌بین باشد، محبت دیگران را به سوی خود جلب می‌کند (نوری، ۱۳۸۸: ۸۵). امام علی (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «هر کس نسبت به مردم گمان نیک داشته باشد، محبت آنان را جلب می‌کند.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۳)

نتیجه‌ی پژوهش مقاله‌ای، بر این نکته تأکید دارد که خوش‌بینی، در دو حوزه‌ی روان‌شناسی و اسلام، بر عواملی تأکید دارد که تأمین‌کننده‌ی امنیت در خانواده است. برخی از این عوامل عبارتند از: ایمان و معنویت، تفسیر مثبت رفتار افراد خانواده، سلامت روانی اعضای خانواده، صبر در برابر تنش‌های موجود و مقابله‌ی مؤثر با آن‌ها، و ریشه‌کن کردن علل بدبینی (شریفی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۰). با خوش‌بینی می‌توان امنیت خانواده را فراهم کرد.

۳-۲-۱۰. تقویت اعتماد به نفس

یکی از عوامل مهم تقویت روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری، اعتماد به نفس است. افرادی که دارای چنین روحیه‌ای هستند، در توانایی خود برای انجام مسئولیت شک و تردید ندارند و همواره از مسئولیت‌ها استقبال می‌کنند و موفقیت خود را در گرو ایفای مسئولیت می‌دانند. برعکس، کسانی که فاقد اعتماد به نفس هستند، از قبول مسئولیت طفره می‌روند، زیرا در توانایی خود در انجام مسئولیت، دچار شک و تردید هستند و قبول مسئولیت را با شکست، مساوی می‌دانند؛ بدین جهت از پذیرفتن مسئولیت، شانه خالی کرده، از آن دوری می‌کنند (فاخری، منتظری، ۱۳۸۵: ۶۴).

چنین افرادی با انجام کارهایی که در توان آنهاست و کسب موفقیت در آن، می‌توانند روحیه‌ی اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری را در خود تقویت کنند. زوجین با مسئولیت‌پذیری و در پی آن تقویت اعتماد به نفس، استقلال خود را نمایان می‌سازند که این امر می‌تواند راه ورود و دخالت منفی دیگران را در زندگی‌شان ببندد و در تحکیم زندگی آنها کمک بسزایی کند.

در حقیقت وابستگی هر یک از زوجین از نشانه‌های عدم رشد و استقلال آنها است که با توجه به بحث علل و زمینه‌های دخالت دیگران، این مسئله به عنوان یکی از همان علل و زمینه‌ها به شمار می‌رود، و در نتیجه فردی که اعتماد به نفس را در خود تقویت کرده است، مسئولیت‌پذیر و مستقل است که در این صورت با استقلال خود، از دخالت‌های مضر دیگران در زندگی‌اش جلوگیری می‌کند.

۳-۲-۱۱. رعایت حدود صله رحم

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، یکی از زمینه‌های دخالت دیگران در زندگی زوجین، صله رحم است، که با وجود تأکید بسیاری که آموزه‌های اسلام در زمینه‌ی صله رحم دارند، ضروری است برای جلوگیری از دخالت منفی دیگران در زندگی همسران، حدود و نحوه‌ی صله رحم مشخص شود تا از آسیب‌های احتمالی آن در زندگی به دور ماند.

درباره‌ی حدود صله رحم گفته شده است: «براساس روایات، حدود صله رحم وسیع و گسترده است و در همه‌ی حالات باید رعایت شود، حتی در موردی که خویشان قطع رحم کنند یا گناه‌کار و منحرف باشند و تنها موردی که صله رحم استثناء شده است، آن است که صله رحم موجب انحراف از راه حق گشته و زمینه‌ی انحراف را فراهم کند.» (بیگی، ۱۳۸۹: ۴۲۰) در روایتی آمده است که: مردی به محضر پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: همه‌ی خویشان با من قطع رابطه کرده، به من ناسزا می‌گویند. آیا برای من رواست که مقابله به مثل کرده و قطع رابطه کنم؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «کسی که از تو برید، پیوند دوباره برقرار کن. به هر که محرومیت کرد، عطا کن. از آنکه بر تو ستم کرد، بگذر. هرگاه چنین کردی، خدا تو را بر آنان یاری کند.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۳۸۶)

بنابراین زوجین باید صله رحم را تکلیف خود بدانند و با والدین و خویشان و ... ارتباط برقرار کنند. اما اختلاف از جایی آغاز می‌شود که یکی از اقوام، با طعنه‌ها و دخالت‌های بیجای خود، صدمات جدی را به زندگی زناشویی آنها وارد می‌کند و حتی گاهی منجر به فروپاشی کانون خانواده می‌شود. حال نحوه‌ی صله رحم را باید به گونه‌ای تنظیم کرد که چنین مشکلاتی در زندگی همسران به وجود نیاید.

متأسفانه برخی از زوجین در روابط اجتماعی خویش با اطرافیان به خصوص والدین مدیریت کافی ندارند؛ به گونه‌ای که رفت و آمدها در حد افراط قرار می‌گیرد، که این امر مشکلاتی را در زندگی مشترک به وجود خواهد آورد. در پی این رفت و آمدهای زیاد، وابستگی‌ها و توقعات بیجا و اظهار نظرهایی ایجاد می‌شود و کم‌کم راه نفوذ و دخالت دیگران در زندگی زوجین هموار می‌گردد و زمینه‌ی اختلافات میان همسران را فراهم می‌آورد.

اگر این رفت و آمدها حالت افراطی به خود گیرد، ملال آور می‌شود. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «دیدار زیاد، ملال آور است.»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴/۲۳۷؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۱۱۳/۵)

با توجه به این حدیث، دیدارها نباید جنبه‌ی افراطی به خود گیرد که در غیر این صورت ملال آور خواهد بود و تعدیل در روابط با خویشان می‌تواند راهکاری برای جلوگیری از دخالت منفی آنها در زندگی همسران تلقی شود.

۱۲-۲-۳. ارتباط عفیفانه در شبکه‌های سایبری

یکی از آموزه‌های فقهی و اخلاقی اسلام در حوزه‌ی ارتباطات انسانی، عفاف است که توجه به دستورهای مختلف آن موجب سبک زندگی اسلامی می‌شود. عفاف، ملکه‌ای است که موجب خویشتن‌داری فرد از ارتکاب گناه می‌شود. این خویشتن‌داری به خصوص در مصرف رسانه‌هایی که از تنوع و تکرار برخوردارند، نمود می‌یابد، زیرا با توجه به فراگیری و تنوع رسانه‌ای در عصر حاضر، اختیار فرد در انتخاب رسانه و برنامه‌ی رسانه‌ای دلخواه افزایش یافته و براساس خواسته‌ها، تمایل‌ها و نیازهای خود دست به انتخاب می‌زند. بنابراین با پرورش عفیفانه، تمایل فرد جهت‌دهی می‌شود و مصرف رسانه‌ای او سبب رشد برنامه‌ها و رسانه‌هایی که با اهداف اسلامی سازگارند، می‌شود (شرف‌الدین و دیگران، ۱۳۹۳: ۸).

وقتی مسلمانی در ارتباطات درون فردی خود به عفاف درونی دست یافت، یعنی فکر او پیرامون گناه مشغول نشد، و چشم، گوش و کلام خود را کنترل کرد، به راحتی می‌تواند به رفتار عفیفانه در رابطه با دیگران دست یابد (شرف‌الدین و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲). بر این اساس زوجینی که عفت را پیشه‌ی خود سازند، گوش، چشم و کلام خویش را در ارتباطات خود با رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی کنترل می‌کنند و به این ترتیب از دخالت‌های منفی رسانه‌ها در زندگی‌شان جلوگیری می‌نمایند.

در عصر حاضر که ارتباط با شبکه‌های اجتماعی بیشتر شده است، زمینه‌ی زشتی‌ها و نگاه‌های آلوده و رفتارهای غیر اسلامی فراهم است. زوجین با رعایت اخلاق اسلامی و عفت می‌توانند از زشتی‌های این ارتباطات که در واقع نوعی دخالت منفی و غیر مستقیم در زندگی آنها است، در امان بمانند. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اساس عقل، عفاف بوده و ثمره‌ی آن دوری از زشتی است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵/۷)

۱۳-۲-۳. تقوا

مصدر لغوی و ریشه‌ی این کلمه‌ی معنوی، «وقی» است که به معنای خودنگه‌داری، و پروا پیشگی، و حفظ تمام موجودیت خویش در برابر محرّمات و نواهی الهیه است. عبادت و حرکت و عملی که به‌وجودآورنده‌ی

^۱. «كَثْرَةُ الزَّيَارَةِ تَوْرَثُ الْمَلَالَةَ»

تقوا نباشد، عبادت نیست. در حقیقت اگر فرد انسان‌ها دارای روح تقوا باشند، خانواده‌ای سالم، و جامعه‌ای برین خواهیم داشت، خانواده‌ای که در محیط آن امنیت درونی و برونی حکم فرماست، و زمینه‌ی رشد و تکامل افراد آن به خاطر تقوا به بهترین صورت فراهم است، و در نتیجه جامعه‌ای خواهیم داشت که کلیه‌ی افراد آن نسبت به یکدیگر منبع خیر، و همگان از شرّ و ضرر یکدیگر در امان خواهند بود (انصاریان، ۱۳۸۰: ۴۷، ۴۸)

روشن است که وقتی زن و شوهر در زندگی تقوا داشته باشند، از بسیاری از گناهان که ممکن است زندگی آنها را نابود سازد، به دور می‌مانند. خصوصاً امروزه با وجود رسانه‌ها، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی که زمینه‌ی گناه را فراهم می‌سازند، رعایت تقوا امری ضروری به نظر می‌رسد و تقوا را می‌توان راهکاری برای جلوگیری از دخالت‌های منفی برنامه‌های ماهواره‌ای و به طور کلی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در زندگی زوجین نام برد.

تقوا سدی محکم در برابر بی‌عفتی و آلودگی به گناه است. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «بندگان خدا، بدانید که تقوا حصار بلند و نفوذ ناپذیر است؛ اما گناهان خانه‌ای در حال فرو ریختن و خوارکننده است که از ساکنانش دفاع نخواهد کرد و کسی که به آن پناه برد در امان نیست. آگاه باشید که با پرهیزکاری ریشه‌های گناهان بریده می‌شود.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۹/۲۰۹).

یکی از اموری که مربوط به تقوا است، کنترل نگاه‌ها است. نگاه به تصاویر، فیلم‌ها یا افراد و مناظری که سبب تحریک شهوت می‌شود و انسان را به گناه و مسائل جنسی می‌کشاند، در اسلام حرام و ممنوع شده است؛ زیرا این نگاه‌ها زمینه‌ی گناهان را فراهم می‌سازد و انسان را دچار اضطراب روحی و آشفتگی اعصاب می‌کند (پناهی، ۱۳۹۳: ۱۵۸). حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «چشم‌پوشیدن از نگاه حرام و آلوده، سبب منصرف شدن از شهوت‌هاست.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۱۷) چشم‌پوشی از نگاه حرام می‌تواند انسان را از گناهانی که ممکن است در پی آن به وجود آید، نجات دهد.

۳-۲-۱۴. صمیمیت و ابراز محبت به همسر

زوج‌ها باید با کلام و با احساس، با یکدیگر ارتباط برقرار سازند تا صمیمیت و صفا در بین آنها حاکم شود. وقتی زن و شوهر احساس خود را با همدیگر در میان می‌گذارند، به تدریج با هم دوست می‌شوند. این عنصر دوستی را اغلب زوج‌هایی که با یکدیگر روابط حسنه دارند به زبان می‌آورند و دوست خوب بودن مستلزم در میان گذاشتن نقطه‌نظرها، فعالیت‌ها و احساسات، بدون داشتن احساس مالکیت و داوری است (حسینی، ۱۳۸۲: ۳۳). بنابراین زوجین لازم است برای استحکام روابط زناشویی خود، به همسر خویش ابراز محبت کنند.

پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمود: «سخن مرد به همسرش که می گوید: من دوستت دارم، هرگز از قلبش نمی رود.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱/۳۱۶)

چه بسا به سبب ابراز محبت و صمیمیتی که بین زوجین وجود دارد، افرادی که قصد دخالت بیجا در زندگی آنها را دارند، نتوانند به هدفشان برسند، زیرا گاهی برخی افراد از روابط کم‌رنگ میان زوجین سوء استفاده نموده و دخالت خود را آغاز می‌کنند. زن و شوهر با ابراز محبت به یکدیگر و آشکارکردن صمیمیتشان در حقیقت اجازه‌ی ورود و دخالت در زندگی خصوصی خود را به دیگران نمی‌دهند و در نتیجه این امر ممکن است از دخالت‌های منفی اطرافیان در زندگی زوجین کاهش دهد.

۱۵-۲-۳. درمان چشم‌وهم‌چشمی

پیش از این چشم‌وهم‌چشمی به عنوان یکی از علل و زمینه‌های دخالت در زندگی زوجین شناخته شد. حال برای جلوگیری از دخالت منفی دیگران، درمان چشم‌وهم‌چشمی امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد. یکی از راهکارهای پیشگیری و درمان چشم‌وهم‌چشمی، توجه به افرادی است که زندگی آنها از نظر ثروت و نعمت، پایین‌تر است. از نظر اسلام برای در امان ماندن از این آفت، زن و شوهر باید به زندگی افراد پایین‌تر از خود چشم‌دوزند و به دیدار آنها بروند. این رفتار علاوه بر پیشگیری از چشم‌وهم‌چشمی، روحیه‌ی والای شکر و رضایت از زندگی را در میان آنان ایجاد و تقویت می‌کند (حسین‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۹). طبیعی است که پرورش و تقویت روحیه‌ی شکر و رضایت‌مندی باعث می‌شود تا زوجین زندگی خود را با دیگران مقایسه نکنند و اگر هم اطرافیان بخواهند با تجمل‌گرایی و خودنمایی‌ها در زندگی آنها نوعی دخالت اعمال کنند، با این خصلت پسندیده از دخالت آنها جلوگیری نمایند.

امام علی(علیه السلام) در نامه‌ای به حارث همدانی می‌فرماید: «به کسانی که بر آنان برتری داری، بسیار نظر کن، که این امر باعث شکرگزاری است.» (نهج البلاغه، نامه ۶۹)

همچنین در کلامی دیگر امام صادق(علیه السلام) می‌فرماید: «به کسی که در قدرت و ثروت پایین‌تر از توست، نگاه کن، و به کسی که در قدرت و ثروت بالاتر از توست، نگاه نکن، که این امر تو را به آنچه برایت قسمت شده است، قانع می‌سازد.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۵/۵۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۹/۴۲)

بنابراین زوجین با درمان چشم‌وهم‌چشمی می‌توانند زندگی راحت و آرامی داشته باشند، که در آن شکر و رضایت و قناعت حکم فرما است.

جمع‌بندی فصل

با توجه به اهمیت موضوع دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین که امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل طلاق شناخته شده است، علل و زمینه‌های دخالت منفی، سپس راه‌کارهای جلوگیری از این نوع دخالت‌ها با تکیه بر آموزه‌های اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. با جستجو و کنکاش در این موضوع، برخی از علل و زمینه‌های دخالت منفی در زندگی زوجین یافت شده است، که عبارتند از: عدم رشد و بلوغ شخصیتی زوجین، سوء مدیریت زوجین، وابستگی، عدم رازداری زوجین، آشکارسازی معایب همسر، خود خواهی و توقعات بیجای دیگران، حسادت و ... با شناخت هر یک از این علل و زمینه‌ها، زوجین می‌توانند با آگاهی بیشتری زندگی مشترک را مدیریت کنند و با ریشه‌یابی آنها در جهت بهبود زندگی گام بردارند. اما مسئله‌ی مهمی که در این موضوع به آن پرداخته می‌شود، راه‌کارهای جلوگیری از دخالت‌های دیگران در زندگی زوجین با تأکید بر آموزه‌های اسلامی است، که این راه‌کارها با توجه به علل و زمینه‌های دخالت، یافت شده‌اند. به عنوان نمونه حفظ اسرار، استقلال زوجین، پوشاندن عیوب همسر، احترام به خانواده‌ی همسر، رعایت حدود صله رحم، خوش‌بینی و ... می‌توانند از راه‌کارهای جلوگیری از دخالت قلمداد شوند. مثلاً در بحث حفظ اسرار باید گفت، که برخی از زوجین اسرار و رازهای درون خانواده را نزد دیگران بازگو می‌کنند و این‌گونه راه را برای دخالت دیگران هموار می‌سازند. یکی از راه‌کارهایی که اسلام برای پیشگیری از چنین رخدادی ارایه نموده است، حفظ اسرار توسط همسران است، که این راه‌کار می‌تواند حریم خصوصی زندگی زوجین را حفظ کرده و از دخالت‌های بیجا در زندگی‌شان جلوگیری نماید. بنابراین به نظر می‌رسد زوجین با عمل به این راه‌کارها زندگی خود را در برابر دخالت‌ها بیمه می‌کنند.

فصل چهارم: آثار دخالت‌های دیگران در زندگی زوجین و راه‌کارهای قرآن و حدیث برای مواجهه با

اثرات منفی دخالت

بدیهی است که دخالت‌های دیگران اعم از دخالت مثبت و منفی در زندگی زوجین اثراتی را بر جای می‌گذارند، و شناخت آثار مربوط به دخالت‌های مثبت و منفی دیگران در زندگی مشترک، زن و شوهر را در نحوه‌ی مدیریت دخالت‌های اطرافیان یاری می‌رساند، که این موضوع می‌تواند از آسیب‌های احتمالی دخالت منفی در زندگی زوجین کاهش دهد و در نتیجه زمینه‌ی تحکیم خانواده را فراهم سازد. اینک در این بخش آثار دخالت‌های مثبت، منفی و مستقیم، غیر مستقیم در زندگی زوجین مورد بررسی قرار می‌گیرند، که این آثار به ترتیب بر اساس انواع دخالت‌هایی که در فصل دوم آمده است، تنظیم می‌شوند. در ادامه به بررسی راه‌کارهای قرآنی و روایی برای مواجهه با اثرات منفی دخالت پرداخته می‌شود، که اهتمام زوجین به هر کدام از این راه‌کارها می‌تواند آنها را در مقابله با دخالت‌ها کمک نماید. این آثار و راه‌کارها با مطالعه‌ی کتاب‌ها، مقاله‌های مربوطه و همچنین ردیابی در آیات و روایات یافت می‌شوند.

۴-۱. آثار دخالت‌های دیگران در زندگی زوجین

این آثار را می‌توان به آثار دخالت‌های مثبت، آثار دخالت‌های منفی و آثار دخالت‌های مستقیم و آثار دخالت‌های غیر مستقیم تقسیم نمود.

۴-۱-۱. آثار دخالت‌های مثبت

بی‌شک دخالت‌های مثبت دیگران در زندگی زوجین اثرات سودمندی را برای همسران باقی می‌گذارد، که هر کدام از این آثار با توجه به آموزه‌های اسلامی سبب تحکیم زندگی زن و شوهر می‌شود. برخی از این آثار عبارتند از:

۴-۱-۱-۱. تحکیم بنیان خانواده در اثر وساطت در ازدواج

پیش از این گفته شد که یکی از انواع دخالت مثبت در زندگی زوجین، وساطت در ازدواج است، این واسطه‌گری خصوصاً در مواردی که والدین در ازدواج دختر و پسر نقش بسزایی دارند، سبب جلب رضایت

آنها می‌شود و این امر میزان دخالت‌های منفی در زندگی زوجین را کاهش داده و در نتیجه تأثیر فراوانی در تحکیم بنیان خانواده دارد.

پژوهشگری در مقاله‌ی خود با عنوان «راه‌کارهای تحکیم خانواده در قرآن و حدیث»، در این باره می‌گوید: «با توجه به آیه‌ی: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور/ ۳۲)؛ بی‌همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر تنگ دستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست. توصیه‌ی دینی به اینکه «بی‌همسران خود را همسر دهید»، الهام بخش این مطلب است که الگوی ازدواج ترتیب یافته که در آن، والدین و خویشاوندان، نقش پررنگی در ازدواج جوانان به عهده دارند، در مقایسه با الگوی همسرگزینی آزاد به وسیله‌ی خود دختر و پسر، تأثیر بیشتری در استحکام خانواده دارد.» (بستان (نجفی)، ۱۳۹۱: ۶۲)

بنابراین تأکید اسلام بر وساطت در ازدواج نشان از اهمیت آن در تحکیم خانواده است.

در تفسیر میزان درباره‌ی آیه‌ی مذکور آمده است: «واژه‌ی «انکاح» به معنای تزویج است، و کلمه‌ی «الایامی» جمع «ایم» با فتحه همزه و کسره و تشدید یاء و آن به معنی پسر مجرد و دختر مجرد است و گاهی به دختر مجرد آیمه گفته می‌شود، و مراد از «صالحین»، شایستگی برای ازدواج است، نه شایستگی در اعمال.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵/۱۱۲، ۱۱۳)

در پژوهش دیگری گفته شده است: «تصویب و تأیید ازدواج فرزندان توسط پدر و مادر، باعث می‌شود دخالت در زندگی فرزندان کاهش یابد و سازگاری بیشتری حاصل شود، لذا در ازدواج‌های سنتی که والدین نقش اصلی را در تصمیم‌گیری برای ازدواج فرزندان خود داشتند، نارضایتی والدین و دخالت آنها در زندگی فرزندان کمتر بوده، به ویژه در ازدواج‌های فامیلی چون عروس با پدر و مادر و سایر بستگان داماد خویشاوندی دارد، حرمت خویشاوندی بسیار حفظ می‌شود و بین عروس و داماد و خانواده‌های آنها نوعی روابط عاطفی محکم و دلسوزانه‌ای در قبال یکدیگر شکل می‌گیرد که مانع از جدایی عروس و داماد از خانواده‌ی پدری داماد می‌شود (رضایی فر، ۱۳۷۸: ۱۳)، و این موضوع، تحکیم زندگی زوجین را افزایش می‌دهد.

در اسلام وساطت در ازدواج به قدری اهمیت دارد که درباره‌ی پاداش آن، امام صادق(علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که فرد مجردی را ازدواج دهد، از کسانی است که خداوند در روز قیامت به او نگاه می‌کند (نظر رحمت می‌افکند).» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰/۵۸۹؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۷/۴۰۴، ۴۰۵)

همچنین امام موسی بن جعفر(علیه السلام) فرمود: «سه نفراند که در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه‌ی خدا نیست، در سایه‌ی عرش الهی قرار دارند: مردی که برادر مسلمانش را زن دهد یا به او خدمت کند یا رازش را کتمان کند.» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۶۲: ۱/۱۴۱؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۴۶)

۴-۱-۱-۲. آثار مشورت

مشورت دادن به زوجین یک نوع دخالت مثبت در زندگی آنها محسوب می‌شود که آثار ارزشمندی را به همراه دارد. برخی از این آثار عبارتند از:

۴-۱-۱-۲-۱. بهره‌مندی از عقل دیگران

بدیهی است که گاهی زن و شوهر در مسائل مربوط به زندگی مشترک به مشورت دیگران اعم از والدین، دوستان و اطرافیان نیازمندند که اگر مشورت‌ها از افراد عاقل صورت گیرد، زوجین در افکار و عقل آنها سهیم می‌شوند و در نتیجه در تصمیم‌گیری نهایی درست عمل می‌کنند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که مستبد به رأی شد، به هلاکت رسید و کسی که با بزرگان مشورت کرد، در عقل‌های‌شان شریک شد.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱)

همچنین مشورت با افراد عاقل انسان را از خطا و پشیمانی مصون می‌دارد. چنان‌که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «با صاحبان عقل مشورت کن تا از لغزش و پشیمانی ایمن بمانی.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۱۳؛ لیبی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۹۸) در احادیث دیگری نیز موضوع بهره‌مندی از عقل در هنگام مشورت، قابل برداشت است از جمله:

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که با صاحبان عقل مشورت کند، به نور عقل‌ها روشنی می‌یابد.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۲۷) و «کسی که با صاحبان عقل و خردمندان مشورت کند، به پیروزی و راه درست دست‌یاری می‌شود.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۲۸)

۴-۱-۱-۲-۲. بهره‌مندی از علم و تجربه‌ی دیگران

زوجین در طول زندگی خصوصاً اوایل ازدواج، به دلیل کم‌تجربگی از بزرگان خود طلب مشورت می‌کنند، که با این عمل، می‌توانند از علم و تجربه‌ی اطرافیان‌شان استفاده مفید نمایند و بدین ترتیب به علم و تجربه خویش بیفزایند. واضح است که بهره‌ی لازم از مشورت با دیگران در صورتی محقق خواهد شد که با صاحبان عقل، علم و تجربه مشورت شود. چنان‌که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «بهترین کسی که با او مشورت می‌کنی، صاحبان عقل و علم و صاحبان تجربه‌ها و دوراندیشی است.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۵۶)

در حقیقت زوجین با مشورت می‌توانند علم جدیدی را از دیگران به دست آورند و در نهایت بهترین راه را انتخاب کنند و به هدف و مقصود خود برسند. امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «در کارها مشورت با مؤمنین کردن، موجب تحصیل علم است و عاقل کسی است که به وسیله مشورت با مؤمنین، علم جدیدی تحصیل کند و از آن علم راه به مقصود و مراد خود ببرد و بداند که آنچه از مشورت حاصل شده، محض صدق است و از اغوای شیطان دور است.» (عاملی (شهید ثانی)، ۱۳۷۷: ۳۵۰، ۳۵۱)

۴-۱-۱-۲-۳. پیشرفت و موفقیت

یکی از آثار مهمی که با مشورت کردن، در زندگی همسران به وجود می‌آید، پیشرفت و موفقیت است و اینجاست که دخالت مثبت دیگران در قالب مشورت دادن نقش پررنگی را در زندگی زوجین ایفا می‌کند و سبب تحکیم زندگی آنها می‌شود. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مشورت با فرد عاقل اندرزگو باعث پیشرفت و برکت و موفقیت از جانب خدا می‌شود.» (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۶۰۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲/۴۲)

حدیث دیگری نیز برکت و خوشبختی را از آثار مشورت می‌داند. امام جواد (علیه السلام) درباره‌ی این موضوع می‌فرماید: «مشورت باعث برکت و خوشبختی است.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۲۰۵؛ حرّ عاملی، ۱۳۸۰: ۴۶)

بنابراین زوجین به وسیله‌ی مشورت با اطرفیان، بهره‌های لازم و مفیدی را کسب می‌کنند که این امر خوشبختی آنها را رقم می‌زند.

۴-۱-۱-۳. آثار امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فریضه‌ی دینی آثار فراوانی را در بعد فردی و اجتماعی دارد. یکی از این آثار در زندگی زوجین، می‌تواند اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی هر یک از زن و شوهر قلمداد شود، که اصلاح رفتارها و عمل به معروف و اجتناب از منکر در محیط خانواده سبب پرورش خصلت‌های شایسته در همسران می‌شود و در این صورت بسیاری از مسائل و مشکلات مربوط به زندگی مشترک حل خواهد شد و از دغدغه‌های ایجاد شده در زندگی کاسته می‌شود.

برخی بر این باورند: «آنچه سبب رفع آسایش و سلب امنیت می‌گردد «منکر» است و آنچه به تحقق امنیت منتهی می‌شود «معروف» است. در نهی از منکر از عوامل مخل امنیت نهی می‌شود و در امر به معروف به عوامل ایجاد امنیت امر می‌شود.» (اکبری، بی تا: ۴۶)

در واقع ایجاد امنیت را می‌توان یکی از مهم‌ترین آثار امر به معروف و نهی از منکر دانست، که پیدایش این اثر در زندگی زوجین باعث خیر و نیکی است.

پیامبر (صلی الله و علیه و آله) می‌فرماید: «تا زمانی که مردم به معروف امر کنند و از منکر نهی کنند و بر نیکی و تقوا همکاری ورزند، در خیر و نیکی اند. اما زمانی که این عمل را انجام ندهند، برکت‌ها از میان آنان می‌رود و بعضی از آنها بر بعضی دیگر مسلط می‌شوند و برای آنها هیچ یآوری در زمین و آسمان نیست.» (طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۱۸۱) به نظر می‌رسد با توجه به این روایت عدم توجه به امر به معروف و نهی از منکر باعث بروز ناامنی و عدم سلامت فردی و اجتماعی می‌شود، از جمله تسلط ستمگران که موجب ناامنی می‌گردد. در این زمان توقع هر گونه آسایش و امنیت در زندگی کاری عبث است.

۴-۱-۱-۴. صلح و آشتی

در فصل دوم، موضوع میانجی‌گری در اختلافات زوجین در صورت بیم از دشمنی و جدایی آنها به عنوان یک نوع دخالت مثبت در زندگی زوجین به حکم آیه ۳۵ سوره نساء، شناخته شد. با تأمل در این آیه می‌توان ثمره‌ی داوری میان زوجین را که می‌تواند صلح و آشتی باشد، استنباط کرد و این صلح و الفت با اراده و مشیت خداوند ممکن است. در تفسیر این آیه آمده است: «اگر دو حاکم بخواهند، که اصلاح کنند خداوند بین آن دو حاکم موافقت حاصل می‌کند تا به آنچه که در آن صلاح است، حکم کنند»، که این قول از ابن عباس و سعید بن جبیر و السدی است، و برخی گفته‌اند: اگر دو حاکم اصلاح بین زوجین را بخواهند، خداوند بین زوجین موافقت و سازگاری ایجاد می‌کند یا بین آن دو الفت برقرار می‌سازد و آنچه بین آن دو از دشمنی و اختلاف است، برطرف می‌کند.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/ ۷۰) در هر صورت اگر داوران با اخلاص و نیت اصلاح بین زن و شوهر، به داوری اقدام کنند، با توفیق خداوند صلح و آشتی را در میان همسران برقرار می‌سازند.

از زراره نقل شده است که امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: «خداوند رحمت کند فردی را که بین دو تن از دوستان ما الفت اندازد و آنها را صلح دهد، ای گروه مؤمنین! الفت بگیرید و مهرورزی کنید.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۴/ ۵۷)

از این روایت می‌توان نکات ذیل را برداشت کرد:

- ۱- یکی از آثار میانجی‌گری در بین دو نفر یا زوجین، ایجاد الفت و صلح میان آنهاست.
 - ۲- فردی که عامل صلح میان دو نفر یا زوجین باشد، مورد رحمت خداوند و مورد ستایش ائمه‌ی معصومین (علیه السلام) قرار می‌گیرد.
- بنابراین از آثار میانجی‌گری که یک نوع دخالت مثبت در زندگی زوجین به شمار می‌رود، می‌توان به صلح و آشتی در میان همسران اشاره کرد، که این اثر نقش دیگران در تحکیم زندگی زوجین را به خوبی روشن می‌کند.

۴-۱-۲. آثار دخالت‌های منفی

دخالت‌های منفی و یا ناپسند دیگران اثرات منفی در زندگی زوجین برجای می‌گذارند، که با توجه به مذمت این نوع دخالت‌ها در آموزه‌های اسلامی، آثار مربوط به آنها باعث اختلال در زندگی همسران و گاهی فروپاشی زندگی آنها می‌شود. برخی از این آثار عبارتند از:

۴-۱-۲-۱. ازدواج تحمیلی و اختلالات روحی ناشی از آن

ازدواج تحمیلی در عصر حاضر و گذشته به عنوان جدی‌ترین موضوع و آسیب در بحث تشکیل خانواده مطرح است؛ به گونه‌ای که این آسیب موجب اختلافات بسیاری در میان زوجین و چه بسا جدایی آنها

می‌شود و در جوامع گوناگون مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است. بی‌شک این مسئله پایه‌های زندگی زوجین را متزلزل کرده و در پی آن اختلالات جسمی و روحی فراوانی را در هر یک از اعضای خانواده ایجاد می‌کند.

امروزه یکی از معضلات اجتماعی، ازدواج‌های اجباری و ناخواسته است که حق مشروع و گزینش همسر را از دختران سلب می‌نماید، و باید آثار منفی آن را بر روابط خانوادگی به عنوان یک آسیب جدی در نظر گرفت. ازدواجی که بر پایه‌ی عشق، اخلاق، محبت و درک متقابل شکل گیرد تا بتواند جوانه‌های خوشبختی را به همراه آورد، اکراه و اجبار در همسرگزینی این پیوند را به صورت یک کابوس وحشتناک در می‌آورد و زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان را با آسیب‌های جدی مواجه می‌سازد (ضمیری، ۱۳۸۵: ۵۳).

از جمله آسیب‌های ازدواج تحمیلی، می‌توان به بحث اختلالات روحی اشاره کرد. از آنجا که مهم‌ترین عامل تحکیم روابط زوجین، الفت و سازگاری است، به دلیل عدم سازگاری و فقدان الفت در ازدواج‌های اجباری، اختلالات روحی زن و شوهر شدت گرفته و زندگی فردی و اجتماعی آنها را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در آموزه‌های دینی نیز در امر ازدواج به سازگاری روحی دختر و پسر توجه شده است که منشاء اختلالات روحی - روانی همان ناسازگاری‌ها است. برخی از صاحب‌نظران دینی درباره‌ی عدم پایداری ازدواج‌های تحمیلی و ناسازگاری روحی به روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) استناد کرده‌اند که حضرت می‌فرماید: «روح‌ها سپاه‌یانی هستند، فراهم آمده، که هر کدام از آنها با هم، آشنایی [و سازگاری] داشته باشند، با هم الفت می‌گیرند و هر کدام از آنها که با هم ناآشنا باشند، با هم اختلاف پیدا می‌کنند.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷: ۴۵۴؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲ / ۴۹۲) بر این اساس احتمال پایداری در ازدواج‌های تحمیلی کم است.

۴-۱-۲-۲. سوء ظن

از جمله آفت‌های زندگی مشترک زن و شوهر، سوء ظن نسبت به یکدیگر است، که محبت و صمیمیت و همکاری را در میان زوجین از بین می‌برد و زندگی آنها را مختل می‌سازد. یکی از عواملی که موجب ایجاد سوء ظن در بین همسران می‌شود، دخالت منفی دیگران در زندگی آنهاست و سوء ظن نیز خود اثرات منفی را در زندگی زوجین باقی می‌گذارد و در نهایت اختلافات بین همسران را افزایش می‌دهد، به همین سبب خداوند متعال در قرآن کریم به مؤمنان توصیه می‌کند که از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ...» (حجرات / ۱۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی نکنید ...

درباره‌ی سوء ظن، به عنوان یکی از آثار دخالت دیگران، گفته شده است: «گاهی دخالت‌ها و حسادت‌های بیجا از سوی اطرافیان و خبرها و تحلیل‌های دروغین آنها، در ایجاد حس بدبینی و سوء ظن همسران کاملاً مؤثرند. در واقع افرادی که در زندگی مشترک دیگران دخالت می‌کنند، مانند دوستان شیطان هستند که پذیرش آنها در زندگی مشترک، باعث بروز بسیاری از مشکلات می‌شود، چنان‌که قرآن کریم فرموده است» (شعاع کاظمی، ۱۳۹۲: ۲۳۸، ۲۳۹): «... وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَكُوفُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ» (انعام / ۱۲۱)؛ و در حقیقت، شیطان‌ها به دوستان خود وسوسه می‌کنند تا با شما ستیزه نمایند، و اگر اطاعت‌شان کنید قطعاً شما هم مشرکید.

بدگمانی در زندگی زوجین آثاری دارد که از جمله باعث می‌شود امنیت روحی از اعضای خانواده رخت بربندد، فضای روحانی و مقدس خانواده آلوده گردد و احساس آرامش که انتظار است از کنار یکدیگر بودن حاصل شود، به احساس اضطراب تغییر یابد. برای حفاظت از این امنیت، باید از تمام توان استفاده کرد تا بدگمانی پیش نیاید و اگر پیش آمد، به سرعت از بین برود (حسین زاده، ۱۳۸۸: ۸۱).

از اثرات دیگر سوء ظن می‌توان به تباهی دین و دنیا اشاره کرد، از جمله در روایتی که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «سه چیز است که هر کس آن را بکار ببرد، دین و دنیایش تباه می‌شود: کسی که سوء ظن دارد و ...» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴: ۳۱۹)

بنابراین لازم است هر یک از زوجین برای آرامش در زندگی دنیوی و اخروی، خصلت سوء ظن را عملی نسازند، چرا که با عملی کردن سوء ظن، آرامش واقعی را در زندگی دنیوی خویش سلب کرده و به دنبال آن گناهی را مرتکب خواهند شد، که دین‌شان را تباه می‌سازد. برخی از این گناهان با توجه به آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی حجرات، تجسس و غیبت می‌تواند باشد که در این آیه بعد از سوء ظن به این خصلت‌های زشت اشاره شده است.

۴-۱-۲-۳. جدایی زوجین در اثر سحر و جادو

یکی از موضوعاتی که در آموزه‌های اسلامی مورد مذمت شدید قرار گرفته است، جدایی زن و شوهر به وسیله‌ی سحر و جادو است که این امر از جانب خداوند باری تعالی نهی شده است و این عمل گناه محسوب می‌شود، چنان‌که در بخش انواع دخالت منفی به این موضوع به طور مفصل پرداخته شد.

طبرسی در تفسیر آیه‌ی ۱۰۲ بقره آورده است: «در عبارت «مَا يُفْرَقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ» چند وجه است: ۱- قتاده گوید: آنان بین مرد و همسرش مودت و گاهی بغض ایجاد می‌کردند که باعث جدایی می‌شد. ۲- یکی از زن و شوهر را گمراه می‌کردند و به کفر و شرک وادار می‌نمودند و در نتیجه به دلیل اختلاف در دین از دیگری که با ایمان و بر دینش پایدار است جدا می‌شد. ۳- آنان میان زوجین سخن‌چینی کرده تا اینکه بین آن دو جدایی و اختلاف ایجاد شود.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۳۴۰) و ضرری را متوجه دیگری نمی‌کردند، مگر به اذن خداوند.

به نظر می‌رسد با توجه به اقوالی که طبرسی در تفسیرش آورده است، در همه این اقوال، جدایی زن و شوهر به چشم می‌خورد، که این نشان می‌دهد، سحر و جادو به هر صورت و روشی که باشد در نهایت می‌تواند سبب جدایی زوجین شود. لازم به ذکر است که رساندن ضرر به زوجین به وسیله‌ی سحر و جادو ممکن نیست، مگر به اجازه‌ی خداوند.

۴-۱-۳. آثار دخالت‌های مستقیم

با توجه به تعریف دخالت‌های مستقیم که در فصل دوم توضیح داده شد، به نظر می‌رسد دخالت‌های مثبت و منفی، نوعی دخالت مستقیم محسوب می‌شوند که آثار دخالت‌های مثبت و منفی توضیح داده شد. لذا آثار دخالت‌هایی که در قبل گفته شد، همان آثار دخالت‌های مستقیم است که نیاز به تکرار آنها نیست.

۴-۱-۴. آثار دخالت‌های غیر مستقیم

با نظر به انواع دخالت‌های غیر مستقیم از جمله آثار آنها در زندگی زوجین عبارتند از:

۴-۱-۴-۱. اشاعه و ترویج فحشا

برخی رسانه‌ها به ویژه ماهواره با تأثیراتی که در زندگی زوجین برجای می‌گذارند، تغییراتی در سبک زندگی آنها ایجاد می‌کنند، و به دلیل عدم تطابق برخی از این شبکه‌ها با فرهنگ اسلامی و فقدان آموزش‌های لازم در استفاده از این شبکه‌ها آسیب‌هایی متوجه زوجین می‌شود که از جمله‌ی آن می‌توان به عادی‌سازی گناه و در نتیجه اشاعه و ترویج فحشا اشاره کرد.

برخی از پژوهشگران درباره‌ی نکوهش اشاعه و ترویج فحشا به این آیه استناد کرده‌اند: «إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور/ ۱۹)؛ کسانی که دوست دارند که زشت‌کاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند، شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود، و خدا [ست که] می‌داند و شما نمی‌دانید.

بدون‌شک، رسانه‌هایی که به پخش فیلم‌های مبتذل اقدام می‌کنند، مصداق بارز اشاعه و ترویج فحشا به شمار می‌آیند (بستان (نجفی)، ۱۳۹۱: ۶۸)، که خداوند در برابر این عمل عذاب سختی را در دنیا و آخرت، وعده داده است و البته کسی که دوست داشته باشد تا عمل زشتی در میان مؤمنان شیوع پیدا کند نیز دچار این عذاب می‌شود، چنان که علامه در تفسیر المیزان می‌نویسد: «دوست داشتن اینکه فحشاء و قذف در میان مؤمنین شیوع پیدا کند خود مستوجب عذاب الیم در دنیا و آخرت برای دوست‌دارنده است، و عبارت «وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» تأکید و بزرگ‌داشت عملی است که موجب سخط و غضب خدا است، هر چند مردم از بزرگی آن بی‌خبر باشند» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹۳/۱۵)

بنابراین اشاعه و ترویج فحشا عملی است که ممکن است موجب اختلاف و فروپاشی زندگی زوجین شود، و پخش فیلم‌ها و عکس‌های مستهجن در برخی از شبکه‌ها هر چند به ظاهر از نظر بعضی‌ها گناه

کوچکی شمرده می‌شود، اما باید گفت با توجه به تفسیر مذکور آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی نور، عملی بزرگ است که سبب غضب و عذاب الهی می‌شود، چرا که یکی از آثار آن را می‌توان متزلزل کردن پایه‌های خانواده، دانست.

۴-۱-۴. تجمل‌گرایی

در تعریف تجمل‌گرایی آمده است: «تجمل‌گرایی یک نوع علاقه‌ی افراطی به زینت‌کردن و استفاده از وسایل زینتی است، آنچه در تعریف تجمل‌گرایی مهم است همین علاقه‌ی افراطی است و گرنه استفاده‌ی متعارف و حد نیاز، نکوهیده نیست.» (افردیر، رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۰۵)

تجمل‌گرایی می‌تواند به عنوان یک فرهنگ متأثر از رسانه‌ها، اطرافیان، خویشاوندان و دوستان زندگی زوجین را تحت تأثیر قرار دهد و مخلّ روابط بین زن و شوهر شود؛ به این صورت که برخی از زوجین با تقلید کورکورانه از دیگران و فراهم کردن لوزم غیر ضروری و لوکس که در توان اقتصادی‌شان نبوده است، زمینه‌ی اختلافات شدیدی را ایجاد می‌کنند و صدمات جبران‌ناپذیری را در زندگی وارد می‌سازند. مثلاً پخش سریال‌ها در قالب دکورهای تجملاتی و مبلمان‌های گران‌قیمت و لباس‌های جذاب زمینه‌ساز فرهنگ تجمل‌گرایی در خانواده است. عواملی مانند به‌رخ‌کشیدن دارایی‌ها و چشم‌وهم‌چشمی ممکن است هر یک از زوجین را به سمت تجمل‌گرایی بکشاند و در نتیجه چیزی را که در توان همسر نیست به وی تحمیل کند. روایاتی درباره‌ی این موضوع و مذمت آن مشاهده می‌شود، از جمله حدیثی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «هر کس زنی داشته باشد که با شوهرش سازگار نباشد و بر رزقی که خدای تعالی به او داده است، قناعت نکند و بر او [شوهر] سخت گیرد و او را بر آنچه در توانش نیست، تحمیل کند تا هنگامی که چنین است، خداوند از او [زن] هیچ کار نیکی را که مانع از حرارت آتش دوزخ است، نمی‌پذیرد و بر او خشمگین خواهد بود.» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۰۶: ۲۸۷)

به نظر می‌رسد یکی از آفت‌های روابط خویشاوندی، تجمل‌گرایی است، که رفت و آمدها و خودنمایی‌های برخی از خویشان سبب تأثیر و پرورش روحیه‌ی تجمل‌گرایی در بعضی از زوجین خواهد بود. توجه به توصیه‌های اسلام در دوری از تجمل‌گرایی می‌تواند تا حدی این آفت را کاهش دهد، که برای نمونه خداوند متعال در آیه‌ای از قرآن می‌فرماید (سالاری فر، ۱۳۸۷: ۷۴): «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَتَاعٌ الْغُرُورِ» (حدید / ۲۰)؛ بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است. [مثل آنها] چون مثل بارانی است که کشاورزان را رُستنی آن [باران] به شگفتی اندازد، سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی، آن‌گاه خاشاک شود، و در آخرت [دنیا پرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خوشنودی است، و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

بنابراین تجمل‌گرایی در زندگی زوجین، که یکی از آثار دخالت دیگران اعم از رسانه‌ها، خویشاوندان و ... است، می‌تواند در زندگی دنیوی و اخروی هر یک از زن و شوهر تأثیرگذار باشد و افراد لازم است به این نکته توجه داشته باشند که زرق و برق‌های دنیوی بدون توجه به زندگی اخروی و غفلت از یاد خدا، آسایش و راحتی آنان را فراهم نمی‌سازد.

۴-۲. راه‌کارهای قرآن و حدیث برای مواجهه با اثرات منفی دخالت

امروزه موضوع دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین معضلی جدی است؛ به طوری که طبق آمارهای موجود، یکی از مهم‌ترین عوامل گرایش به طلاق شمرده شده است و مسئله‌ای است که تحکیم خانواده را تهدید می‌کند، از سوی دیگر اسلام در امر تحکیم خانواده تأکید بسیاری دارد و توصیه‌های فراوانی را در جهت رشد خانواده ارائه کرده است، حال با توجه به اهمیت زندگی زن و شوهر و تحکیم روابط آنها، راه‌کارهایی برای مواجهه با اثرات منفی دخالت دیگران با تکیه بر آموزه‌های اسلام ارائه می‌شود. چه بسا توجه هسران به این راه‌کارها در هنگام مواجهه با دخالت، از درگیری‌ها و اختلافات به وجود آمده کاهش دهد و آرامش را به زندگی‌شان برگرداند. برخی از این راه‌کارها عبارتند از:

۴-۲-۱. درمان سوء ظن

یکی از آثار دخالت‌های منفی دیگران در زندگی زوجین، سوء ظن است؛ به طوری که گاهی اطرافیان زن و شوهر به دلیل حسادت، کینه‌توزی و ... یا قصد و نیت سوء در زندگی زوجین دخالت می‌کنند و با زمزمه‌ها و حرف‌های‌شان موجب بدبینی زوجین نسبت به یکدیگر می‌شوند. در اینجا است که زن و شوهر برای بهبود روابط خود و مقاومت در برابر دخالت‌های بیجای دیگران، بهتر است از قضاوت‌های زود هنگام پرهیز کنند، و چیزی را که به آن علم ندارند، پیروی نکنند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء / ۳۶)؛ و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

این آیه می‌تواند راهکاری برای زوجین در مقابل سوء ظن باشد که طبق آن و با تحلیل مضمونی، زوجین نسبت به شنیده‌هایی که درباره‌ی همسرشان شنیده‌اند، مسئولند و نباید بدون علم، مطلبی را بپذیرند. درباره‌ی این آیه در تفسیر مجمع‌البیان آمده است: «اصل عبارت «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» این است که این آیه نسبت به هر گفتار و یا رفتار یا تصمیمی که بدون علم باشد، عمومیت دارد. مثل این است که چنین می‌گوید: جز آنچه را که علم به درستی آن داری نگو و جز آنچه را که به درستی آن یقین داری، انجام نده و جز آنچه را که به درستی آن اطمینان داری، معتقد مباش.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۶۴۱) و این موضوع در زندگی زوجین نیز صدق می‌کند.

همچنین در این زمینه امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کار برادر دینی خود را به بهترین حالت قرار بده تا اینکه دلیلی برای تو آید که تو را مغلوب کند و راه توجیه را ببندد و به هیچ سخنی که از برادرت برآید، بدگمان نباش تا محمل خوبی برای آن بیایی.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۴/۹۴)

با توجه به این روایت می‌توان چنین برداشت کرد که بدون دلیل و توجیه قطعی نباید عمل و سخن دیگران را به گمان بد تفسیر کنیم. این امر نیز می‌تواند به عنوان راهکاری برای درمان سوء ظن در زندگی زوجین نمودار باشد که به تبع آن زن و شوهر لازم است نسبت به هر گونه رفتارها و گفتارهای دیگران گمان بد نکنند.

یکی از اندیشمندان دینی درباره‌ی درمان سوءظن چنین گفته است: «برای برطرف شدن سوءظن، قبل از هر چیز باید به اصلاح خودمان پردازیم تا اگر دیگران را با خودمان مقایسه می‌کنیم، این مقایسه سرچشمه حکم به فساد و بدی آنها نگردد، و نیز در مدتی که به اصلاح خود مشغولیم، همواره این نکته را به یاد خود بیاوریم که ما نباید دیگران را همچون خود فرض کنیم، چه بسا آنها روحیاتی به مراتب عالی‌تر و بهتر از ما داشته باشند، ما باید توجه داشته باشیم که قیاس به خود که شاید یکی از شئون «حب ذات» بشر است، هیچ‌گونه پایه‌ی منطقی و علمی ندارد لذا نباید پایه‌ی قضاوت ما درباره‌ی اشخاص واقع شود.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۴۹) بنابراین زوجین برای از بین بردن خصمت سوء ظن به این نکته توجه داشته باشند که اصلاح رفتاری، بیش از هر چیز دیگری در تحکیم روابط آنها اهمیت دارد.

۴-۲-۲. راه کارهای بطلان سحر و جادو

همان‌گونه که درباره‌ی جدایی زوجین به عنوان یکی از آثار سحر و جادو توضیح داده شد، اینک راه کارهای بطلان سحر و جادو مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته به نظر می‌رسد، زوجین در مواجهه با این مسئله بهتر است برای تحکیم بیشتر زندگی‌شان تأثیر سحر و جادو را در وجود خود تلقین نکنند و قدرت و اراده‌ی خداوند را برتر و بالاتر از همه‌ی قدرت‌ها بدانند، چرا که طبق آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی بقره که قبلاً به طور مفصل توضیح داده شد، سحر و جادو جز به اذن خداوند، امکان‌پذیر نیست. با توجه به بررسی تفاسیر مختلف قرآن کریم و کتاب‌های مربوطه، اقوالی برای بطلان سحر و جادو وجود دارد که به شرح ذیل است:

۱- طبرسی در شأن نزول سوره‌ی فلق می‌گوید: «مفسرین اهل سنت گفته‌اند: «لبید بن اعصم یهودی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را سحر کرد. آن‌گاه آن را در چاه بنی‌زریق انداخت. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مریض شد. آن حضرت در بین آنکه خوابیده بود دو فرشته نزد او آمدند، یکی از آنها نزد سر آن حضرت نشست و دیگری در پیش پای آن حضرت، سپس به آن حضرت خبر دادند که آن در چاه ذروان است. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بیدار شد و حضرت علی (علیه السلام) و زبیر و عمار را فرستاد، پس آب چاه را کشیدند و آن سنگ را بلند کردند و آن بسته را بیرون آوردند. سپس دو سوره (ناس و فلق) نازل شد، پس

هر آیه‌ای که می‌خواند یکی از این گره‌ها باز می‌شد و پیغمبر(صلی الله علیه و آله) در خود احساس سبکی و عافیت می‌کرد، سپس چون دو سوره تمام شد همه‌ی گره‌ها باز، و پیغمبر(صلی الله علیه و آله) عافیت کامل پیدا نمود.» اهل سنت این را از عایشه و ابن عباس روایت کرده‌اند، و این درست نیست برای اینکه کسی که توصیف شود به اینکه سحر و جادو شده، مثل آن است که عقلش زایل شده و دیوانه گشته است و مسلماً خدا این را امتناع دارد. ...» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۸۶۵)

۲- سیوطی در «الدرالمنثور» درباره‌ی نزول «معوذتین»^۱ بعد از بیمارشدن پیامبر(صلی الله علیه و آله) بر اثر سحر یک فرد یهودی، آورده است که عبد بن حمید، از زید بن اسلم روایت کرده است که گفت: «مردی یهودی، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را جادو کرد، و در نتیجه آن حضرت بیمار شد. جبرئیل بر او نازل شده، دو سوره‌ی معوذتین را آورد و گفت: مردی یهودی تو را سحر کرده و سحر مذکور در فلان چاه است، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) علی(علیه السلام) را فرستاد آن سحر را آوردند، دستور داد گره‌های آن را باز نموده، برای هر گره یک آیه بخواند، علی(علیه السلام) هر گره‌ی را که باز می‌کرد، یک آیه می‌خواند، به محضی که گره‌ها باز و این دو سوره تمام شد، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) برخاست، گویا پای‌بندی از پایش باز شده باشد.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۴۱۷)

۳- علامه طباطبایی در تفسیر آیه‌ی «وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ» می‌نویسد: «یعنی از شرّ زنان جادوگر، که در عقده‌ها و گره‌ها علیه مسحور می‌دمند، و به این وسیله مسحور را جادو می‌کنند، و اگر از میان جادوگران، خصوص زنان را نام برد، برای این بود که سحر و جادوگری در بین زنان بیشتر است تا مردان، و از این آیه استفاده می‌شود که قرآن کریم تأثیر سحر را فی‌الجمله تصدیق دارد.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/۳۹۳)

بر اساس این اقوال که درباره‌ی معوذتین گفته شده است، می‌توان به تأثیر معوذتین در بطلان سحر و جادو پی‌برد، هر چند روایاتی که در شأن نزول آن آمده است، صحّت نداشته باشد. اهمیت این مطلب در تفسیر علامه خصوصاً در آیه‌ی مذکور سوره‌ی فلق نمایان است، چرا که به لزوم پناه‌بردن به خدا از شرّ جادوگران اشاره کرده است. بنابراین زوجین با مداومت ذکر معوذتین می‌توانند در برابر تأثیر سحر و جادو مصون بمانند.

۴- در احادیث قدسی دعایی جهت بطلان سحر و جادو یافت می‌شود که خداوند به پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: ای محمد، سحر و جادو در میان مردم از قدیم هست، این سحر و جادو نمی‌تواند به چیزی و به کسی ضرر برساند، مگر با اجازه‌ی من، پس هر کس می‌خواهد از شرّ اینها در امن و امان باشد بگوید: «اللَّهُمَّ رَبِّ مُوسَى وَ خَاصَّةِ بَكْلَامِهِ وَ هَازِمَ مَنْ كَادَهُ بِسِحْرِهِ بَعْصَاهُ وَ مُعِيدَهَا بَعْدَ الْعُودِ نُعْبَانًا وَ مُلَقِّفَهَا إِنْكَ أَهْلَ الْإِفْكِ وَ مُفْسِدَ عَمَلِ السَّاحِرِينَ وَ مُبْطِلَ كَيْدِ أَهْلِ الْفَسَادِ مَنْ كَادَنِي بِسِحْرٍ أَوْ بَصْرٍ أَعْلَمُهُ أَوْ لَا أَعْلَمُهُ أَوْ أَخَافُهُ فَاقْطَعْ مِنْ أَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ

۱. سوره فلق و ناس را گویند.

عَلَّمَهُ حَتَّى تُرْجِعَهُ عَنِّي غَيْرَ نَافِلٍ وَ لَا ضَارٍّ وَ لَا شَامِتٍ، إِنِّي أَدْرَأُ بِعَظَمَتِكَ فِي نُحُورِ الْأَعْدَاءِ فَكُنْ لِي مِنْهُمْ مُدَافِعًا أَحْسَنَ مُدَافِعَةٍ وَ أَتْمَهَا يَا كَرِيمِ.» (حرّ عاملی، ۱۳۸۰: ۳۵۳؛ کفعمی، ۱۴۰۵: ۲۲۸، ۲۲۹)

ای خداوند موسی که او را مخصوص به تکلم با خود کرد و کسانی را که می‌خواستند برای او سحر کنند با عصایش مغلوب نمود و آن عصا را که ازدها شده بود دوباره عصا کرد و همه‌ی اهل افترا و بهتان را رسوا نمود. ای خراب‌کننده‌ی اعمال ساحران و باطل‌کننده‌ی مکر اهل فساد، کسی که می‌خواهد به وسیله‌ی سحر به من نزدیک شود و یا ضرر به من برساند، خواه من به آنها عالم باشم و یا نباشم و خواه از آنها بترسم یا نترسم، به وسیله‌ی اسباب آسمانی، علم آن ساحر و جادوگر را از من قطع کن تا بدون ضرر و خسران از من دور شوند. زیرا من به عظمت تو در جلوگیری از دشمنان پناه می‌برم. پس تو در مقابل آنها برایم مدافع باش، بهترین و کامل‌ترین مدافع‌ها. و این لطف را درباره‌ی تمام کن، ای کریم.

وقتی که بنده‌ام این مطالب را بگوید، هیچ ساحری نمی‌تواند به او ضرر برساند و هیچ جنی نمی‌تواند او را بترساند. (حرّ عاملی، ۱۳۸۰: ۳۷۵)

۴-۲-۳. تحمّل، مدارا و سازگاری

هر انسانی اگر ظرفیت داشته باشد و بتواند دوست و دشمن را تحمّل کند، بسیاری از منازعات و درگیری‌های به‌وجودآمده در زندگی خاتمه می‌یابد و صلح و صفا و صمیمیت و محبت بر خانواده و جامعه حکم‌فرما می‌شود. ولی برعکس عدم تحمّل و تنگ‌نظری و کم‌ظرفیتی عامل بسیاری از مشکلات و اختلافات می‌شود. تحمّل مادر شوهر، عروس، داماد و افراد دیگر می‌تواند زندگی را شیرین و گلستان کند (رحیمی، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

انبیاء(علیه السلام) برای موفقیت در رسالت خود از خداوند تقاضای شرح صدر می‌نمودند، چنان‌که از قول حضرت موسی(علیه السلام) قرآن نقل می‌کند که عرض کرد: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه / ۲۵)؛ گفت: «پروردگارا، سینه‌ام را گشاده گردان.» و درباره‌ی خاتم الانبیاء هم فرمود: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (شرح / ۱)؛ آیا برای تو سینه‌ات را نگشاده‌ایم؟

بنابراین مردان بزرگ الهی و مؤمنان خردمند موفقیت را در شرح صدر و تحمّل دیگران دانسته‌اند (رحیمی، ۱۳۸۵: ۱۷۶، ۱۷۷)، و زوجین می‌توانند با الگوگیری از اولیای دین(علیهم السلام) تحمّل و ظرفیت را در خود پرورش دهند تا در مقابل رفتار و یا گفتار ناپسند دیگران که قصد دخالت ناروا در زندگی آنها را دارند، صبورانه بایستند.

امام صادق(علیه السلام) فرمود: «هر مصیبتی که در برابر آن صبر و تحمّل پیشه کنی و از جانب خداوند عزوجلّ به اجر و پاداش لازم برسی، آن را مصیبت مشمار. مصیبت موقعی تلخ و ناگوار است که در برابر آن، صبر و تحمّل را از دست دهی و از اجر و پاداش الهی محروم بمانی.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵ / ۵۵۶)

با الهام از این روایت می‌توان گفت زوجینی که در مقابل مشکلات و دخالت‌های بیجای دیگران با صبر و تحمل مقاومت می‌کنند، از جانب خداوند متعال به اجر و پاداش لازم می‌رسند، و اگر صبر و تحمل خود را از دست دهند، زندگی آنها تلخ و ناگوار خواهد بود و علاوه بر آن از پاداش الهی محروم می‌مانند. به نظر می‌رسد ریشه‌ی بسیاری از کشمکش‌ها و درگیری‌ها در محیط خانواده، حساسیت‌های نابجا و عدم روحیه‌ی مدارا و سازگاری است. استحکام بنیان خانواده تا حدی به مدارا و سازگاری زوجین در برابر خطاها و دخالت‌های بیجای دیگران بستگی دارد. البته این مدارا باید در راستای فرامین الهی انجام گیرد و مخالف شرع نباشد. مدارا و سازگاری چنان از اهمیت بالایی برخوردار است، که پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «پروردگارم مرا به سازگاری با مردم امر فرمود، چنان‌که مرا به واجبات امر فرمود.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۳۰۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲/۲۰۰)

در کلامی دیگر امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: سازگاری با مردم نصف ایمان است و نرمی با آنها نصف زندگی است.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۳۰۴، ۳۰۵) بنابراین مدارا و سازگاری افراد با اطرافیان چنان اهمیت دارد که در تکامل ایمان آنها مؤثر است، به‌گونه‌ای که ایمان واقعی هر فرد به میزان سازگاری وی با دیگران بستگی دارد.

در حدیث دیگری از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: «کسی که از سازش و مدارا بی‌نصیب شده است، از همه‌ی خوبی‌ها محروم است.» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴: ۴۹)

امام علی (علیه السلام) نیز در مورد مدارا با مردم می‌فرماید: «هر کس با مردم مدارا کند، از مکرشان در امان است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۵) طبیعی است که زوجین با عمل به این حدیث، می‌توانند زندگی خود را در برابر تزویر و حیل‌های افراد و دخالت‌های ناپسند آنان، بیمه کنند و با مدارا و سازگاری با این افراد، سوء قصد و نیت‌شان را برطرف سازند و آنان را از استمرار دخالت‌ها بازدارند.

متأسفانه گاهی دخالت‌های منفی دیگران در زندگی زوجین تا حدی پیش می‌رود که سبب جدایی زن و شوهر از یکدیگر می‌شود. یکی از راه‌کارهای قرآن کریم برای مواجهه با این امر سازگاری زوجین با یکدیگر است که سبب خیر فراوان در زندگی می‌شود. چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «... وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء / ۱۹) ؛ با آنها به شایستگی رفتار کنید، و اگر از آنان خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد.

در مجمع البیان در تفسیر این آیه آمده است: «مقصود «فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» این است که در طلاق آنها عجله نکنید، شاید خداوند خیر بسیاری را برای شما در ایشان قرار دهد. در این آیه مردان تشویق شده‌اند که نسبت به زنانی که به آنها علاقه‌ای ندارند، شکیبیا باشند و با اینکه از هم‌نشینی

ایشان کراهت دارند، در صورتی که ضرر بدنی یا دینی یا مالی متوجه‌شان نباشد؛ آنها را حفظ کنند.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/ ۴۱)

طبق این آیه اقدام عجولانه برای طلاق منع شده است، چه بسا زوجین با سازگاری و مدارا با یگدیگر بتوانند پایه‌های زندگی را محکم‌تر نمایند. در تفسیر دیگری نیز در مورد آیه‌ی مذکور آمده است: «یعنی حتی اگر به جهاتی از همسران خود رضایت کامل نداشته باشید و بر اثر اموری، آنها در نظر شما ناخوشایند باشند، فوراً تصمیم به جدایی و یا بدرفتاری نگیرید و تا آنجا که قدرت دارید، مدارا کنید، زیرا ممکن است شما در تشخیص خود گرفتار اشتباه شده باشید، و آنچه را نمی‌پسندید خداوند در آن خیر و برکت و سود فراوانی قرار داده باشد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳/ ۳۲۰)

بر این اساس در صورتی که دخالت‌های دیگران و بازگویی آنان از نقاط ضعف همسر، موجب کراهتی نسبت به همسر شود باید شیوه‌ی مدارا و سازگاری را پیش گرفت؛ چرا که زن و مرد در مسیر زندگی مشترک با مشکلاتی مواجه می‌شوند که لازم است با تحمل، سازگاری و مدارا فضای گرم خانواده را حفظ کنند، تا بدین‌گونه از فروپاشی زندگی زناشویی خود در امان مانند.

۴-۲-۵. تغافل

به جرئت می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین راهکارهای مواجهه با دخالت‌های منفی و بیجای دیگران تغافل یا چشم‌پوشی زوجین از آنهاست. گاهی اطرافیان، خویشان و یا دوستان زن و شوهر، با دخالت‌ها و تحمیل نظرهای زندگی را به کام همسران تلخ می‌کنند و یا انتظار دارند که زوجین در تصمیمات مربوط به زندگی مشترک به مشورت و درخواست‌های آنان عمل کنند، در چنین موقعیتی بر اساس آموزه‌های اسلامی، زوجین می‌توانند در کمال احترام سخنان و درخواست‌های اطرافیان را شنیده، اما در زندگی خود آنها را عملی نکنند و در واقع نوعی تغافل نمایند، در غیر این صورت به دلیل دخالت منفی دیگران، زن و شوهر دچار حزن و اندوه می‌شوند و زندگی‌شان ناخوشایند می‌گردد. در کلام و اندیشه‌ی امام علی (علیه السلام) این موضوع به زیبایی و شیوایی آمده است، آنجا که می‌فرماید: «هر کس از بسیاری از کارها تغافل و چشم‌پوشی نکند، زندگانی‌اش ناگوار می‌شود.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۵۱)

معنای «تغافل» همان تَعْمُد است، یعنی از روی عمد خود را به غفلت‌زدن (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴/ ۴۱۹). بنابراین یکی از راه‌کارهای مواجهه با دخالت تغافل است، به این صورت که اگر زوجین از مسائل جزئی در زندگی که ممکن است ناشی از دخالت دیگران باشد، تغافل کنند، منزلت خود را بالا برده و بدین ترتیب آرامش را در زندگی ایجاد می‌کنند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «با چشم‌پوشی و تغافل از امور کوچک، قدر و ارزش خود را بالا ببرد.» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴: ۲۲۴)

همچنین در کتاب «من لایحضره الفقیه» آمده است: امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «من همگی آنچه مردم با آن زندگی می‌کنند و با آن معاشرت می‌نمایند، یافتم که دو ثلث آن حمل بر خوبی و یک ثلث آن تغافل است.» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳: ۴/۳۸۷)

طبق این روایت می‌توان گفت معاشرت‌ها و روابط خویشاوندی در گرو تغافل نسبت به برخی اعمال و رفتار است. بر این اساس زوجین نیز باید در روابط خود با دیگران به این نکته اهتمام ورزند، که تغافل در مقابل برخی مسائل لازم است، تا زندگی را از نگرانی‌ها و اندوه‌های ناشی از دخالت دیگران، به دور سازند. یکی از مفاهیمی که با تغافل ارتباط تنگاتنگی دارد، عفو و گذشت است، که از بهترین راه‌کارهای تحکیم خانواده به شمار می‌آید، به طوری که اگر هر یک از زوجین دخالت‌های منفی دیگران را نادیده بگیرند و در مقابل گفتار و رفتار ناپسند اطرافیان عفو و گذشت را سرلوحه‌ی خویش قرار دهند، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. خداوند متعال در مورد عفو و گذشت در قرآن کریم می‌فرماید: «... وَ لِيُصْفَحُوا وَلِيُصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور/ ۲۲)؛ ... باید عفو کنند و گذشت نمایند مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشد؟ و خدا آمرزنده مهربان است.

کلینی در باب عفو و گذشت روایتی را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آورده است که حضرت فرمود: «آیا شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت آگاه سازم؟: گذشت و عفو از کسی که به تو ظلم کرده، و پیوستن با کسی که از تو بریده، و نیکی به کسی که به تو بدی کرده، و بخشیدن به کسی که تو را محروم ساخته است.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۲۷۷)

بنابراین یکی از راه‌کارهای مواجهه با دخالت‌های منفی دیگران در زندگی زوجین، عفو و گذشت است، چرا که طبق این روایت، عفو و گذشت یکی از بهترین خصوصیات اخلاقی شمرده شده است و زوجین می‌توانند با این خصلت خوش اخلاقی باعث تحکیم خانواده خود شوند و عزت خویش را بالا ببرند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «گذشت کنید؛ زیرا گذشت جز عزت بنده را نیفزاید، از یکدیگر بگذرید، تا خدا شما را عزیز کند.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۲۷۹)

جمع‌بندی فصل

آثار دخالت‌های دیگران در زندگی زوجین با توجه به آموزه‌های اسلامی به آثار دخالت‌های مثبت، آثار دخالت‌های منفی و آثار دخالت‌های مستقیم و غیر مستقیم تقسیم‌بندی می‌شود. از آثار دخالت‌های مثبت می‌توان به مواردی از قبیل تحکیم بنیان خانواده در اثر وساطت در ازدواج، صلح و آشتی و ... اشاره کرد، و برخی از آثار دخالت‌های منفی در زندگی زوجین عبارتند از: اختلاف و جدایی در اثر ازدواج تحمیلی، سوء ظن، جدایی زوجین در اثر سحر و جادو.

اشاعه و ترویج فحشا و تجمل‌گرایی نیز می‌توانند از جمله آثار دخالت‌های غیر مستقیم در زندگی همسران قلمداد شوند. لازم به ذکر است که شناخت هر یک از این آثار در مدیریت و بهبود زندگی و چگونگی برخورد با دیگران امری ضروری به نظر می‌رسد و با توجه به مسئله‌ی مهم دخالت‌های دیگران در زندگی زوجین به خصوص دخالت‌های منفی، اسلام راهکارهایی را برای مواجهه با این نوع دخالت‌ها به زوجین ارائه می‌دهد، و این موضوع به قدری اهمیت دارد که یکی از مهم‌ترین علل گرایش زوجین به طلاق محسوب می‌شود. از جمله راه‌کارهای قرآن و حدیث برای مواجهه با دخالت منفی عبارتند از: تحمل، سازگاری و مدارا، تغافل، و

زوجین با اهتمام به این راه‌کارها و عملی کردن آنها در زندگی می‌توانند از کشمکش‌ها و درگیری‌هایی که بر اثر دخالت‌های منفی دیگران ممکن است، به وجود آید، نجات یابند و آرامش را به زندگی خود برگردانند.

جمع‌بندی

یکی از موضوعات مهمی که زندگی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد، دخالت دیگران در زندگی آنان است؛ به طوری که در جوامع امروزی به عنوان معضلی جدی و یکی از مهم‌ترین عوامل گرایش به طلاق شناخته می‌شود. البته دخالت دیگران جنبه مثبت هم می‌تواند داشته باشد و لذا مفهوم‌شناسی دخالت و تبیین مرز دخالت با مفاهیم مرتبط با آن از قبیل: حمایت، دلسوزی، راهنمایی و ... با تکیه بر آموزه‌های اسلامی اولین گام در این تحقیق بود. بی‌شک شناخت این مرزها بسیاری از سوءتفاهم‌ها و اختلافات همسران را کاهش می‌دهد و نکته‌ی اصلی در این میان، رعایت استقلال زوجین است یعنی در صورتی می‌توان دیگران را به دخالت منفی محکوم کرد که استقلال زن و شوهر را سلب و دیدگاه خویش را بر آنها تحمیل نمایند. قلمروهایی که دیگران در آنها به دخالت می‌پردازند و انواع این دخالت‌ها موضوع فصل دوم بود که با توجه به برخی پژوهش‌ها، از چهار قلمرو فردی - شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و قلمرو اقتصادی بحث شد و ذیل هر کدام، دخالت‌های ممکن که اثری از آنها در آموزه‌های اسلامی به دست آوردیم، مورد بررسی قرار گرفت. در بحث انواع دخالت نیز از زاویه‌ای آنها را به دخالت‌های مثبت و منفی، و از دیدگاهی دیگر آنها را به دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کردیم و برای هر یک نمونه‌هایی برشمردیم. به عنوان نمونه در آموزه‌های اسلامی وساطت در ازدواج، میانجی‌گری در اختلافات همسران (در صورت بیم از دشمنی و جدایی آنها) دخالت مثبت به شمار می‌آیند و تجسس و نیز دخالت افراد منحرفی که از طریق سحر و جادو با اغراض شیطانی موجب جدایی زن و شوهر می‌شوند، دخالت منفی قلمداد می‌شوند. از نمونه‌های دخالت مستقیم نیز می‌توان به نصیحت و تذکر، و میانجی‌گری در اختلافات زوجین اشاره کرد و از مصادیق دخالت غیر مستقیم می‌توان تأثیر رسانه‌ها، و تأثیرات غیر ارادی خویشان و دوستان را برشمرد. علل و زمینه‌های دخالت منفی دیگران در زندگی زوجین و راهکارهای جلوگیری از آن با تأکید بر آموزه‌های اسلامی موضوع فصل سوم تحقیق بود که در مجموع ۱۵ علت و زمینه برای وقوع دخالت منفی دیگران، که توانستیم برای آنها ذکری در منابع اسلامی بیابیم، به دست آمد؛ و در ادامه، تلاش شد متناظر با هر یک از این علل، راهکاری برای پیشگیری از آنها در آموزه‌های اسلامی بیابیم. برخی از این علل و زمینه‌ها عبارتند از: عدم رشد و بلوغ شخصیتی زوجین، وابستگی، عدم رازداری زوجین، صله رحم؛ که به ترتیب، تأکید آموزه‌های دینی بر رشد و بلوغ شخصیتی زوجین هنگام ازدواج، حفظ استقلال زوجین، حفظ اسرار خانوادگی و رعایت حدود صله رحم، به عنوان راهکار جلوگیری از بروز دخالت‌های منفی مورد بحث قرار گرفتند.

در فصل آخر این تحقیق به بررسی آثار دخالت‌های دیگران در زندگی زوجین و راه‌کارهای قرآن و حدیث برای مواجهه با اثرات منفی دخالت پرداختیم.

پرواضح است که دخالت‌های مثبت دیگران سبب استحکام زندگی زوجین می‌شوند و دخالت‌های منفی دیگران، اختلال در زندگی و یا احتمال جدایی همسران را افزایش می‌دهند.

دخالت‌های مثبت دیگران می‌تواند آثاری همچون بهره‌مندی از عقل و علم دیگران، و صلح و آشتی را در زندگی زوجین به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر دخالت‌های منفی دیگران، آثاری مانند اختلالات روحی، سوءظن، تجمل‌گرایی، اختلافات شدید و در برخی موارد طلاق و جدایی را در پی داشته باشد.

اسلام برای پایداری روابط زوجین و در نتیجه مقاوم‌سازی زندگی آنها، راه‌کارهایی را برای مواجهه با اثرات منفی دخالت دیگران ارائه می‌دهد. چه بسا این راه‌کارها، منازعات و درگیری‌های ناشی از دخالت دیگران را کاهش دهد. راه‌کارهایی برای درمان سوءظن و تشویق به مدارا و سازگاری از جمله این روش‌ها هستند و بیان شد که شاید مهم‌ترین دستورالعمل برای مقابله با اثرات مخرب دخالت دیگران، تغافل و نادیده‌گرفتن خطاهای همسر و اطرافیان باشد.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه (صبحی صالح، محقق). چاپ اول، قم: هجرت.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه (محمد ابوالفضل ابراهیم، مصحح / محقق). چاپ اول، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۶۲). الخصال (علی اکبر غفاری، محقق / مصحح). چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۷۶). الأملی. چاپ ششم، تهران: کتابچی.
- _____ (۱۳۸۱). پاداش نیکی‌ها و کیفر گناهان (محمد علی مجاهدی، محقق / مترجم). قم: سرور.
- _____ (۱۴۰۶). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. چاپ دوم، قم: دار الشریف الرضی.
- _____ (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا علیه السلام (مهدی لاجوردی، محقق / مصحح). چاپ اول، قم: جهان.
- _____ (۱۴۱۳). من لایحضر الفقیه (علی اکبر غفاری، محقق). چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول (علی اکبر غفاری، محقق / مصحح). چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. چاپ اول، قم: علامه.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة (عبدالسلام محمد هارون، محقق). چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۲۱). سنن ابن ماجه. چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن همام اسکافی، محمد بن همام بن سهیل (۱۴۰۴). التمهیص (مدرسه امام مهدی (عج)، محقق / مصحح). چاپ اول، قم: مدرسه الإمام المهدی (عج).
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). کشف الغمة فی معرفة الأئمة (سید هاشم رسولی محلاتی، محقق / مصحح). چاپ اول، تبریز: بنی هاشمی.
- افردیر، حسین و رحیمی، عصمت (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی فرهنگی تجمل‌گرایی در رفتار فردی و راهکارهای قرآنی و روایی پیشگیری از آن. بصیرت و تربیت اسلامی، سال دوازدهم (۳۳)، ۱۰۱-۱۳۴.

اکبری، محمد رضا (بی‌تا). *تحلیلی نو و عملی از امر به معروف و نهی از منکر در عصر حاضر*. چاپ پنجم، بی‌جا: پیام عترت.

انصاریان، حسین (۱۳۸۰). *نظام خانواده در اسلام*. چاپ شانزدهم، قم: ام اییها.

انصاری، حسن (۱۳۷۲). ابن همام. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، بی‌جا: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

انوری، حسن و دیگران (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. چاپ اول، تهران: سخن.

آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۱). *فرهنگ معاصر عربی - فارسی بر اساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانسور (ویراست ۲)*. تهران: نی.

برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). *المحاسن (جلال الدین محدث، محقق/ مصحح)*. چاپ دوم، قم: دارالکتاب الإسلامیه.

بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶). *جامع احادیث الشیعه (جمعی از محققان، محقق)*. چاپ اول، تهران: فرهنگ سبز.

بستان (نجفی)، حسین؛ بختیاری، محمد عزیز و شرف الدین، سید حسین (۱۳۸۵). *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*. چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۱). *راه‌کارهای تحکیم خانواده در قرآن و حدیث*. رسانه و خانواده، سال دوم (۵)، ۷۴-۴۱.

بهرامی کاکاوند، سیاوش؛ ریاحی، محمد اسماعیل و علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۸۶). *تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه)*. *پژوهش زنان*، ۵ (۳)، ۱۰۹-۱۴۰.

بیسواجیت داس و نادعلی، منا (۱۳۹۱). *شبکه‌های اجتماعی اینترنتی؛ تحلیل انتقادی آثار آنها بر زندگی فردی و اجتماعی*. *مطالعات جوان و رسانه*، (۵)، ۱۱۴-۱۳۲.

بیگی، روح الله (۱۳۸۹). *ارزش‌های اجتماعی در قرآن*. چاپ دوم، قم: اسوه.

پاداشیان فرد، عزیزه (۱۳۹۴). *رابطه‌ی بین تأثیرات منفی فضای مجازی و تربیت دینی خانواده‌ها*. بازیابی مرداد، ۱۳۹۴، از pmbo.ir

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول(ص))*. چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.

پناهی، علی احمد (۱۳۹۳). *سبک زندگی؛ همسررداری از منظر دین با رویکردی روان‌شناختی*. چاپ اول، قم:

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم* (مصطفی درایتی، محقق / مصحح). چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات.

_____ (۱۴۱۰). *غرر الحکم و درر الکلم* (سید مهدی رجائی، محقق / مصحح). چاپ دوم، قم: دارالکتاب اسلامی.

جمعی از نویسندگان با کوشش آیت الهی، زهرا (۱۳۹۲). *اخلاق خانواده*. چاپ دوازدهم، قم: دفتر نشر معارف.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۶۸). *الصّحاح تاج اللغة و صحاح العربیة* (احمد عبد الغفور عطار، محقق). چاپ اول، بیروت: امیری.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۰). *آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم السلام* (محمد علی فارابی و یعسوب عباسی علی کمر، مترجم). چاپ پنجم، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

_____ (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه* (مؤسسه آل‌البتیت(ع)، محقق / مصحح). چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البتیت(ع).

_____ (۱۳۸۰). *الجواهر السنیة فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)* (زین العابدین کاظمی خلخالی، مترجم). چاپ سوم، تهران: دهقان.

حسین‌زاده، علی (۱۳۹۱). *خانواده موفق؛ ارتباط والدین و فرزندان*. چاپ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) با همکاری دانشگاه کاشان.

حسینی، سید علی اکبر (۱۳۷۵). *اخلاق در خانواده*. چاپ پنجم، تهران: اسلامی.

حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹). *شرائع الاسلام*. تهران: استقلال.

حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). *تفسیر نورالتقلین* (سید هاشم رسولی محلاتی، محقق / مصحح). چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. چاپ دوم، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن* (صفوان عدنان داوودی، محقق / مصحح). چاپ اول، بیروت: الدارالشامیة.

رحیمی، عباس (۱۳۸۵). *زندگی موفق (رازهای خوب‌زیستن)*. چاپ پنجم، قم: جمال.

رشید پور، مجید (۱۳۷۴). *مدیریت خانواده*. پیوند، (۱۹۷)، ۱۴-۱۷.

رضایی‌فر، سلطانمراد (۱۳۷۸). *بررسی اثرات شهرنشینی بر ساختار خانواده در روستاهای حومه شهر ایزه*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان.

رضائیان، علی (۱۳۹۲). *اصول مدیریت*. چاپ بیست و چهارم، تهران: سمت.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. چاپ اول، تهران: سروش.

سالاری‌فر، محمد رضا (۱۳۸۷). *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*. چاپ چهارم، قم: سمت.

سلیمانی‌پور، روح‌الله (۱۳۸۹). شبکه‌های اجتماعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها. *ره‌آورد نور*، (۳۱)، ۱۴-۱۹.

سیاح، احمد (۱۳۷۵). *فرهنگ بزرگ جامع نوین؛ عربی به فارسی (با مقدمه‌ی حسن‌زاده آملی)*. چاپ هجدهم، تهران: اسلام.

سیوطی، عبد الرحمن ابی بکر (۱۴۰۴). *الدر المشرور فی التفسیر بالمأثور*. چاپ اول، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله عظمی مرعشی نجفی (ره).

_____ (۱۴۲۱). *الإتقان فی علوم القرآن* (فواز احمد زمرلی، محقق). چاپ دوم، بیروت: دار الكتاب العربی.

شرف‌الدین، سید حسین و اسماعیلی، رفیع‌الدین (۱۳۹۳). نقش رسانه‌ها در تحکیم خانواده ایرانی. *پژوهش‌های فرهنگ و تربیت اسلامی*، سال اول (۱)، ۱۳۵-۱۶۲.

شرفی، محمد رضا (۱۳۸۳). *خانواده متعادل (آناتومی خانواده)*. چاپ هشتم، تهران: انجمن اولیا و مربیان.

شریفی‌فر، رمضانعلی (۱۳۹۳). دیدگاه مخاطبان درباره تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای بر مؤلفه‌های فرهنگی سبک زندگی (پوشش، آرایش و روابط زن و مرد). *مطالعات سبک زندگی*، سال سوم (۸)، ۹۱-۱۲۳.

شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۹۲). *آسیب‌های روانی خانواده (برگرفته از دیدگاه‌های روان‌شناسی، مشاوره و اسلام)*. چاپ اول، تهران: آوای نور.

شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا). *جامع الأخبار*. چاپ اول، نجف: مطبعه حیدریه.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳). *شرح اصول کافی* (محمد خواجوی، محقق/مصحح)، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ضمیری، محمد رضا (۱۳۸۵). نیم‌نگاهی به آسیب‌شناسی خانواده. *معرفت*، (۱۰۴)، ۴۵-۵۴.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲). *مکارم الأخلاق*. چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی.

_____ . *تفسیر جوامع الجامع* (ابوالقاسم گرگی، مصحح). چاپ اول، قم: حوزه علمیه قم مرکز مدیریت.

_____ (۱۳۷۲). *مجمع البيان في تفسير القرآن* (فضل الله يزدي طباطبائي و هاشم رسولي، مصحح). چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴). *الأمالی* (مؤسسه البعثة، محقق). چاپ اول، قم: دارالثقافه.
_____ (۱۳۸۷). *المبسوط*. تهران: المكتبة المرتضوية.

_____ (۱۴۱۷). *الخلافة*. چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

_____ (بی تا). *التبيان في تفسير القرآن* (احمد حبيب عاملی، مصحح؛ محمد حسن آقا بزرگ تهرانی، مقدمه نویس). چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

_____ (۱۴۰۷). *تهدیب الأحكام* (حسن الموسوی خراسان، محقق / مصحح). چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

ظهیری، هوشنگ و فتحی، سروش (۱۳۹۰). *مدیریت خانواده در نظریه‌های جامعه‌شناسی در مقایسه با نظریه علامه طباطبائی*. پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، (۸)، ۹۹-۱۲۰.

عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۳). *المسالك الافهام*. چاپ اول، قم: مؤسسه معارف اسلامیة.

_____ (۱۳۷۷). *شرح مصباح الشریعه*. (هاشم گیلانی، عبدالرزاق بن محمد، مترجم؛ محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، محقق / مصحح)، چاپ اول، تهران: پیام حق.

عمید، حسن (۱۳۷۳). *فرهنگ فارسی عمید*. چاپ بیستم، تهران: امیرکبیر.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی* (سید هاشم رسولی محلاتی، محقق / مصحح). چاپ اول، تهران: المطبعة العلمیه.

غباری بناب، باقر؛ فقیهی، علی نقی و قاسمی پور، یدالله (۱۳۸۶). *آثار صله رحم از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و کاربردهای تربیتی آن*. تربیت اسلامی، (۵)، ۸۱-۱۱۴.

فاتحی‌زاده، مریم؛ بهجتی اردکانی، فاطمه و نصرافهانی، احمد رضا (۱۳۸۴). *بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین‌بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد*. *مطالعات تربیتی و روانشناسی*، (۲۱)، ۱۰۶-۱۱۷.

فاخری، سید علیرضا و منتظری، محمد حسین (۱۳۸۵). *اخلاق خانواده*. چاپ ششم، بی‌جا: اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*. چاپ اول، قم: رضی.

- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹). *العین*. چاپ دوم، قم: هجرت.
- فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۲). *آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق*. چاپ اول، بی‌جا: منصور.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵). *تفسیر الصافی* (حسین اعلمی، مقدمه / تصحیح). چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر.
- قائمی، علی (۱۳۷۰). *خانواده و مسائل همسران جوان*. بی‌جا: امیری.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قمی، عباس (۱۴۱۴). *سفینه البحار*. چاپ اول، قم: اسوه.
- کاوه، سعید (۱۳۸۷). *مداخله و مشکل‌آفرینی در زندگی همسران*. چاپ اول، تهران: سخن.
- کدیور، محسن (۱۳۸۲). *پیش درآمدی بر بحث عمومی و خصوصی در فرهنگ اسلامی*. بازتاب اندیشه، (۴۶)، ۶۷-۷۳.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵). *المصباح*. چاپ دوم، قم: دار الرضی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹). *کافی* (دار الحدیث، محقق). چاپ اول، قم: دار الحدیث.
- لودین، شهین (۱۳۸۰). *اصول مدیریت از دیدگاه قرآن و احادیث*. چاپ اول، مشهد: واسع.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ* (حسین حسنی بیرجندی، محقق / مصحح). چاپ اول، قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). *بحار الانوار* (جمعی از محققان، محقق). چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۳۷۹). *زندگانی حضرت زهرا(س)* (ترجمه جلد ۴۳ بحار الانوار) (محمد روحانی علی آبادی، مترجم). چاپ اول، تهران: مهام.
- _____ (۱۴۰۴). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول* (سید هاشم رسولی محلاتی، محقق / مصحح). چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محدثی، جواد (۱۳۷۶). *راه رشد*. چاپ اول، بی‌جا: ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر.
- _____ (۱۳۸۷). *الغبای زندگی*. چاپ ششم، قم: بوستان کتاب.
- _____ (۱۳۹۱). *اخلاق معاشرت*. چاپ سی و چهارم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶). *میزان الحکمه (با ترجمه‌ی فارسی) (ویرایش دوم)* (حمید رضا شیخی، مترجم). چاپ هشتم، قم: دار الحدیث.

_____ (۱۳۸۷). *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*. (حمید رضا شیخی، مترجم) چاپ هفتم، قم: دار الحدیث.

محمدی‌نیا، اسد الله (۱۳۸۷). *آیین همسررداری در زندگی حضرت فاطمه (س)*. چاپ سوم، قم: سبط اکبر. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲). *دایرة المعارف قرآن کریم*. چاپ سوم، قم: بوستان کتاب قم. مشکى، مهدى؛ شاه قاسمى، زهره؛ دلشاد نوقابى، على و مسلم، علیرضا (۱۳۹۰). *بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد. افق دانش؛ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد*. ۱۷(۱)، ۳۵-۴۴.

مصطفوی، جواد (۱۳۸۹). *بهشت خانواده*. چاپ بیست و سوم، مشهد: هاتف. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). *صد گفتار (خلاصه آثار شهید مطهری)*. دفتر اول. چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

_____ (۱۳۸۳). *نظام حقوق زن در اسلام*. چاپ سی و هشتم، تهران: انتشارات صدرا. معاونت پژوهشی مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (۱۳۷۸). *تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)*. چاپ دوم، تهران: بی‌نا.

معین، محمد (۱۳۸۸). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیر کبیر. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳). *تفسیر مقاتل بن سلیمان (عبدالله محمود شحاته، محقق)*. چاپ اول، بیروت: دار احیا التراث العربی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

_____ (۱۳۸۹). *زندگی در پرتو اخلاق*، چاپ هشتم، قم: سرور.

_____ (۱۳۷۷). *اخلاق در قرآن*. چاپ اول، قم: مدرسه الإمام علی بن ابیطالب.

ملک محمودی، امیر (۱۳۸۰). *راهنمای ازدواج*. چاپ اول، قم: مشهور.

منتسکیو (۱۳۶۲). *روح القوانين (علی اکبر مهتدی، مترجم)*. چاپ هشتم، تهران: امیر کبیر.

منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم (ع) (۱۴۰۰). *مصباح الشریعه*. چاپ اول، بی‌جا: اعلامی بیروت.

موسوی سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۹). *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم، بی‌جا: دفتر سماحه آیت الله العظمی السبزواری.

نعیمی، محمد رضا (۱۳۹۰). تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده طلاق (مطالعه موردی شهرستان گرگان). *مجله‌ی تخصصی جامعه‌شناسی*، ۱(۱)، ۱۹۱-۲۱۱.

نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل* (مؤسسه آل البیت(ع)، محقق/مصحح) چاپ اول، بی‌جا: مؤسسه آل البیت.

نوری، نجیب الله (۱۳۸۸). نقش مثبت اندیشی در استحکام خانواده. *راه تربیت*، (۹)، ۷۳-۹۰.

وحیدنیا، فرحناز و مهر پرور، بتول (۱۳۹۳). بایسته‌های خانواده متعالی با تأکید بر روایت صادقین(علیهم‌السلام). *کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی*، قم: مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر. ۱۷۲-۱۸۷.

ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰). *مجموعه ورام*. چاپ اول، قم: مکتبه فقیه.

ویسی، غلامرضا (۱۳۹۲). «علل اختلافات خانوادگی». بازیابی مرداد، ۱۳۹۲، از

mm-farhangi.blogfa.com

هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲). *کتاب فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع)*. چاپ اول، قم: مؤسسه‌ی دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت(ع).

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۳). *فرهنگ قرآن*. چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.

هدایت‌نیا، فرج الله (۱۳۸۴ الف). *نقد داوری در دعاوی خانوادگی؛ از مقررات تا اجرا. مطالعات راهبردی زنان* ۲۷(۲)، ۷۶-۱۱۲.

هدایت‌نیا، فرج الله (۱۳۸۴ ب). *داوری اجباری در دعاوی خانوادگی. فقه و حقوق*. ۲(۷)، ۱۰۵-۱۳۲.

هری چارالامبوس تریانیدیس (۱۳۷۸). *فرهنگ و رفتار اجتماعی*. (نصرت فتی، مترجم) چاپ اول، تهران: رسانش

یونسی، سید جلال و هنریان، مسعود (۱۳۹۰). *بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران. مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۱(۳)، ۱۲۵-۱۵۳.



Hakim Sabzevari University
An Outline of M.A. Thesis

Surname: Rezaei Kalateh Bali	Name: Atefeh	Student No: 9313220097
Supervisor: Dr. Muhammad Mustafaei	Advisor: Dr. Hosein Shareh	
Faculty: Thology and Islamic Studies	Department: Quranic Sciences and Hadith	
Program: M.A.	Field of study: Quranic Sciences and Hadith	
Title of thesis: The role of others' interferences in consolidating and breaking down the couples' life and managing it focusing on Islamic teachings		
Keywords: Others' interferences, couples' life, relationships' management, family, divorce factors, Islam		

Abstract:

Family foundation is one of the most popular foundations to God and the fundamental base in the society; hence recognizing the factors of couples' life consolidation and its breaking down is important. According to emphasizing on maintaining family foundation in Islam, this study investigates the role of others' interferences in consolidating and breaking down the couples' life and managing it focusing on Islamic teachings through analytical-descriptive method and direct- indirect deduction of religious texts. Interference can be misunderstood by concepts like support, sympathy, guidance, etc. So the first step is conceptualization of interferences and determining its borders with other related concepts. The next step is finding the domain of others' interferences and its types; some researches explained four types of interferences as individual - personality, cultural, social and economical. Then, the interference was divided into two groups as positive- negative and direct- indirect, that whose items were pointed out. The reasons of others' negative interferences in couples' life and avoiding them is the subject of 3rd chapter. Totally 15 reasons were stated for others' negative interferences, using religious references. Then, some solutions were given for preventing each item. Immaturity of couples' personality and connection with relatives are two samples of reasons for others' interferences; while religious teachings focuses on couples' personality maturity and conventionality of visiting relatives as the ways of preventing others' negative interferences. The last chapter investigates the effect of others' interferences and the ways suggested in Quran and Hadith to prevent negative interferences outcomes.



دانشگاه حکیم سبزواری

University of Hakim Sabzevari

Faculty of Theology and Islamic studies

Thesis Submitted in partial Fulfillment of the
Requirements for the Degree of Master of Arts (M.A) in
Qur'anic Sciences and Hadith

The Role of Others' Interferences in Consolidating and Breaking down the Couples' Life and managing it Focusing on Islamic Teachings

Supervisor:

Dr. Muhammad Mustafaei

Advisor:

Dr. Hosein Shareh

By:

Atefeh Rezaei kalateh Bali

June 2017